فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۹، صص ۹۰-۷۱ New Period, No 28, 2020, P 71-90
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

بررسی موفقیت شرکت‌های دانش بنیان براساس هم افزایی منابع کسب و کار و با تاکید بر نقش میانجی هوشمندی کسب و کار

عبدالحسین کرمپور[۱]. وحیدرضا نصابی[۲]. امیرحسین کاظم الماسی[۳]
۱. استادیار و عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، ایران
a.karampour@shirazu.ac.ir
۲. دانشجوی دکترای مدیریت بازرگانی ـ بازاریابی دانشکده مدیریت و حسابداری،
دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، ایران amiralmasi25@ut.ac.ir
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی پردیس البرز دانشگاه تهران، ایران
vahid.r.nesabi@gmail.com

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر هم‌افزایی منابع کسب‌وکار بر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان می‌باشد و به تبیین نقش هوشمندی کسب‌وکار در این موفقیت می‌پردازد. پژوهش حاضر ازنظر هدف، کاربردی و ازنظر روش توصیفی- پیمایشی است. در این پژوهش از رویکرد آمیخته برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها استفاده‌شده است. با استفاده از مصاحبه اکتشافی، داده‌ها جمع‌آوری، سپس با تحلیل تم مدل تبیین و در ادامه از طریق پرسشنامه محقق ساخته و معادلات ساختاری مدل آزمون شده است. در این پژوهش تعداد نمونه در مرحله اول و برای مصاحبه ۵ نفر شامل صاحب‌نظران و اساتید بوده و تعداد نمونه برای تکمیل پرسشنامه محقق ساخته با توجه نوع نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند، ۳۲ نفر می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد برای موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان باید هم‌افزایی کسب‌وکار صورت گیرد که این کار از طریق هم‌افزایی بازاریابی و تکنولوژیکی میسر می‌گردد. البته هوشمندی کسب‌وکار به‌عنوان یک متغیر میانجی در موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان نقش بسیار مهمی را بازی می‌کند به‌طوری‌که بدون در نظر گرفتن آن، هم‌افزایی کسب‌وکار به‌تنهایی نمی‌تواند موجب موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان شود.

واژه‌های کلیدی: هم‌افزایی بازاریابی، هم‌افزایی تکنولوژیکی، هم‌افزایی کسب و کار، هوشمندی کسب و کار، رویکرد آمیخته

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

۱. مقدمه

عصر پرتلاطم امروزی که پایه و اساس اقتصادهای صنعتی می‌باشد از محوریت منابع به سمت محوریت سرمایه‌های فکری جابه‌جاشده و این تغییر باعث شده تا برای موفقیت در حوزه‌های مختلف نیازمند استفاده از ابزارهای خاص و متفاوتی باشد.

یکی از مؤثرترین و کاراترین ابزارها برای بقا و پویایی در شرایط موجود استفاده از هوشمندی کسب‌وکار است. هوشمندی کسب‌وکار به سیستم‌های اطلاعاتی اشاره دارد که با تبدیل داده‌های خام به اطلاعات معنادار منجر به کاهش عدم قطعیت در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود [۱]. هوشمندی کسب‌وکار به‌عنوان ابزاری در جهت پیشبرد اهداف شرکت‌های دانش‌بنیان استفاده می‌گردد. هوشمندی کسب‌وکار باعث شده تا هوش کسب‌وکار به‌عنوان یک عمل عقلانی در سازمان‌ها عمل نماید و منجر به رسیدن به اهداف سازمانی شود [۲]. سرمایه‌گذاری در هوشمندی کسب‌وکار از ۵۴. ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ به ۹۶. ۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ افزایش‌یافته است. این افزایش نرخ نشان‌دهنده این است که هوشمندی کسب‌وکار در تمام بخش‌های صنعت مورداستفاده قرار می‌گیرد و برای سازمان‌ها مهم‌ترین اولویت را دارد [۳].

سیستم‌های کسب‌وکار مدرن در حال ظهور هستند تا نشان دهند چگونه قسمت‌های مختلف با همکاری یکدیگر نتیجه‌بخش عمل می‌نمایند تا رهبران تجاری بتوانند با تصویر بزرگ‌تر تصمیم‌گیری آگاهانه‌تری اتخاذ کنند [۴]. در بین کسب‌وکارهای مختلف، شرکت‌های دانش‌بنیان در این خصوص نقش بارزتری دارند. این نوع شرکت‌ها برای رشد و توسعه در محیط رقابتی نیازمند استفاده از روش‌ها و ابزارهای نوینی می‌باشند.

شرکت‌های دانش‌بنیان سازمان‌هایی هستند که به‌عنوان مبنایی برای دانش شناخته‌شده‌اند و عامل حیاتی برای توسعه اقتصادی در یک کشور هستند. درواقع این شرکت‌ها موتور محرک و رشد محسوب می‌شوند [۵]. این شرکت‌ها فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها را استخدام کرده و بافت اصلی آن‌را متخصصین تشکیل می‌دهند و عامل اصلی ایجاد درآمد در آن‌ها دانش است [۶]. ازنظر لایبوویتز (۱۹۹۸) سازمان‌های دانش‌بنیان نهادهایی هستند که بر اهمیت دانش درون و بیرون از سازمان توجه می‌کنند و تکنیک‌هایی را برای حداکثر رسانی استفاده از این دانش توسط کارکنان، سهامداران و مشتریان به کار می‌بندد [۷]. به عبارتی مزیت رقابتی یک سازمان دانش‌بنیان از طریق دانش و استفادهٔ اثربخش از دانش حاصل می‌شود. شرکت‌های نرم‌افزاری، صنایع هوا و فضا، مؤسسات تحقیقاتی دانش‌بنیان و دانشگاه‌ها می‌توانند نمونه‌هایی از سازمان‌های دانش‌بنیان محسوب شوند [۸]. بر اساس مطالعات صورت گرفته بر روی شرکت‌های دانش‌بنیان، بزرگ‌ترین مشکل این شرکت‌ها به‌خصوص در مراحل اولیه رشد دسترسی آن‌ها به منابع مالی، تیم مدیریتی قوی، بازاریابی ضعیف و یا نبود بازار برای کالای دانش‌بنیان می‌باشد که باعث شکست این‌گونه شرکت‌ها می‌شود [۹].

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

با توجه به اهمیت هوشمندی کسب‌وکار و نقش آن در توسعه شرکت‌ها بخصوص شرکت‌های دانش‌بنیان، سؤال اصلی این است که پیشران‌های مؤثر بر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان کدام‌اند و هوشمندی کسب‌وکار چه نقشی در این موفقیت دارد.

۲. مرور ادبیات و توسعه فرضیه‌ها

اصطلاح هوشمندی کسب‌وکار[1] برای اولین بار در سال ۱۹۹۰ توسط هاوارد درسنر[2] یکی از کارشناسان گروه تحقیقاتی گارتنر[3] معرفی شد. درسنر هوشمندی کسب‌وکار را، اطلاعات و عملیاتی که به شکلی گسترده برای کارکنان سازمانی، مشتریان، عرضه‌کنندگان، مشاورین سازمانی و عموم مردم باارزش است، معرفی کرد [۱۰]. هوشمندی کسب‌وکار، داده‌های مختلف، پراکنده و ناهمگون یک سازمان را یکپارچه می‌کند و از طریق تحلیل داده‌ها و با استفاده از برنامه‌های کاربردی می‌تواند گزارش‌های تحلیلی را برای تصمیم‌گیری مدیران سازمان فراهم کند [۱۱]. در دنیای به‌شدت رقابتی و نامطمئن امروز، کیفیت و به هنگام بودن به عبارتی "هوشمندی کسب‌وکار" در سازمان‌ها نه‌تنها به معنای تفاوت میان سود و زیان است؛ بلکه تفاوت میان بقا و ورشکستگی نیز می‌باشد [۱۲]. ارزش واقعی هوشمندی کسب‌وکار زمانی خواهد بود که بتوان با تصمیمات اتخاذشده بر اساس نتایج حاصل از هوشمندی کسب‌وکار به‌سادگی فرآیندهای سازمانی را مدیریت کرده و قوانین کسب‌وکار جدید را اعمال نمود [۱۳]. در این راستا سیستم‌های هوشمندی کسب‌وکار با استفاده از فرآیندها، ابزارها و فناوری‌های مختلف مدیران را جهت اخذ تصمیمات مناسب یاری می‌کنند [۱۴]. در مورد سیستم‌های هوشمندی کسب‌وکار برخلاف سیستم‌های اطلاعاتی عملیاتی به دلیل گستردگی حوزه و بلندمدت بودن نتایج و منافع، ارزیابی پیشرفت و نحوه عملکرد آن‌ها مشکل‌تر است [۱۵].

۲-۱. سیستم‌های هوشمندی کسب‌وکار

امروزه تدوین هوشمندانه استراتژی‌های بازاریابی تضمین کنندهٔ بقای یک سازمان در بازار است و عوامل مؤثر بر این استراتژی‌ها در بقای سازمان هر لحظه نقش آفرین‌تر می‌گردند [۱۶]. رکود اقتصادی جهانی که بازارها در اواخر دهه اول قرن بیست و یکم تجربه کرده‌اند تأثیرات قابل‌ملاحظه‌ای بر شیوه کسب‌وکارها و استراتژی‌های بازاریابی داشته است [۱۷]. استراتژی بازاریابی عبارت است از: "فرآیندی که به شرکت اجازه می‌دهد تا با تمرکز منابع بر روی فرصت‌های بهینه به اهداف افزایش فروش و مزیت رقابتی پایدار دست یابد" [۱۸]. مهم‌ترین معیار توسعه و پیشرفت شرکت‌ها به‌ویژه در جهان امروز به‌کارگیری فناوری اطلاعات است. یکی از مفاهیم نوین در فناوری اطلاعات، هوشمندی کسب‌وکار است که به جمع‌آوری

1- Bussiness Intelligence(BI)
2- Howard Dresner
3- Gartner

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

اطلاعات اولیه و ثانویه راجع به رقبا، بازارها و غیره بازمی‌گردد [۱۹]. یک سیستم موفق هوشمندی کسب‌وکار در سازمان باید داده‌های دقیق و ارزشمند را تجمیع و در زمان مناسب آن را به کار گیرد و سپس به اطلاعات تصمیم‌گیری تبدیل نماید [۲۰]. حدود و وظایف موردنیاز سیستم‌های هوشمندی کسب‌وکار، رویکرد مناسبی برای طراحی و پیاده‌سازی آن‌ها است. برای تحقق این باید فرآیند چهار مؤلفه زیر در نظر گرفته شود:

کسب‌وکار: شامل مجموعه‌ای از روش‌ها و فنون مدیریتی، ازجمله ابعاد گوناگونی از دانش است که می‌تواند در ساختمان هوش کسب‌وکار مورداستفاده قرار گیرد.

کاربردها: مبنای تعیین کاربرد سیستم‌های هوشمندی کسب‌وکار در یک سازمان به‌حساب می‌آیند.

تکنولوژی و فناوری: بر اساس مجموعه‌ای از ابزارهای اطلاع‌رسانی، روش‌ها و راه‌حل‌های ساخت سیستم‌های هوشمندی کسب‌وکار را شکل می‌دهند.

سازمانی: بر اساس تعیین روش پیاده‌سازی، سیستم‌های هوشمندی کسب‌وکار سازمان را شامل می‌شوند [۲۱].

هوش کسب‌وکار به یک فلسفه و ابزار مدیریتی اشاره دارد که به سازمان‌ها جهت مدیریت و پالایش اطلاعات کسب‌وکار در راستای اخذ تصمیمات اثربخش کمک می‌نماید. اصطلاح هوش کسب‌وکار می‌تواند جهت اشاره به موارد ذیل به کار گرفته شود [۲۲]:

اطلاعات و دانش مرتبط به سازمان که شامل: محیط کسب‌وکار، خود سازمان، وضعیت بازار، مشتریان، رقبا و ملاحظات اقتصادی است.

یک فرایند سیستمی و سازمان‌یافته که توسط آن سازمان‌ها اطلاعات را در جهت تصمیم‌گیری در فعالیت‌های کسب‌وکار، از منابع درونی و بیرونی کسب، تحلیل و توزیع می‌نماید.

می‌توان استدلال کرد که هوشمندی کسب‌وکار سال‌ها در حاشیه بوده است، زیرا مردم همیشه از اطلاعات به‌منظور تصمیم‌گیری بدون هیچ پشتیبانی کامپیوتری سروکار داشتند. بااین‌حال، تنها در زمان‌های اخیر، ماهیت اطلاعات و تصمیم‌گیری بسیار پیچیده و پویا شده است و شرکت‌ها را مجبور به جستجوی راه‌حل‌های مختلف کسب‌وکار هوشمند می‌کند تا به آن‌ها کمک کند آگاهی (هوش) بیشتری از داده‌های (اطلاعات) خود به دست آورند.

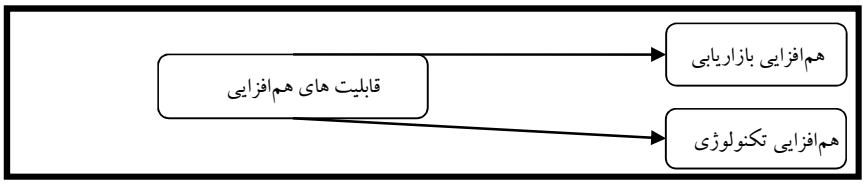
۲-۲. قابلیت‌های هم‌افزایی

سینرژی همکاری چند عامل به‌طوری‌که اثر کلی آن‌ها از جمع اثرات آن‌ها که به‌صورت مستقل حاصل می‌شود، بیشتر باشد. هم‌افزایی شرکت‌ها تنها با مشارکت و هماهنگی همه افراد و همه واحدهای آن به دست می‌آید. بی‌دلیل نیست که امروزه بسیاری از شرکت‌های کم تعداد و کوچک درصحنه رقابت جهانی جولان می‌دهند و به سازمان‌های عریض و ناهماهنگ فائق می‌آیند [۲۳]. ازنظر کوپر (۱۹۹۵)، برای

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

موفقیت در یک کسب‌وکار بخصوص در ایجاد و توسعه محصول/ خدمات و نگرش‌های مربوط به آن‌ها، ایجاد هم‌افزایی بین عوامل مختلف بازار حیاتی می‌باشد [۲۴]. کوپر و کلاینشمیت، (۲۰۱۱)، دو نوع هم‌افزایی را شناسایی نموده‌اند که شامل هم‌افزایی بازاریابی و هم‌افزایی تکنولوژیکی می‌باشد [۲۵]. آن‌ها معتقدند که برای موفقیت در یک کسب‌وکار می‌بایست هم‌افزایی بازاریابی و هم‌افزایی تکنولوژیکی ایجاد نمود و با ادغام این دو هم‌افزایی باهم، می‌توان انتظار داشت که به اهداف از پیش تعیین‌شده خود دست پیدا نماییم؛ یعنی هم‌افزایی بازاریابی و هم‌افزایی تکنولوژی روی بهبود عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد [۲۶].

شکل ۱. قابلیت های هم‌افزایی منبع [۲۷]



هم‌افزایی بازاریابی به معنای همسویی بین مهارت‌های بازاریابی موجود شرکت و مهارت‌های بازاریابی موردنیاز برای حضور فعال در بازار است و این در حالی است که هم‌افزایی تکنولوژیکی به معنای همسویی بین مهارت‌های فن‌آوری موجود در شرکت و مهارت‌های فن‌آوری موردنیاز برای توسعه مطلوب و کارآمد می‌باشد [۲۸]. برخی از نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که اثر کارایی هم‌افزایی بازاریابی قوی‌تر از هم‌افزایی تکنولوژی است [۲۹]. بنابراین، هم‌افزایی بازاریابی مهارت کاری در فعالیت‌های بازاریابی را افزایش دهد و هم‌افزایی تکنولوژیکی مهارت کاری در فعالیت‌های فنی را افزایش می‌دهد [۳۰].

الف) هم‌افزایی بازاریابی: ازنظر کوپر و کلاینشمیت (۲۰۱۱)، هم‌افزایی بازاریابی شامل تناسب بسیار قوی بین نیروی فروش، کانال‌های توزیع، منابع خدمات مشتری، تبلیغات، ترفیع، مهارت‌ها و منابع هوشمندی بازار است [۳۱]. هم‌افزایی بازاریابی به طرح‌های مرتبط به تحقیقات بازار، نیروی فروش، تبلیغات و ترفیع و توزیع اشاره می‌کند [۳۲، ۳۳، ۳۴]. با توجه به نظریه مبتنی بر منابع، سازمان‌هایی که هم‌افزایی بازاریابی مطلوبی دارند، به‌راحتی تحقیقات بازار و سایر فعالیت‌های بازاریابی را انجام می‌دهند، بنابراین آن‌ها قادرند تا به‌طور مؤثر اطلاعات بازار را به محصولات جدید تبدیل نموده و عملکرد محصول را افزایش دهند [۳۵].

ب) هم‌افزایی تکنولوژیکی: هم‌افزایی تکنولوژی به طرح‌های متناسب با تحقیق و توسعه، مهندسی، مهارت‌ها و منابع تولید موجود اشاره دارد [۳۶، ۳۷، ۳۸]. درواقع هم‌افزایی تکنولوژیکی استفاده از فن‌آوری‌های موجود درون سازمان، دارا بودن مهارت‌های مهندسی و حتی توانایی‌های، مهارت‌ها و منابع

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

تولیدی موجود را در برمی‌گیرد [۳۹]. نظریه مبتنی بر منابع نشان می‌دهد که سازمان‌هایی با سطح بالاتری از هم‌افزایی تکنولوژیکی ممکن است محصولات جدید را به‌طور مؤثر و کاراتر تولید کنند [۴۰].

طی پژوهشی که توسط پلدن و همکاران (۲۰۱۶)، درزمینهٔ موفقیت کسب‌وکارها انجام شد، عواملی چون دسترسی به منابع مالی و تکنولوژی مدرن، مشتری مداری، تخصص و مهارت نیروی کار، حمایت مقامات محلی، منطقه‌ای و دولتی، اعتماد به مشتریان، ارتباطات، کارکنان متعهد، مشارکت مدیران و کارکنان برای موفقیت کسب‌وکارها شناسایی‌شده‌اند [۴۱].

طی پژوهشی دیگر که گاماچ و عبدالنور (۲۰۱۶)، در مورد موفقیت کسب‌وکارها انجام داده‌اند عواملی چون: داشتن اهداف مشخص و روشن، کیفیت بالای آموزش، مشارکت مدیران و کارکنان، رهبری قدرتمند و منسجم و متعهد، توانایی توسعه و ایجاد پایداری، حمایت مقامات محلی، منطقه‌ای و دولتی، ارتباطات اشاره نموده‌اند [۴۲].

در تحقیق که هسو و همکاران (۲۰۱۷)، در مورد موفقیت کسب‌وکارها انجام داده‌اند عواملی چون: اهمیت به محیط‌زیست، کاهش مصرف انرژی، افزایش درجه نوآوری سازمانی، کاهش بروز مشکلات بهداشتی و ایمنی در شرکت، توانایی توسعه و ایجاد پایداری، وجود کانال‌های اطلاع‌رسانی، دسترسی به بازار، اهمیت به ایمنی و سلامت مشتریان در استفاده از محصولات، توانایی تخصیص منابع محدود، افزایش کیفیت محصولات و خدمات، کیفیت بالای آموزش و رهبری قدرتمند و منسجم و متعهد اشاره نموده‌اند [۴۳].

در پژوهشی که توسط طبرسا و جنتی (۱۳۹۶)، با عنوان «هوشمندی کسب‌وکار و نقش آن در ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان» انجام گرفت، عوامل هوشمندی کسب‌وکار را شامل چهار بعد کاربردی، کسب‌وکار، تکنولوژی و فناوری و سازمان محسوب کرده‌اند. تجزیه‌وتحلیل محتوا نشان داد هوشمندی کسب‌وکار می‌تواند با استفاده از داده‌های دقیق همراه با به‌روزرسانی داده‌ها در زمان صحیح و تجزیه‌وتحلیل آن‌ها تصمیم‌گیری صحیح را بجای حدس و گمان قرار دهد [۴۴].

نتایج پژوهش ملک‌زاده و سلطانی (۱۳۹۳)، با عنوان «سیستم‌های هوشمندی کسب‌وکار و تحول‌گرایی مدیران در شرکت‌های کوچک و متوسط» نشان می‌دهد که رویکرد سیستمی دقیق و به‌روز مانند هوشمندی کسب‌وکار می‌تواند بر کارایی شرکت‌ها تأثیر زیادی بگذارد. ضمناً عوامل دیگری نیز بر میزان کارایی فناوری اطلاعات ازجمله هوشمندی کسب‌وکار در شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیرگذارند که ازجمله آن‌ها رهبری سازمان است [۴۵].

۳. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به دنبال بررسی، شناسایی و تبیین پیشران‌های کسب‌وکارهای هوشمند در شرکت‌های دانش‌بنیان است؛ لذا ازنظر هدف، کاربردی و ازنظر روش توصیفی- پیمایشی می باشد. در این پژوهش از رویکرد آمیخته برای تجزیه‌وتحلیل داده استفاده‌شده است بدین صورت که با استفاده از مصاحبه اکتشافی،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

بررسی پیشینه و ادبیات تحقیق، داده‌ها جمع‌آوری، سپس با استفاده از روش تحلیل تم (روش کیفی) مدل مفهومی تبیین و در ادامه از طریق پرسشنامه محقق ساخته و معادلات ساختاری (روش کمی) مدل آزمون شده است. جامعه آماری در مرحله کیفی را خبرگان، کارشناسان و مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان تشکیل می‌دهد که با توجه به اهمیت موضوع پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند در فرایند مصاحبه استفاده‌شده است که شامل ۱۲ مصاحبه اکتشافی می شود. در این پژوهش تعداد نمونه برای مرحله دوم جهت تکمیل پرسشنامه با توجه نوع نمونه‌گیری هدفمند، ۳۲ نفر را شامل می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته در سه بخش هوشمندی کسب‌وکار شامل ۱۱ سؤال، موفقیت کسب‌وکار شامل ۱۲ سؤال و هم‌افزایی کسب‌وکار شامل ۸ سؤال به روش طیف لیکرت پنج گزینه‌ای است. روایی محتوی و روایی صوری (ظاهری) پرسشنامه توسط ۵ خبره شامل اساتید اعضای هیئت‌علمی و کارشناسان مربوطه بررسی و پس از تعدیلات موردنظر آن‌ها روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده‌شده است. نتیجه محاسبات نشان می‌دهد که آلفای کرونباخ ۸۳۱ به‌دست‌آمده است که نشان‌دهنده مناسب بودن پایایی پرسشنامه است. همان‌طور که بیان گردید در این مطالعه از روش تحلیل تم برای تجزیه‌وتحلیل مصاحبه‌ها استفاده‌شده است. تحلیل تم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم‌ها) موجود درون داده‌ها است این روش، داده‌ها را سازمان‌دهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند. کلارک و برون (۲۰۰۶) مراحل شش‌گانه را برای تحلیل تم ارائه نموده‌اند [۴۶]: در مرحله اول آشنایی با داده‌ها صورت می‌گیرد؛ در این مرحله با عمق محتوایی داده‌ها آشنا می‌شویم. مرحله دوم به ایجاد کدهای اولیه می‌پردازد؛ کدها ویژگی داده‌هایی را معرفی می‌نمایند که به نظر محقق جالب می‌باشد. در این مرحله ۶۳ کد اولیه از مصاحبه‌ها احصاء شد. در مرحله سوم که جستجوی کدهای گزینشی نام دارد؛ هدف دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب کدهای گزینشی و مرتب کردن همه خلاصه داده‌های کدگذاری می‌باشد که ۲۴ کد گزینشی به دست آمد. در مرحله چهارم تم‌های فرعی شکل می‌گیرد؛ این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه و شکل‌دهی به تم‌های فرعی است. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار تم‌های فرعی در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود. در این مرحله ۶ تم فرعی به دست آمد.

مرحله پنجم به تعریف و نام‌گذاری تم‌های اصلی می‌پردازد؛ در این مرحله، تم‌های اصلی که برای تحلیل ارائه‌شده، تعریف و مورد بازبینی مجدد قرار می‌گیرد، سپس داده‌های داخل آن‌ها تحلیل می‌شود. به‌وسیله تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آن چیزی که یک تم در مورد آن بحث می‌کند مشخص‌شده و تعیین می‌گردد که هر تم اصلی کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد. در این مرحله از میان تم‌های فرعی ۲ تم اصلی به دست آمد. در مرحله آخر گزارش تهیه می‌شود؛ مرحله ششم زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌های اصلی کاملاً انتزاعی و منطبق با ساختارهای زمینه‌ای تحقیق در اختیار داشته باشد. این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش است. جدول شماره ۱ حاوی مثال‌هایی از مفاهیم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

شناسایی‌شده در متن یک نمونه مصاحبه می‌باشد که در قالب تم‌های فرعی دسته‌بندی‌شده است. چنین کاری برای هر یک از مصاحبه‌ها انجام‌شده و بر اساس تم‌های فرعی به‌دست‌آمده در تحقیق، دسته‌بندی کلی‌تری انجام‌گرفته که منجر به شناسایی تم‌های اصلی شده است.

جدول ۱: مفاهیم و تم‌های شناسایی‌شده در متن یک نمونه مصاحبه

کد	نقل‌قول مرتبط با عنوان مفهوم شناسایی‌شده	تم فرعی	عنوان تم فرعی
کد ۳	شرکت‌های دانش‌بنیان باید از ابزارهای نوین برای فعالیت‌های خود به گیرند.	تم فرعی ۱	هوشمندی کسب‌وکار
کد ۹	شرکت‌های دانش‌بنیان باید به برنامه‌ریزی بخصوص برنامه‌ریزی استراتژیک اهمیت دهند.		
کد ۱۱	شرکت‌های دانش‌بنیان باید به یادگیری و آموزش مستمر تعهد ویژه‌ای داشته باشند.		
کد ۱۵	شرکت‌های دانش‌بنیان باید به قیمت و کیفیت بیش از دیگر کسب‌وکارها توجه نمایند.	تم فرعی ۲	هم‌افزایی کسب‌وکار
کد ۱۸	شرکت‌های دانش‌بنیان باید به تحولات فناوری و به‌کارگیری افراد متخصص حساس باشند.		
کد ۲۳	بازاریابی بخصوص توجه به ابزارهای نوین بازاریابی در شبکه‌های اجتماعی راز موفقیت امروز می‌باشد.		

٤. یافته‌های تحقیق

در ادامه ابتدا یافته‌ها حاصل از تحلیل تم ارائه می‌شود سپس نتایج یافته‌های معادلات ساختاری که با نرم‌افزار آموس انجام‌شده است موردبررسی و تجزیه‌وتحلیل قرار خواهد گرفت.

الف) یافته‌های تحلیل تم: پس از بررسی و تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل تم و طی نمودن مراحل شش‌گانه، تم‌های فرعی و اصلی مطابق جدول ۲ به‌دست‌آمده است.

جدول ۲: تحلیل تم

تم‌های فرعی	تم‌های اصلی	
کاربردی	هوشمندی کسب‌وکار	موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان
کسب‌وکار		
تکنولوژی		
سازمانی		
هم‌افزایی بازاریابی	هم‌افزایی کسب‌وکار	
هم‌افزایی تکنولوژیکی		

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد «هم‌افزایی کسب‌وکار» و «هوشمندی کسب‌وکار» در موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان اهمیت فراوانی دارد. هم‌افزایی کسب‌وکار با عوامل هم‌افزایی بازاریابی و تکنولوژیکی موجب نوعی سینرژی و توان مضاعف در شرکت‌های دانش‌بنیان می‌شود و هوشمندی کسب‌وکار با عوامل: کاربردی، کسب‌وکار، تکنولوژی و سازمانی موجب تقویت و موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان در عرصه کسب‌وکار می‌شود.

٤-١. نیکوئی برازش مدل

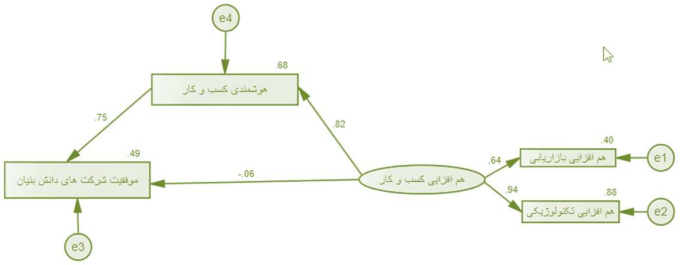
در این قسمت به آزمون مدل با استفاده از روش کمی معادلات ساختاری و نرم‌افزار آموس می‌پردازیم. با استفاده از نرم‌افزار آموس مدل فوق در سه مرحله اشباع‌شده است و شاخص‌های برازش مقادیر مطلوبی را نشان می‌دهند. مقدار کای اسکوئر ۲/۰۶۵ به‌دست‌آمده است که در بازه موردقبول ۱ تا ۵ قرار دارد؛ بنابراین مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

جدول ۳: شاخص‌های نیکوئی برازش مدل ساختاری

شاخص برازندگی	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI
مقادیر قابل‌قبول	>۰/۱	<۰/۹	<۰/۹	<۰/۹	<۰/۹	۱-۰
مقادیر محاسبه‌شده	۰/۰۲۳	۰/۹۳۲	۰/۹۵۴	۰/۹۳۶	۰/۹۲۴	۰/۸۸۴

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد شاخص برازش RMSEA برابر ۰/۰۱۲ بوده که از مقدار ۰/۰۵ کوچک‌تر است؛ لذا مدل از برازندگی خوبی برخوردار است. سایر شاخص‌های نیکوئی برازش نیز در بازه موردقبول قرارگرفته‌اند.

شکل ۲: مدل تحلیلی پیشران‌های مؤثر بر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان



٤-٢. مدل اندازه‌گیری

مطابق نظر کلاین (۱۹۹۸)، در مدل اندازه‌گیری وزن رگرسیونی (بار عاملی) قدرت رابطه بین متغیر پنهان و متغیر قابل‌مشاهده نشان داده می‌شود. اگر وزن رگرسیونی (بار عاملی) کمتر از ۰/۲ باشد رابطه ضعیف و از آن صرف‌نظر می‌شود. وزن رگرسیونی (بار عاملی) بین ۰/۲ تا ۰/۶ قابل‌قبول و اگر بزرگ‌تر از ۰/۶ باشد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

خیلی مطلوب است؛ اما معیار اصلی برای قضاوت آماره **t** می‌باشد. چنانچه آماره آزمون یعنی آماره **t** بزرگ‌تر از مقدار بحرانی $t_{0.05}$ یعنی ۱/۹۶ باشد در این صورت وزن رگرسیونی (بار عاملی) مشاهده‌شده معنادار است [۴۷]. جدول ۴ وزن رگرسیونی استاندارد داده‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌گردد سطح معنی‌داری کلیه متغیرهای مدل معنی‌دار بوده و از ۵ صدم کمتر می‌باشد.

جدول ٤: وزن رگرسیونی استاندارد داده‌ها

			Estimate	S. E.	C. R.	P
هوشمندی کسب‌وکار	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	۱/۰۰۰			
هم‌افزایی بازاریابی	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	۱/۰۰۰			
هم‌افزایی تکنولوژی	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	۱/۲۱۴	۰/۲۴۹	۴/۸۷۵	***
موفقیت شرکت دانش‌بنیان	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	-۰/۰۶۷	۰/۳۰۷	-۰/۲۱۹	۰/۸۲۷
موفقیت شرکت دانش‌بنیان	<---	هوشمندی کسب‌وکار	۰/۷۰۴	۰/۲۴۱	۲/۲۹۰	۰/۰۰۳

مقدار بارعاملی مدل اندازه‌گیری در جدول ۴ نشان داده‌شده است. نتایج نشان می‌دهد که با توجه به اینکه مقدار بارعاملی تأثیر متغیرهای مدل به جزء تأثیر هم‌افزایی کسب‌وکار بر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان- بیش از ۲/. است؛ لذا مقدار بار عاملی و ضریب تأثیر متغیرهای مدل در حد قابل‌قبولی می‌باشند.

مدل ساختاری

جدول ۵ مقدار ضریب تأثیر متغیرهای مدل را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه مقدار ضریب تأثیر متغیرها (به‌جز هم‌افزایی کسب‌وکار و موفقیت شرکت دانش‌بنیان) بیشتر از ۶/. می‌باشد طبق تعریف و نظر کلاین (۱۹۹۸) این مقدار خیلی مطلوب بودن می‌باشد.

جدول ٥: ضریب تأثیر مستقیم متغیرهای مدل

			Estimate
هوشمندی کسب‌وکار	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	۰/۸۲۳
هم‌افزایی بازاریابی	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	۰/۶۳۵
هم‌افزایی تکنولوژی	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	۰/۹۳۹
موفقیت شرکت دانش‌بنیان	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	-۰/۰۵۸
موفقیت شرکت دانش‌بنیان	<---	هوشمندی کسب‌وکار	۰/۷۴۵

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

برای بررسی معنی‌داری ضریب تأثیر بین متغیرهای مدل از جدول ۶ استفاده می‌نمایم. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که بین برخی از متغیرهای مدل مانند هوشمندی کسب‌وکار، هم‌افزایی بازاریابی، هم‌افزایی استراتژیک و هم‌افزایی کسب‌وکار رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد زیرا مقدار سطح معنی‌داری آن‌ها از ۵ صدم کمتر است؛ و بین هوشمندی کسب‌وکار، هم‌افزایی کسب‌وکار و موفقیت شرکت دانش‌بنیان رابطه مستقیم معنی‌داری وجود ندارد زیرا مقدار سطح معنی‌داری آن‌ها از ۵ صدم بیشتر است.

جدول ٦: بررسی معنی‌داری ضریب تأثیر مستقیم متغیرهای مدل

Parameter			Estimate	Lower	Upper	P
هوشمندی کسب‌وکار	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	۰/۸۲۳	۰/۳۸۸	۰/۹۷۰	۰/۰۰۱
هم‌افزایی بازاریابی	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	۰/۶۳۵	۰/۲۸۶	۰/۸۲۶	۰/۰۰۱
هم‌افزایی تکنولوژی	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	۰/۹۳۹	۰/۶۸۲	۱/۴۷۱	۰/۰۰۳
موفقیت شرکت دانش‌بنیان	<---	هم‌افزایی کسب‌وکار	-۰/۰۵۸	-۰/۵۰۲	۲/۱۸۶	۰/۹۷۸
موفقیت شرکت دانش‌بنیان	<---	هوشمندی کسب‌وکار	۰/۷۴۵	-۰/۴۳۱	۱/۵۰۱	۰/۱۰۷

در ادامه به بررسی ضریب تأثیر غیرمستقیم و معنی‌داری رابطه بین متغیرهای مدل می‌پردازیم. نتایج جدول ۷ ضریب تأثیر غیرمستقیم بین متغیرهای مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۷: ضریب تأثیر غیرمستقیم بین متغیرهای مدل

	هم‌افزایی کسب‌وکار	هوشمندی کسب‌وکار
هوشمندی کسب‌وکار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
موفقیت شرکت دانش‌بنیان	۰/۶۱۳	۰/۰۰۰
هم‌افزایی تکنولوژی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
هم‌افزایی بازاریابی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به اینکه مقدار ضریب تأثیر غیرمستقیم بین هم‌افزایی کسب‌وکار و موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان بزرگ‌تر از ۰/۶ است مطابق نظر کلاین (۱۹۹۸) نشان‌دهنده خیلی مطلوب بودن این رابطه می‌باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

جدول ۷: معنی‌داری ضریب تأثیر غیرمستقیم متغیرهای مدل

	هم‌افزایی کسب‌وکار	هوشمندی کسب‌وکار
هوشمندی کسب‌وکار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
موفقیت شرکت دانش‌بنیان	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰
هم‌افزایی تکنولوژی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
هم‌افزایی بازاریابی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که بین هم‌افزایی کسب‌وکار و موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان رابطه معنی‌داری وجود دارد زیرا مقدار سطح معنی‌داری آن‌ها کمتر از ۵ صدم است.

جدول ۹: ضریب تعیین متغیرهای مدل

	Estimate
هوشمندی کسب‌وکار	۰/۶۷۸
موفقیت شرکت دانش‌بنیان	۰/۴۸۷
هم‌افزایی تکنولوژی	۰/۸۸۲
هم‌افزایی بازاریابی	۰/۴۰۳

جدول ۹ مقدار ضریب تعیین متغیرهای مدل را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه مقدار ضریب تعین کلیه متغیرهای مدل‌بالاتر از ۴ دهم است نشان‌دهنده مطلوب بودن مقادیر فوق می‌باشد. با توجه به مقادیر قابل‌قبول ضریب تعیین متغیرهای مدل در این قسمت به بررسی سطح معنی‌داری ضریب تعیین متغیرهای مدل می‌پردازیم.

جدول ۱۰: سطح معنی‌داری ضریب تعیین متغیرهای مدل

Parameter	Estimate	Lower	Upper	P
هوشمندی کسب‌وکار	۰/۶۷۸	۰/۱۵۰	۰/۹۴۰	۰/۰۰۱
موفقیت شرکت دانش‌بنیان	۰/۴۸۷	۰/۱۲۳	۰/۷۶۴	۰/۰۰۸
هم‌افزایی تکنولوژی	۰/۸۸۲	۰/۴۶۵	۲/۱۶۵	۰/۰۰۳
هم‌افزایی بازاریابی	۰/۴۰۳	۰/۰۸۲	۰/۶۸۳	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد مقدار سطح معنی‌داری کلیه متغیرهای مدل کوچک‌تر از ۵ صدم است لذا ضریب تعیین به‌دست‌آمده معنی‌دار بوده و مقادیر فوق را می‌توان پذیرفت.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

۵. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه امروزه کسب‌وکارها در محیطی فعالیت می‌کنند که همه‌چیز سریعاً در حال تغییر است. سازمان‌های سنتی معمولاً با مسائلی مانند ازدحام و افزونگی داده‌ها، کمبود اطلاعات، کمبود دانش و عدم کیفیت گزارش‌های موردنیاز روبه‌رو هستند. درنتیجه برای تصمیم‌گیری به‌موقع در کمترین زمان ممکن توسط مدیریت ارشد، معمولاً تصمیمات بر اساس تجربیات ایشان اتخاذ می‌شود که این نیز به‌نوبه خود باعث بالا رفتن ریسک تصمیم‌گیری و یا حتی پایین آمدن خروجی تصمیم‌گیری آن‌ها می‌شود. برای این مهم مدیران کسب‌وکارها نیازمند ابزارهایی می‌باشند که به آن‌ها کمک کنند تا بتوانند از این داده‌های خام به‌درستی در تصمیماتشان استفاده کنند. هوشمندی کسب‌وکار یک ابزار قابل‌استفاده توسط سازمان‌ها جهت جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و اطلاعات ساختاریافته و بدون ساختار است که پاسخی مناسب به چالش‌های مذکور است همچنین هوشمندی کسب‌وکار می‌تواند با استفاده از داده‌های دقیق همراه با به‌روزرسانی داده‌ها در زمان صحیح و تجزیه‌وتحلیل آن‌ها تصمیم‌گیری صحیح را بجای حدس و گمان قرار دهد. بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده مشخص گردید که پیشران‌های مؤثر بر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان در دنیای پرتلاطم و متغیر امروزی توجه به هم‌افزایی کسب‌وکار و همچنین هوشمندی کسب‌وکار است. هم‌افزایی کسب‌وکار از طریق هم‌افزایی بازاریابی و هم‌افزایی تکنولوژی حاصل می‌شود [۴۸]. نتایج نشان می‌دهد که هم‌افزایی کسب‌وکار به‌تنهایی نمی‌تواند موجب موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان گردد بلکه برای موفقیت باید به مؤلفه‌ها و شاخص‌های هوشمندی کسب‌وکار که شامل چهار بعد کسب‌وکار، کاربردها، تکنولوژی و فن‌آوری و سازمانی می‌شود [۴۹، ۵۰] توجه نمود.

روابط بین عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که برای موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان باید به عوامل مختلفی توجه نمود که در ادامه به بررسی روابط بین مؤلفه‌های مدل می‌پردازیم.

الف) هم‌افزایی کسب‌وکار به‌طور مستقیم بر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان تأثیر ندارد زیرا مطابق جدول ۵ میزان مقدار بارعاملی آن برابر با ۰/۰۵۸- که کوچک‌تر از ۰/۲ (مقدار مجاز) و سطح معنی‌داری آن مطابق جدول ۶ بیش از پنج‌صدم است و مورد تأیید می‌باشد.

ب) هوشمندی کسب‌وکار بر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان تأثیر دارد زیرا مطابق جدول ۵ میزان مقدار بارعاملی آن برابر با ۷۴۵/. که بزرگ‌تر از ۰/۲ (مقدار مجاز) و سطح معنی‌داری آن مطابق جدول ۶ کمتر از پنج‌صدم است و مورد تأیید می‌باشد.

ج) هم‌افزایی بازاریابی و تکنولوژیک باعث ایجاد هم‌افزایی کسب‌وکار می‌شود زیرا مطابق جدول ۵ مقدار بارعاملی هم‌افزایی بازاریابی برابر با ۰/۶۴ و مقدار بارعاملی هم‌افزایی تکنولوژیک برابر با ۰/۹۴ است که

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

بزرگ‌تر از ۰/۲ (مقدار مجاز) و سطح معنی‌داری آن مطابق جدول ۶ کمتر از پنج‌صدم است و مورد تأیید می‌باشد.

٦. پیشنهادهای پژوهش

در ادامه پیشنهادهایی برای موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان به‌وسیله هوشمندی کسب‌وکار و هم‌افزایی کسب‌وکار ارائه می‌گردد.

الف) پیشنهادهایی برای موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان به‌وسیله هوشمندی کسب‌وکار: با توجه به نتایج و یافته‌های برگرفته از این مطالعه، پیشنهادهای ذیل برای موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان به‌وسیله هوشمندی کسب‌وکار ارائه می‌شود.

هوش کسب‌وکار به‌عنوان یک ابزار مدیریتی به سازمان‌ها جهت مدیریت و پالایش اطلاعات کسب‌وکار در راستای اخذ تصمیمات اثربخش کمک می‌نماید [۵۱]. بنابراین برای هوشمندی کسب‌وکار، شرکت‌های دانش‌بنیان باید به بهبود رابطه با مشتری و مشتری‌مداری بن چان (۲۰۰۱)؛ یوان چانگ و همکاران (۲۰۱۷)؛ پلدن و همکاران (۲۰۱۶)؛ تیادا و همکاران (۲۰۱۱)، توجه بیشتری داشته باشند. همچنین بهبود فرآیندهای داخلی و یکپارچگی فرآیندها تیمرز (۱۹۹۸)؛ تاپسکوت و همکاران (۲۰۰۰)؛ فینگان و هایس (۲۰۰۵)؛ کاپلان و سوونی (۲۰۰۰)؛ محمدیان و همکاران (۱۳۹۴)، داشتن اهداف مشخص و روشن گاماچ و عبدالنور (۲۰۱۶)، همراه با مدیریت مشارکتی بن چان (۲۰۰۱)؛ گاماچ و عبدالنور (۲۰۱۶)؛ پلدن و همکاران (۲۰۱۶)؛ تیادا و همکاران (۲۰۱۱) و مشارکت مدیران و کارکنان که به عبارتی کاهش تمرکز در تصمیم‌گیری بن‌چان (۲۰۰۱)؛ گاماچ و عبدالنور (۲۰۱۶)؛ پلدن وهمکاران (۲۰۱۶)؛ تیادا و همکاران (۲۰۱۱) است و استفاده از افراد متخصص دورا و همکاران (۲۰۱۳)؛ پلدن و همکاران (۲۰۱۶)؛ تیادا و همکاران (۲۰۱۱) نیز می‌تواند باعث بهبود فعالیت‌ها و خروجی شرکت‌های دانش‌بنیان شود. شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانند با توجه به پیشرفت فناوری و تغییرات عصر حاضر با استفاده از کانال‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌های اجتماعی یوان چانگ و همکاران (۲۰۱۷) و ماکتادیر (۲۰۱۶) و بهبود زیرساخت‌های فناوری تیمرز (۱۹۹۸)؛ فینگان و هایس (۲۰۰۵)؛ ریدولی و مومپو (۲۰۰۸)؛ محمدیان و همکاران (۱۳۹۴) توجه بیشتری داشته باشند.

ب) پیشنهادهایی برای موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان به‌وسیله هم‌افزایی کسب‌وکار:

همان‌طور که می‌دانیم برای موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان لازم است تا هم‌افزایی کسب‌وکار ایجاد شود برای ایجاد این هم‌افزایی مطابق نظر کوپر و کلاینشمیت (۲۰۱۱)، می‌بایست هم‌افزایی بازاریابی و هم‌افزایی تکنولوژی ایجاد شود. برای هم‌افزایی بازاریابی می‌بایست به عواملی همچون تخفیف‌ها و ترفیع، کانال‌های توزیع، تبلیغات، ارتباطات، خدمت به مشتری و عملکرد محصول توجه نمود. بدون شک شرکت‌های

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

دانش‌بنیان با استفاده از تخفیفات و ترفیع مناسب کوپر و کلاینشمیت (۲۰۱۱)؛ سانگ و مونتویا ویز (۲۰۱۱)؛ ریز و بایر (۲۰۱۱)، کوپر (۱۹۹۵)، همچنین با به‌کارگیری کانال‌های توزیع متنوع کوپر و کلاینشمیت (۲۰۱۱)؛ سانگ و مونتویا ویز (۲۰۱۱)؛ ریز و بایر (۲۰۱۱)، کوپر (۱۹۹۵) در کنار تبلیغات مشارکتی بااعتبار، محتوا، ظاهر و جذابیت مناسب تبلیغاتی کوپر و کلاینشمیت (۲۰۱۱)، سانگ و مونتویا ویز (۲۰۱۱)؛ ریز و بایر (۲۰۱۱)، کوپر (۱۹۹۵) می‌تواند رشد چشمگیری در هم‌افزایی توانمندی‌های شرکت‌های دانش‌بنیان به همراه داشته باشد. البته وجود ارتباط مستمر و خدمت به مشتری کوپر و کلاینشمیت (۲۰۱۱) نیز می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد. با توجه به نظریه مبتنی بر منابع، سازمان‌هایی که هم‌افزایی بازاریابی مطلوبی دارند، به‌راحتی تحقیقات بازار و سایر فعالیت‌های بازاریابی را انجام می‌دهند، بنابراین آن‌ها قادرند تا به‌طور مؤثر اطلاعات بازار را به محصولات جدید تبدیل نموده و عملکرد محصول را افزایش دهند [۵۲]. برای هم‌افزایی تکنولوژیکی می‌بایست به عواملی همچون مهندسی کار، تکنولوژی‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، تحقیق و توسعه، منابع تولید، مهارت‌های مهندسی توجه نمود.

در عصر حاضر شرکت‌های دانش‌بنیان با توجه به بعد هم‌افزایی تکنولوژیکی می‌توانند جایگاه خود را ارتقا دهند که این امر نیازمند بهبود متخصصان و برنامه‌نویسان به عبارتی بعد مهندسی کار، همراه با تکنولوژی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری به‌روز کوپر و کلاینشمیت (۲۰۱۱) می‌باشد. نظریه مبتنی بر منابع نشان می‌دهد که سازمان‌هایی با سطح بالاتری از هم‌افزایی تکنولوژیکی ممکن است محصولات جدید را به‌طور مؤثر و کاراتر تولید کند [۵۳].

٦-١. پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد تا محققان به بررسی سایر عوامل تأثیرگذار بر هوشمندی کسب‌وکار و موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان که در این تحقیق بحث نشده است بپردازند. ضمناً پیشنهاد می‌گردد با توجه به ماهیت متفاوت شرکت‌های دانش‌بنیان و سایر کسب‌وکارها، به‌صورت موردی عوامل موفقیت و میزان تأثیرگذاری هوشمندی کسب‌وکار موردبررسی قرار گیرد. در نهایت پیشنهاد می‌گردد تا محققان آتی تحقیقاتی را در خصوص ترغیب شرکت‌های دانش‌بنیان در موردتوجه به مسئله هوشمندسازی کسب‌وکار و اثربخشی که این کسب‌وکارها ارائه نمایند.

۷. محدودیت‌های پژوهش

هر پژوهشی، با توجه به ماهیت، هدف و روش خاص خود، دارای محدودیت‌هایی می‌باشد. این پژوهش هم از این قاعده مستثنا نیست. اول؛ عدم توجه شرکت‌های دانش‌بنیان به مسئله هوشمندسازی کسب‌وکار و اثربخشی که این کسب‌وکارها می‌توانند در این مسئله داشته باشند می‌باشد که روند تحقیق و نتایج آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوم؛ در پژوهش حاضر علیرغم تمام تلاش‌های صورت گرفته تنها برخی از

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

جنبه‌های هوشمندی کسب‌وکار موردتوجه و بررسی قرارگرفته است. سوم؛ یافته‌های این پژوهش باوجود کوشش‌های انجام‌شده، قادر به کنترل همه عوامل تأثیرگذار بر هوشمندی کسب‌وکار و موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان نبوده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

1- Torres, R. ; Sidorova, A. ; Jones, M. C. (2018), Enabling firm performance through business intelligence and analytics: A dynamic capabilities perspective, Information & Management,Available online 3 April.

2- Jayakrishnan, M. ; Mohamad, A. K. ; Mokhtar, M. Y; (2018), Assimilation of Business Intelligence (BI) and Big Data Analytics (BDA) To-wards Establishing Organizational Strategic Performance Management Di-agnostics Framework: A Case Study, Journal of Digital Information Management, 16(1), 22-32.

3- Ramakrishnan,T. ; Khuntia, J. ; Kathuria, A. ; J. V. Saldanha, T. , (2018), Business Intelligence Capabilities, Annals Of Information systems 21, p 15-26.

4- Bestman, A. E; Wogboroma, H. , (2016), The Efficacy of the " Big Data " Syndrome and Organizational Information Governance, Journal of Information Engineering and Applications, 6 (4), p. 31–42.

۵- فخاری، حسین، پاییز و زمستان(۱۳۹۳)، بازخوانی تعریف شرکت‌های دانش‌بنیان بر اساس شرایط اقتصادی کشور، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال ششم، شماره ۴.

۶- هادی تبار، جواد؛ مدهوشی، مهرداد، (۱۳۹۶)، ارائه مدل بومی چابکی سازمانی در شرکت‌های دانش بنیان، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، دوره ۹، شماره ۱۷، ۳۵-۵۸.

۷- خطاطیان، محمد صادق؛ طباطبائیان، حبیب اله؛ امیری، مقصود؛ الیاسی، مهدی، تابستان (۱۳۹۴)، تحلیل محتوای ویژگی‌های شرکت‌های دانش بنیان، پژوهش مدیریت منابع سازمانی، دوره ۵، شماره۲.

۸- طبرسا، غلامعلی؛ جنتی، فاطمه، تیر (۱۳۹۶)، هوشمندی کسب و کار و نقش آن در ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان، دومین کنفرانس سالانه پارادایم‌های نوین مدیریت در حوزه هوشمندی، دانشگاه تهران.

۹- عبداللهی، بیژن؛ غفوریان، فاطمه؛ حسن شاهی، علی، بهمن (۱۳۹۳)، مدل عوامل کلیدی موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان، دومین کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان.

۱۰- مهرابی، علی؛ محمودی، ادریس؛ علی حسینی، رضا؛ بهار(۱۳۹۵)، ارزیابی بلوغ هوشمندی کسب و کار با یک مدل ترکیبی جدید، فصلنامه مطالعات مدیریت فناوری اطلاعات، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۶۵-۹۶.

۱۱- حقیقت منفرد، جلال؛ عوض ملایری، علی، (۱۳۸۹)، تأثیر هوش تجاری بر فرآیندهای تجاری و عملکرد سازمانی مطالعه موردی: شرکت تحقیق، طراحی و تولید موتور ایران خودرو (ایپکو)، همایش هوش سازمانی و هوشمندی کسب و کار، تهران، دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

۱۲- رئیسی وانانی، ایمان؛ گنجعلی خان حاکمی، فاطمه، بهار (۱۳۹۴)، طراحی سیستم استناج فازی – عصبی انطباقی برای ارزیابی استقرار سیستم هوشمندی کسب‌وکار در صنعت تولید نرم افزار، مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۱، ص ۱۰۴-۸۵

۱۳- رونقی، محمد حسین؛ موسی خانی، محمد، خرداد (۱۳۹۴)، رابطه بین رعایت اخلاق کاری و بلوغ سیستم‌های هوشمندی کسب و کار، معرفت، سال۲۴، شماره ۲۱۰، ص ۱۲۰-۱۱۱

14- Foshay N. ; Kuziemsky C. , (2014), Towards an implementation framework for business intelligence, international journal of information management, 34(1), p 20-27.

۱۵- رونقی، محمد حسین؛ رونقی، مرضیه، بهار (۱۳۹۳)، ارائه مدل بلوغ هوشمندی کسب و کار در بین سازمان‌های ایرانی، رشد فناوری، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال دهم، شماره ۳۸، ص ۳۸-۴۴.

۱۶- زارعی، عظیم؛ شرفی، وحید؛ ملکی؛ فاطمه، (۱۳۹۷)، بررسی اثر بازاریابی رابطه‌ای مؤسسات خیریه بر واکنش‌های رفتاری خیرین (مورد مطالعه: کمیته امداد امام خمینی شهرستان ایلام)، راهبردهای بازرگانی، دوره ۱۵، شماره ۱۲، ۱-۱۶.

17- Lim, W. M. , (2017), Online group buying: Some insights from the business-to business perspective, Industrial Marketing Management, Volume 65, P 182-193.

۱۸- ملک اخلاق؛ اسماعیل، میرعسکری؛ رضا، امین؛ محدثه، (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر استراتژی‌های بازاریابی بر عملکرد بازاریابی شرکت‌های صنایع پوشاک و ساختمانی در شرایط رکود اقتصادی، راهبردهای بازرگانی، دوره ۱۵، شماره ۱۲، ۴۹-۶۵.

۱۹- ملک‌زاده؛ غلامرضا، سلطانی؛ فرشته، (۱۳۹۳)، سیستم‌های هوشمندی کسب‌وکار و تحول‌گرایی مدیران در شرکت‌های کوچک و متوسط، نشریه رشد و فناوری، دوره ۱۱، شماره ۴۱، ۲۱-۲۶.

۲۰- رونقی، محمدحسین؛ رونقی، مرضیه، بهار (۱۳۹۳)، ارائه مدل بلوغ هوشمندی کسب‌وکار در بین سازمان‌های ایرانی، رشد فناوری، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال دهم، شماره ۳۸، ص ۳۸-۴۴.

۲۱- طبرسا، غلامعلی؛ جنتی، فاطمه، تیر (۱۳۹۶)، هوشمندی کسب‌وکار و نقش آن در ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان، دومین کنفرانس سالانه پارادایم‌های نوین مدیریت در حوزه هوشمندی، دانشگاه تهران.

22- Muntean M. , Cabau L. and Rinclog V. , (2014), Social business intelligence: a new prespective for decision makers, social and behavioral sciences journal, V 124, p 562-567.

۲۳- ممبنی گوداژدر، امیدعلی، (۱۳۹۵). بررسی نقش منابع انسانی و الگوی هم‌افزایی در توسعه و تکنولوژی شرکت ملی حفاری ایران، ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، شماره ۸، ۴۱-۵۲.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

24- Cooper, R. G. (1995) ,Developing New Products On Time, In Time. Research-Technology Management, 38 (5), p 49–57.
25- Cooper, R. G. Kleinschmidt, E. J. , (2011). New Products: The Key Factors In Success. Marketing Classics Press.
26- Lee,. K. B. ; Wong, V. (2011), Identifying the moderating influences of external environments on new product development process. Technovation. Volume 31, Issues 10–11, P 598-612
27- Cooper, R. G. Kleinschmidt, E. J. , (2011). New Products: The Key Factors In Success. Marketing Classics Press.
28- Hilletofth,. P. ; Eriksson,. D. , (2011), Coordinating new product development with supply chain management, Industrial Management & Data Systems, Vol. 111 Issue: 2pp. 264-281.
29- Huang,. C. T. ; Tsai, K. H. , (2014), synergy, environmental context, and new product performance: A review based on manufacturing firms. Industrial Marketing Management. 431407–1419.
30- Song, M. ; Montoya-Weiss, M. M. , (2001), The effect of perceived technological uncertainty on Japanese new product development. Academy of Management Journal, 44(1), 61–80.
31- Cooper, R. G. Kleinschmidt, E. J. , (2011). New Products: The Key Factors In Success. Marketing Classics Press.
32- Song, M. ; Montoya-Weiss, M. M. , (2001), The effect of perceived technological uncertainty on Japanese new product development. Academy of Management Journal, 44(1), 61–80.
33- Rese, A. ; Baier, D. , (2011), Success factors for innovation management in networks of small and medium enterprises. R & D Management, 41(2), p 138–155.
34- Cooper, R. G. (1995) ,Developing New Products On Time, In Time. Research-Technology Management, 38 (5), p 49–57.
35- Huang,. C. T. ; Tsai, K. H. , (2014), synergy, environmental context, and new product performance: A review based on manufacturing firms. Industrial Marketing Management. 431407–1419.
36- Song, M. ; Montoya-Weiss, M. M. , (2001), The effect of perceived technological uncertainty on Japanese new product development. Academy of Management Journal, 44(1), 61–80.
37- Rese, A. ; Baier, D. , (2011), Success factors for innovation management in networks of small and medium enterprises. R & D Management, 41(2), p 138–155.
38- Cooper, R. G. (1995) ,Developing New Products On Time, In Time. Research-Technology Management, 38 (5), p 49–57.
39- Cooper, R. G. Kleinschmidt, E. J. , (2011). New Products: The Key Factors In Success. Marketing Classics Press.
40- Huang,. C. T. ; Tsai, K. H. , (2014), synergy, environmental context, and new product performance: A review based on manufacturing firms. Industrial Marketing Management. 431407–1419.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

41- Barkhatov V. , Pletnev D. , Campa A. , (2016), Key Success Factors and Barriers for Small Businesses:Comparative Analysis, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 221 p 29 – 38.
42- Gamache ing, S. Abdulnour ing. ,G. , (2016), Dynamic Manufacturing Cells and SME Network: Key Success Factors, IFAC-PapersOnLine 49-12, p 851–856.
43- Hsu,C. , Chang,A. , Luo,W. , (2017), Identifying key performance factors for sustainability development of SMEs e integrating QFD and fuzzy MADM methods, Journal of Cleaner Production 161, p 629-645.
۴۴- طبرسا، غلامعلی؛ جنتی، فاطمه، تیر (۱۳۹۶)، هوشمندی کسب‌وکار و نقش آن در ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان، دومین کنفرانس سالانه پارادایم‌های نوین مدیریت در حوزه هوشمندی، دانشگاه تهران.
۴۵- ملک‌زاده؛ غلامرضا، سلطانی؛ فرشته، (۱۳۹۳)، سیستم‌های هوشمندی کسب‌وکار و تحول‌گرایی مدیران در شرکت‌های کوچک و متوسط، نشریه رشد و فناوری، دوره ۱۱، شماره ۴۱، ۲۱-۲۶.
۴۶- ابویی اردکان، محمد؛ لبافی، سمیه؛ آذر پور، سمانه؛ جلال پور، مهدیه، (۱۳۹۳)، شناسایی عوامل حیاتی موفقیت تفکر راهبردی در دیدگاه مدیران سازمان‌های فرهنگی شهر اصفهان، پژوهشنامهٔ مدیریت اجرایی علمی_ پژوهشی، سال ششم، شمارهٔ یازدهم.
۴۷- آذر، عادل؛ مومنی، منصور؛ آمار و کاربرد آن در مدیریت جلد ۲، تجزیه و تحلیل آماری، نسخه سوم تهران.
48- Cooper, R. G. Kleinschmidt, E. J. , (2011). New Products: The Key Factors In Success. Marketing Classics Press.
۴۹- طبرسا، غلامعلی؛ جنتی، فاطمه، تیر (۱۳۹۶)، هوشمندی کسب‌وکار و نقش آن در ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان، دومین کنفرانس سالانه پارادایم‌های نوین مدیریت در حوزه هوشمندی، دانشگاه تهران.
۵۰- صفرزاده، حسین؛ بنکدار مازندرانی، نازنین؛جاویدی حق، مریم، مدیریت: مدیریت کسب و کار: بهار ۱۳۸۹، سال دوم – شماره ۵.
51- Muntean M. , Cabau L. and Rinclog V. , (2014), Social business intelligence: a new prespective for decision makers, social and behavioral sciences journal, V 124, p 562-567.
52- Huang,. C. T. ; Tsai, K. H. , (2014), synergy, environmental context, and new product performance: A review based on manufacturing firms. Industrial Marketing Management. 431407–1419.
53- Huang,. C. T. ; Tsai, K. H. , (2014), synergy, environmental context, and new product performance: A review based on manufacturing firms. Industrial Marketing Management. 431407–1419.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

دگی (۰/۰۱) و عملکرد خانواده (۰/۰۵) دختران دبیرستانی معنادار است. (**p**<۰/۰۱), (**p**<۰/۰۵).
نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش در مجموعه حاکی از اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی موجب ارتقای کیفیت زندگی و عملکرد خانواده دختران دبیرستانی می‌شود.
واژه‌های کلیدی: مهارت‌های زندگی، کیفیت زندگی، عملکرد خانواده، دختران.

مقدمه

زندگی موهبتی الهی است که فرد فرد انسان‌ها در سفری کوتاه در طول عمر خویش از آن بهره مند می‌گردند زندگی با کیفیت مطلوب همواره آرزوی بشر بوده است (هانستد[1] ۱۹۹۲). کیفیت زندگی[2]موضوعی است که مورد توجه بسیاری از محققین در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قرار گرفته است. این موضوع به منظور بررسی پیامدهای خدمات و مداخلات به ویژه مورد توجه محققینی است که در زمینه نوجوانان کار می‌کنند. کیفیت زندگی مفهومی می‌باشد که نه تنها حاوی همه جنبه‌های زندگی مانند: اجتماعی، فیزیکی، عاطفی و معنوی است. بلکه علاوه بر نیازهای فردی از قبیل امیال و آرزوها به هنجارهای فرهنگی و اجتماعی نیز توجه دارد (لاینر و رابرتز[3] ۱۳۸۶). کیفیت زندگی به عواملی مانند اهداف و مقاصد شخصی و خانوادگی، توانایی عملکرد، حمایت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، فعالیت‌های روزمره زندگی، شناخت، مهارت حل مسئله و توانایی تصمیم‌گیری، درد و آسایش، منابع اقتصادی، نیازهای اولیه‌ی انسانی، غذا، سرپناه و امنیت مرتبط می‌باشد. کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی، دربرگیرنده سلامت کلی فرد شامل وضعیت روحی، روانی، اجتماعی و جسمانی وی است. (باتلر[4]کیاروکی[5] ۲۰۰۷). در حال حاضرکیفیت زندگی یکی از نگرانی‌های عمده سیاستمداران و دانشمندان و متخصصین بهداشت عمومی است و به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری وضعیت سلامت در تحقیقات شناخته شده به کار می‌رود. به دلیل اهمیتی که مفهوم کیفیت زندگی پیدا کرده است، سازمان جهانی بهداشت یکی از اهداف عمده خود را تا سال ۲۰۱۰ افزایش کیفیت زندگی ذکر می‌کند (سایت سازمان جهان بهداشت، ۲۰۰۵). هدف از آموزش مهارت‌های زندگی افزایش توانایی روانی – اجتماعی و در نهایت پیشگیری از ایجاد رفتارهای آسیب زننده به بهداشت جسمانی و روانی و ارتقای سطح روان افراد است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۴).

یکی از گروه‌های اجتماعی که امروزه در اکثر کشورها آموزش آنها تأثیر مثبتی در بهبود کیفیت زندگی، و سلامت روانی و جسمانی آنها می‌شود، نوجوانان و جوانان هستند. در این میان دختران به دلیل روحیه حساس و ظریف خود و به دلیل نقشی که در آینده به عنوان مادر و گرداننده زندگی بر عهد دارند، بیشتر نیازمند آموختن مهارت‌های زندگی هستند. امروزه علیرغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه‌های زندگی، افراد بسیاری در رویارویی با مسایل و مشکلات زندگی فاقد توانایی‌های لازم و اساسی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مسایل و مشکلات زندگی روزمره آسیب‌پذیر کرده است. نکته

1- Hanstad
2- quality of life
3- leiner & roberts
4- Butler
5- Ciarrochi

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

مهم اینست که همه این مهارت‌ها قابل فراگیری هستند و می‌توان با صرف وقت و تلاش آنها را به خزانه مقابله‌ای خود افزود (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۱). پس هدف ارتقای مهارت‌های زندگی و متعاقب آن موجب افزایش کیفیت زندگی و سلامت روانی- اجتماعی است.

مهارت‌های زندگی عبارت است از آن گروه توانایی‌ها که فرد را برای مقابله مؤثر با کشمکش‌ها در موقعیت‌های مختلف زندگی یاری می‌کند. این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازد تا نسبت به سایر انسان‌ها، جامعه، فرهنگ و محیط خود مثبت و سازگارانه عمل کرده، سلامت جسمانی و روانی خود را تأمین کند (اسکندری، ۱۳۸۰). سازمان بهداشت جهانی بر این عقیده است که آموزش مهارت‌های زندگی فرد را قادر می‌سازد تا دانش، ارزش‌ها و نگرش‌های خود را به توانایی‌های بالفعل تبدیل کند. بدین معنا که فرد بداند چه کاری باید انجام دهد و چگونه آن را انجام دهد. مهارت‌های زندگی منجر به انگیزه در رفتار سالم می‌شود. همچنین بر احساس فرد از خود و دیگران و همچنین ادراک دیگران از وی مؤثر است. در ضمن منجر به افزایش اعتماد به نفس می‌شود بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که منجر به افزایش سلامت روان افراد می شود و در پیشگیری از بیماری‌های روانی و مشکلات رفتاری نقش مؤثری دارد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۵). پژوهش‌های آندرسون[9]در سال ۱۹۹۲نشان داده که آموزش مهارت‌های زندگی قادر است مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی و عاطفی کودکان و نوجوانان ساکن در مراکز شبانه روزی را بهبود بخشد. خانواده تشکلی طبیعی است که الگوهای گوناگون ارتباطی و عملکردی را در گذر زمان به خدمت می‌گیرد و این الگوها ساخت خانواده را شکل می‌دهند و ضمن تعیین نقش اعضای خانواده، حیطه هر یک از اعضا را مشخص و تبادل نظر میان اعضا را تسهیل می‌کنند. برای اینکه وظایف اصلی خانواده بهتر صورت گیرد خانواده باید دارای ساخت و کارکردی کارآمد و سالم باشد (مینوچین و فیشمن؛[1]۱۳۸۴). اهمیت، توجه و حفظ چنین ساختاری با در نظر گرفتن نقش روحی، روانی، عاطفی و اجتماعی و همچنین رفتاری خانواده و الگوبرداری فرزندان در یک محیط عاطفی انکارناپذیر است (بارنز؛[3]۲۰۰۳). . نتایج تحقیقات حاکی از آن است که خانواده‌ها در طی دوران تحول فرزندانشان به عنوان سیستم‌های حمایتی عمل می‌کنند (کلی، لاری، آن؛[4]۲۰۰۶ ؛ جانستون، ماش؛[5]۲۰۰۱).

در قرن حاضر تغییرات چشمگیری درباره دیدگاه آدمی نسبت به زندگی رخ داده است. در این قرن تنها حفظ زندگی به شکل معمول مطلوب نیست، بلکه ارتقای کیفیت زندگی، تلاش اساسی جوامع تلقی می‌شود. خانواده نخستین و با دوام‌ترین عاملی است که اگر نه در تمام جوامع، حداقل در اکثر آنها به عنوان سازنده و زیربنای شخصیت و رفتارهای بعدی کودک شناخته شده و حتی به عقیده بسیاری از روان شناسان، باید ریشه بسیاری از اختلالات شخصیت و بیماری های روانی را در پرورش اولیه خانواده جستجو

1- Anderson
2- Minuchin & Fishman
3- Barenz
4- Kelly, M & Larry,B & Ann,M
5- Johnston, C& Mash, EJ

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

کرد. از میان اعضاء خانواده، از آن جا که مادر اولین کسی است که نوزاد با او رابطه برقرار می‌کند، لذا مهمترین نقش را در پرورش ویژگی‌های روانی و عاطفی کودک بر عهده دارد وکانون سلامتی یا بیماری محسوب می‌شود. با توجه به نتایج تحقیقات می‌توان گفت از جمله عواملی که در وضعیت کیفیت زندگی و عملکرد خانواده دانش آموزان می‌تواند موثر باشد، آموزش مهارت‌های زندگی است که تأثیر مستقیمی در زندگی همه اقشار جامعه بویژه دختران می‌تواند داشته باشد. بنابراین پژوهشگر در این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که: آیا آموزش مهارت‌های زندگی بر کیفیت زندگی و عملکرد خانواده دختران نوجوان در جامعه مورد بررسی می‌تواند موثر باشد یا نه؟

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل و با گزینش تصادفی بود. که در آن آموزش مهارت‌های زندگی بعنوان متغیر مستقل و کیفیت زندگی و عملکرد خانواده دختران نوجوان به عنوان متغیر های وابسته مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دختران نوجوان مدرسه فرزانگان شهرستان پارس آباد بودند. ونمونه پژوهش ۳۰ نفر از دختران نوجوان دبیرستانی به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل واگذار شد.

ابزار سنجش خانواده یک پرسشنامه ۶۰ سوالی است که برای سنجیدن عملکرد خانواده بنابر الگوی مک مستر تدوین شده است. این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی، و تعملی خانواده را معین می‌کند و شش بعد از عملکرد خانواده را مشخص می‌کند. این ابعاد از این قرار است: حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، و کنترل رفتار. لذا ابزار سنجش خانواده متناسب با این شش بعد، از شش خرده مقیاس برای سنجیدن آنها، به علاوه یک خرده مقیاس هفتم مربوط به عملکرد کلی خانواده تشکیل شده است. ابزار سنجش خانواده بر اساس پاسخ‌های ۵۰۳ نفر که ۲۹۴ نفر از آنها عضو ۱۱۲ خانواده بودند، ساخته شده است. این ابزار با ضرایب آلفای خرده مقیاس‌های خود از ۰/ ۷۲ تا ۰/۹۲ از همسانی درونی نسبتا خوبی برخوردار است. هیچ گزارش خارجی از اعتبار کلی مقیاس در دست نیست، داده های اعتبار بازآزمایی هم در اختیار نیست. اگر خرده مقیاس عملکرد کلی را از تجزیه‌وتحلیل‌ها خارج کنیم شش خرده مقیاس دیگر این ابزار نسبتا از استقلال برخوردارند. این ابزار تا حدی دارای روایی همزمان و پیش بین است. این ابزار با قدرت متمایز سازی اعضای خانواده‌های بالینی و خانواده‌های غیربالینی، در هر هفت خرده مقیاس خود دارای روایی خوبی برای گروه‌های شناخته شده است (ثنایی، ۱۳۸۷).

شیوه نمره‌گذاری به این صورت است که به هر سوال ۱تا ۴ نمره با استفاده از این کلید داده می‌شود. قویاً موافق =۱، موافق=۲، مخالف=۳، قویاًمخالف=۴. به سوالات یا عباراتی که توصیف عملکرد ناسالم‌اند معکوس نمره داده می‌شود. نمرات کمتر نشانه‌ی عملکرد سالم‌تر است. معدل پاسخ به سوال‌ها که هر یک بین ۱ (سالم) تا ۴ (ناسالم) می‌شود، برای بدست آوردن آوردن نمرات هفت مقیاس محاسبه می‌شود. این

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

ابزار کلید و برگ پاسخنامه‌ای دارد که فرایند نمره‌گذاری آن و مشخص کردن سوال‌های هر خرده مقیاس را نسبتاً آسان می‌کند.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه کوتاه ارزیابی کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی خواهد بود. فرم کوتاه پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت دارای ۲۶ سؤال است که به ارزیابی چهار بعد کیفیت زندگی افراد می‌پردازد. برای هر گویه نمره‌ای برابر ۱ تا ۵ در نظر گرفته شده است. گروه مطالعاتی سازمان جهانی بهداشت، این مقیاس را یک مقیاس بین فرهنگی می‌داند و به همین دلیل از آن در فرهنگ‌های مختلف استفاده می‌شود (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۰۶). در ایران نیز این مقیاس به فارسی ترجمه و روایی آن معتبر گزارش شده است.

سالار، احمدی و فقیه‌زاده (۱۳۸۲) در پژوهش خود اعتبار این پرسشنامه را در آلفای کرونباخ ۰/۸۳ وهمچنین میانگین ابعاد هشتگانه کیفیت زندگی با روش آزمون مجدد ضریب همبستگی ۰/۸۷ بدست آورده‌اند.

روش اجرای پژوهش

در طرح مورد بحث، آزمودنی‌ها به طور تصادفی انتخاب و به کمک همین روش در دو گروه جایگزین شدند. قبل از اجرای متغیر مستقل (**X**)، آزمودنی های انتخاب شده در هردوگروه به وسیله پرسشنامه کیفیت زندگی (۲۴ سؤالی) و عملکرد خانواده (۶۰ سؤالی) مورد اندازه‌گیری قرار گرفتند (پیش‌آزمون). نقش پیش‌آزمون در این طرح، اعمال کنترل واریانس (یکسانی واریانس) است و در نتیجه تعیین اینکه تغییر ایجاد شده ناشی از اجرای متغیر آزمایشی بوده است یا عوامل دیگر. سپس گروه‌های آزمایش تحت تأثیرآموزش گروهی متغیرهای مستقل (آموزش مهارت‌های زندگی) قرار گرفتند و پس از اتمام آموزش، کیفیت زندگی و عملکرد خانواده آزمودنی‌ها با استفاده از همان ابزار اندازه‌گیری شدند. در نهایت نتایج حاصل از آزمون‌ها در هر دو گروه مورد تجزیه‌وتحلیل آماری مناسب قرارگرفت.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

جدول ۳- ۱ برنامه‌ی مداخله آموزش مهارت‌های زندگی به تفکیک جلسه‌ها

جلسات	مشروح جلسات
جلسه اول	پخش فرم رضایتمندی برای دختران وهمچنین درمورد نحوه مداخه و اصول و فواید مهارت‌های زندگی واهداف ان بحث و تبادل نظر شد. در طول این جلسه پرسشنامه‌های کیفیت زندگی و عملکرد خانواده بین دختران پخش شد تا به سوالات آن پاسخ دهند و بدین صورت پیش‌ازمون از آنها به عمل امد.
جلسه دوم	در جلسه دوم آزمودنی‌ها یا همان دختران به دو گروه آزمایش وکنترل تقسیم شدند وآموزش مهارت‌های زندگی به گروه آزمایش آغاز شد. بحث درموردخودآگاهی واجزای آن شروع شد و همچنین بحث درمورد مهارت‌های روابط بین فردی وراه‌های برقراری ارتباط موثر نیز انجام شد.
جلسه سوم	مرور مباحث و مطالب جلسه قبل و بحث در مورد توانایی مقابله با هیجانات منفی ومثبت ازجمله خشم و راه‌های کنترل آن و تاثیرعواقب آن بر زندگی خانوادگی نیز مورد بحث و بررسی شد.
جلسه چهارم	آشنایی با مهارت‌های حل مسئله و مراحل آن و اینکه برخی مسائل در فرایندحل مسئله از نظر کمی وکیفی قابل ارزیابی هستند واعضا تاچه حد به هدف‌های پیش بینی شده دست یافته‌اند هم به گفتگو پرداخته شد.
جلسه پنجم	بحث در مورد تفکر خلاق و شناخت توانائی‌های خود و تبدیل احساسات منفی به مثبت و اینکه تفکر خلاق یک فرصت برای کشف راه‌های نو و بدیع که تاکنون کسی به آنها توجه نکرده است و همچنین ذکر موانع ذهنی تفکر خلاق و ویژگی‌های افراد خلاق مورد بحث قرار گرفت.
جلسه ششم	بحث در مورد تفکر انتقادی تعیین اهداف جلسه آشنایی با روش‌های تفکر نقادانه، آشنایی با مراحل مختلف آن و کاربرد آن در زندگی خانوادگی از برنامه‌های اجرایی این جلسه بود.
جلسه هفتم	در مورد توانایی تصمیم‌گیری و آگاهی از اهداف واقع بینانه خود، انتخاب بهترین راه‌حل از بین راه‌حل‌های مختلف پذیرش پیامدهای آن و تصمیم‌گیری در زمان مناسب از اهداف و فعالیت‌های این جلسه بود.
جلسه هشتم	بحث در مورد توانایی همدلی کردن با دیگران ودرک و احترام به آنها زمانی که انسان‌های دیگر متفاوت از آنها هستند وایجاد رفتارهای پذیرنده وحمایت کننده با ایجاد روابط اجتماعی بهتر تا به هم نزدیکتر شویم.
جلسه نهم	در مورد توانایی مقابله با فشارهای روانی و استرس و اثرات آن بر بدن و شناسایی مهارت‌های مقابله‌ای مسئله مدار(حل کردن مسئله مورد نظر) و هیجان مدار (جهت کنترل هیجان‌ها) و انواع ناراحتی‌هایی که ریشه روحی روانی دارند بحث شد.
جلسه دهم	در این جلسه یک جمع بندی کلی از برنامه آموزشی به عمل آمد و پس از آن دوباره پرسشنامه‌های عملکرد خانواده وکیفیت زندگی بین دو گروه پخش شد بدین صورت پس‌آزمون هم از آنها گرفته شدتامورد تجزیه وتحلیل آماری مناسب قرار گیرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های تکمیل شده بوسیله روش‌های آمار توصیفی اطلاعات میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر، فراوانی و نمودار و روش‌های استنباطی از آزمون تحلیل کوواریانس برای آزمون فرضیه‌ها با استفاده از نرم‌افزار[۱۴] SPSS بدست آمد.

یافته‌ها

شاخص‌های آمار توصیفی گروه‌های آزمایش و کنترل در متغیرهای پژوهش

گروه‌ها	آزمون‌ها	تعداد	دامنه	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
آزمایش	پیش‌آزمون کیفیت زندگی	۱۵	۴۸	۵۲	۱۰۰	۷۶/۷۳	۱۲/۲۷	۱۵۰/۷۸
	پس‌آزمون کیفیت زندگی	۱۵	۴۳	۶۸	۱۱۱	۹۰/۹۳	۱۰/۴۰	۱۰۸/۲۱
	پیش‌آزمون عملکرد خانواده	۱۵	۱۶	۸۲	۹۸	۸۹/۸۶	۵/۱۸	۲۶/۸۳
	پس‌آزمون عملکرد خانواده	۱۵	۲۳	۸۸	۱۱۱	۹۹/۷۳	۵/۹۳	۳۵/۲۰
کنترل	پیش‌آزمون کیفیت زندگی	۱۵	۳۹	۶۳	۱۰۲	۷۷/۳۳	۱۱/۹۶	۱۴۳/۲۳
	پس‌آزمون کیفیت زندگی	۱۵	۳۳	۶۲	۹۵	۷۴/۸۰	۱۱/۱۴	۱۲۴/۳۱
	پیش‌آزمون عملکرد خانواده	۱۵	۱۸	۸۱	۹۹	۹۱/۰۶	۵/۸۴	۳۴/۲۱
	پس‌آزمون عملکرد خانواده	۱۵	۲۱	۷۹	۱۰۰	۹۱/۴۰	۷/۶۷	۵۸/۹۷

طبق جدول فوق آمار توصیفی مؤلفه‌های نمره حداقل، نمره حداکثر، دامنه، میانگین، انحراف استاندارد، واریانس در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل نشان داده شده است.

جهت اطمینان از برقراری مفروضه‌های آزمون تحلیل کوواریانس، از آزمون کالموگروف اسمیروف برای برقراری مفروضه یکسانی واریانس‌ها برروی نمرات گروه آزمایش وکنترل استفاده شده است.

1- SratisticalPakage for Social Science

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

جدول (٤- ١):نتایج آزمون یکسانی واریانس‌ها در نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون

	پیش‌آزمون کیفیت زندگی	پس‌آزمون کیفیت زندگی	پیش‌آزمون عملکرد خانواده	پس‌آزمون عملکرد خانواده
تعداد	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
میانگین	۷۷/۰۳	۸۲/۸۶	۹۰/۴۶	۹۵/۵۶
انحراف استاندارد	۱۱/۹۱	۱۳/۴۰	۵/۴۶	۷/۹۶
مثبت	۰/۱۳۰	۰/۱۵۰	۰/۱۰۸	۰/۰۷۶
منفی	-۰/۰۹۲	-۰/۱۳۷	-۰/۱۱۲	-۰/۱۷۲
کالموگروف اسمیروف	۰/۷۱۴	۰/۸۲۰	۰/۶۱۳	۰/۹۴۰
سطح معنی‌داری	۰/۶۸۹	۰/۵۱۳	۰/۸۴۷	۰/۳۴۰

طبق نتایج جدول بالا هیچکدام از نمرات پیش‌آزمون وپس آزمون درسطح (**P<۰/۰۵**) معنی‌دار نبوده واین بدین معنی است که شرط یکسانی واریانس‌ها رعایت شده است و می‌توان آزمون‌های پارامتریک در مورد این نمرات به کار برد.

نتیجه بررسی تحلیل کوواریانس تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش کیفیت زندگی دختران نوجوان

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	معناداری	مجذور اتا
پیش آزمون	۲۲۱۹/۰۴	۱	۲۲۱۹/۰۴	۶۱/۶۹	۰/۰۰۱	۰/۷۰۴
گروه	۳۲۲/۳۵	۱	۳۲۲/۳۵	۸/۹۶	۰/۰۰۶	۰/۲۵۶
گروه× پیش‌آزمون	۱۲۶/۸۴	۱	۱۲۶/۸۴	۳/۵۲	۰/۰۷۲	۰/۱۹
خطا	۹۳۵/۱۳	۲۶	۳۵/۹۶			
کل	۲۱۱۲۱۴	۳۰				

نتایج جدول نشان می‌دهد F بدست آمده برای اثر مداخله برابر با (۸/۹۶) می‌باشد که از لحاظ آماری درسطح (۰/۰۱) معنی‌دار است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میانگین دو گروه در پس‌آزمون پس از تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون بایکدیگر تفاوت دارد. و با توجه به اینکه مفروضه همگنی شیب رگرسیون برقرار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت آموزش مهارت‌های زندگی موجب افزایش کیفیت زندگی در دختران نوجوان دبیرستانی شده است. باتوجه به اینکه میانگین نمره پس‌آزمون کیفیت زندگی در گروه آزمایش نسبت به کنترل کاهش داشته واز نظر آماری نیز تفاوت معنی‌دار نشان می‌دهد، بنابراین فرضیه فوق تأیید می‌شود. به بیان دیگر آموزش مهارت‌های زندگی موجب افزایش کیفیت زندگی و بهبود عملکرد خانواده دختران دبیرستانی می‌شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به بررسی های بعمل آمده می‌توان گفت که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های ذیل مون، کیم و کیم (۲۰۱۳)؛ چینگ لی (۲۰۰۹)؛ الکساندر ابندر (۲۰۰۶)؛ سیلوانا (۲۰۰۷)؛ پوپنهاگان و کوآلی (۲۰۰۷)؛ ترنر، مکدونالد و سامرست (۲۰۰۸)؛ میشل (۲۰۰۵)؛ سید، وارنی، گیدوانی، گیلهارد و اسلای من (۲۰۱۰)؛ محمد خانی، دلاور، محمدی (۱۳۸۰)؛ ظهرابی اصل (۱۳۸۵) همسو بوده و همچنین با پژوهش‌های آقاخانی (۱۳۸۱) با عنوان «بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل نوجوانان» انجام گردیده همسو می‌باشد با توجه به همسویی تحقیقات با پژوهش حاضر محقق نتیجه می‌گیرد که آموزش مهارت‌های زندگی تغییرات و رویه‌های مناسب رفتاری و روانشناختی را در دانش‌آموزان دختر در مواجهه با موضوعات روزمره و خاص زندگی شخصی و خانوادگی ایجاد می‌نماید که بستری مناسب را برای رضایت از زندگی و نیز سلامت روان و همچنین برای افزایش کیفیت زندگی و بهبود عملکرد آنان در خانواده‌هایشان دارد.

در تبیین یافته فوق می‌توان اظهار داشت که به نظر می‌رسد اجرای برنامه آموزشی مهارت‌های زندگی با ایجاد تغییراتی در خودآگاهی، درک و فهم احساسات و افکار، سبک‌های ارتباطی، گرایش‌های رفتاری، احساس خود کارآمدی و کفایت فردی در افراد منجر به تغییر رفتار و در نهایت افزایش کیفیت زندگی آنان شده است (امیری برمکوهی، ۱۳۸۸).

کیفیت زندگی به عواملی مانند اهداف و مقاصد شخصی و خانوادگی، توانایی عملکرد، حمایت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، فعالیت‌های روزمره زندگی، شناخت، مهارت حل مسئله و توانایی تصمیم‌گیری، درد و آسایش، منابع اقتصادی، نیازهای اولیه‌ی انسانی، غذا، سرپناه و امنیت مرتبط می‌باشد. کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی، دربرگیرنده سلامت کلی فرد شامل وضعیت روحی، روانی، اجتماعی و جسمانی وی است. (باتلر[1] کیاروکی[2] ۲۰۰۷).

طبیعی است که عدم موفقیت کودکان درانجام نقش دانش‌آموز، هم از سوی مدرسه و هم از طرف خانواده به عنوان مسأله‌ای بسیار جدی تلقی می‌شود. این دلواپسی شدید درباره‌ی عدم موفقیت درسی باعث شده است که مشکلات آموزش و یادگیری به صورت رایج‌ترین مسأله تجلی نماید (کرمی، ۱۳۸۳).

عملکرد خانواده جنبه مهم محیط خانواده است که سلامت جسمانی، اجتماعی، و هیجانی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع آنچه در درون خانواده اتفاق می‌افتد و چگونگی عملکرد آن می تواندیک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات فعلی و آینده مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد. محیط‌های برانگیزنده و پرورش‌دهنده کودکان را قادر می‌سازد تا یاد بگیرند و پیشرفت

1- Butler
2- Ciarrochi

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

کنند. برعکس، محیط‌های خانوادگی بدکار می‌تواند برای بسیاری از جنبه‌های رشد کودکان و انتقال مثبت آنان به بزرگسالی بسیار مضر باشد (سیلبورن و همکاران، ۲۰۰۶).

پژوهشگران معتقدند که بهترین ملاک ومعیاری که بر اساس آن می‌توان کیفیت اخلاقی، اجتماعی و روانی افراد را مورد ارزیابی و دقت قرار داد همان شبکه ارتباطی اعضای خانواده و مجموعه قوانین حاکم بر محیط و جو خانواده است (ملاشریفی، ۱۳۸۴). یکی از جنبه‌های کارآیی خانواده در عملکرد تحصیلی فرزندان پدیدار می‌شود. موفقیت یا شکست در اعمال تحصیلی می‌تواند ناشی از کارکردهای سالم یا ناسالم خانواده باشد (تمنایی، ۱۳۸۶).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آقاجانی، مریم (۱۳۸۱) بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

ـ اسکندری، حسن(۱۳۸۰)، مهارت‌های زندگی. تهران انتشارات سپند هنر.

ـ امیری برمکوهی، علی. (۱۳۸۸). آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش افسردگی. فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی ۵، ۲۰، ۲۰۷-۳۰۶.

ـ پروانه (۱۳۸۷)، تهران واحد بهداشت و روان و پیشگیری از سوء مصرف مواد سازمان بهداشت جهانی.

ـ جعفرنژاد، پروین (۱۳۸۳)، بررسی رابطه میان پنج عامل بزرگ شخصیت، سبک‌های مقابله‌ای و سلامت روانی در دانشجویان کارشناسی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۳۵ (۱)، ۵۱-۷۴.

ـ ثنایی، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: انتشارت بعثت.

ـ سازمان بهداشت جهانی، برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، ترجمه نوری قاسم آبادی ربابه، محمد خانی، سالار، علی‌رضا؛ احمدی، فضل الله؛ فقیه زاده، سقراط (۱۳۸۲). تأثیر الگوی مشاوره مراقبت پیگیر بر کیفیت زندگی سالمندان شهر زاهدان. فصلنامه طیب شرق. (۵). (۴). ۲۶۸-۲۶۱.

ـ ظهرابی اصل، مریم. (۱۳۸۵). تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان تعارض دانش‌آموزان پسر با والدینشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات اهواز.

ـ کرمی، جهانگیر. (۱۳۹۱). رابطه مهارت‌های زندگی و تعارضات زناشویی با بهداشت روانی در زوجین. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده. ۴۶۱. ۴.

ـ محمدخانی، پروانه؛ دلاور، علی؛ محمدی، محمدرضا. (۱۳۸۰). کیفیت زندگی والدین کودکان آزار دیده. فصلنامه اندیشه و رفتار. ۶، ۲ و۳، ۴۸-۳۷.

ـ مینو چین، س. خانواده و خانواده درمانی، ترجمه باقر ثنایی ذاکر (۱۳۷۵)، تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۷۴، تهران: انتشارات امیرکبیر.

__ Butler, J. & Ciarrochi, J. (2007). Psychological acceptance and quality of life in the elderly. Quality of life research. 16:607-615.

__ Hanetrad BR. (2002). Quality of life and Insulin dependent diabetes mellitus. Department of public Health and primary Health care. Divison for nursing science university of Bergen. pp:36.

__ Popenhagen, M. P. , & Qualley, R. M. (2007). Adolescent suicide: Detection, intervention and pre-vention. Journal of Professional School Counseling, 4 (1), 6-30.

__ Seid, M. , Varni, J. W. , Gidwani, P. , Gelhard, L. R. , & Slymen, D. J. (2010). Problem-solving skills training for vulnerable families of children with persistent asthma: Report of a randomized trial on health-related

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

quality of life outcomes. Journal of Pediatric Psychology, 35 (10), 1133-1147.

__ Turner, N. E. , Macdonald, J. , & Somerset, M. (2008). Life skills, mathematical reasoning and critical thin-king: A curriculum for the prevention of problem gam-bling. Journal of Gambling Studies, 24(3), 367-380.

__ Berns RM. Child Family, School, Community: Socialization and Support. New York: Wadsworth Publishing Company; 2006.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

اعتبار محتوایی ابزار سنجش با توجه به CVR بدست آمده برای شبکه‌های اجتماعی 80٪ و برای اعضای خانواده 79٪ است که نشان از همبستگی گویه‌های مقیاس است. اعتبار محتوای دیگرطبق آلفای کرونباخ انجام شده است که به ترتیب شبکه‌های اجتماعی ٪89 و روابط خانواده‌ها 78٪ را به خود اختصاص داده که هر دو در حد بالایی است. جامعه آماری خانواده‌های شهرستان بندرعباس دارای ۲ ناحیه است که بر اساس روش تصادفی ساده در نمونه آماری ناحیه ۱ انتخاب گردید. حجم نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر می‌باشد که در این میان ۱۹۲ نفر به والدین و ۱۹۲ نفر به فرزندان اختصاص یافته است. با مطالعات انجام شده در این پژوهش به این نتیجه می‌رسیم که بین نحوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و روابط اعضای خانواده‌ها ارتباط وجود ندارد. بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و کیفیت روابط اعضای خانواده‌ها ارتباط وجود دارد. بین محتوای شبکه‌های اجتماعی و روابط درون‌گروهی اعضای خانواده‌ها ارتباط وجود دارد. بین محتوای شبکه‌های اجتماعی و روابط برون‌گروهی اعضای خانواده‌ها ارتباط وجود دارد. بین انگیزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و روابط اعضای خانواده‌ها ارتباط وجود دارد. جزئیات بیشتر در این مقاله اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی، روابط خانواده.

مقدمه

اخیرا مطالعات متعددی در زمینه‌های شبکه اجتماعی در روابط اعضای خانواده در جوامع مختلف صورت گرفته است. خانواده، ارزش بقایی بسیار مهمی برای فرد و نوع انسان دارد. مچنین خانواده، عنصری اساسی در جامعه است که کارکردهای مختلفی دارد. یکی از مهمترین کارکردهای خانواده، تربیت دینی فرزندان است. (قمرانی و طباطبایی، ۱۳۸۵) خانواده به عنوان بنیادیترین نهاد اجتماع از کارکردها و نقش‌های خاصی برخوردار است که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به پویایی و بالندگی جامعه می‌انجامد. از این رو حفظ این کارکردها و نقشه‌ای خانواده از آسیب‌های تهدیدکننده، به دلیل مخاطرات عظیمی که برای جامعه در پی دارد، از امور ضروری و مهم قلمداد می‌شود (گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶).

به طور کلی، اجتماع طبیعی و اخلاقی ضمانت اجرای درونی نظم اجتماعی است و در واقع، انسجام کل جامعه و تحقق اجتماع جامعه‌ای تابع نفوذ اجتماع طبیعی در انواع تعاملات اجتماعی است. خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است که در زندگی جمعی انسان شکل گرفته و مهمترین نقش را در توسعه و رشد مراحل حیات بشر در امتداد تاریخ انسان از خود نشان داده است و از ابتدا تاهنوز و تا فرجام زندگی، نسبت به دیگر نهادهای اجتماعی ارزش و اهمیت خاصی دارد (شریفی و کاکاوند، ۱۳۸۸).

بیان مساله

خانواده سلول سازنده زندگی انسان، خشت بنای جامعه، کانون اصلی حفظ سنت‌ها، هنجارها ارزش‌های اجتماعی است. و شالوده استوار پیوند های اجتماعی و روابط خویشاوندی و کانونی برای بروز و ظهور عواطف انسانی و پرورش اجتماعی است که با ورود شبکه‌های اجتماعی روابط اعضای خانواده‌ها را تحت تاثیر خود قرار داده است. وماهیت خانواده ها را از نظر چارچوب پرورشی، عاطفی و روابط درون گروهی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

و برون‌گروهی با تمام مولفه‌های ان تحت تاثیر خود قرار داده و تغییر پیدا کرده است. (شکربیگی، عالیه، ۱۳۹۱) خانواده نخستین و بنیادی‌ترین پایه‌گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری افراد است که سرنوشت، سبک و شیوه زندگی آینده‌ی آنها به حساب می‌آید و اخلاق، صمیمیت، سلامت روانی هر شخصی تا حدود زیادی وابسته به آن است. سنگ بنای ساختن یک جامعه ی سالم، پویا وخلاق در تربیت افرادی سالم و کارآمد است. (بهزادی، موسوی، ۱۳۹۶) با وجود پراکندگی در تعاریف و تفاوت در معنا و مفهوم خانواده، ظاهرا در یک قول کمتر اختلاف وجود دارد و آن اینکه اخلاق اجتماعی، هنجارها و رفتارهای اجتماعی که برساخته می‌شوند، دارای پیوندی متقابل با خانواده و تربیت خانوادگی هستند. خانواده اصول اخلاقی را به عرصه‌های دیگر انتقال می‌دهد و به آن اجتماعات جهت‌گیری اخلاقی می‌دهد. همچنین خانواده به عنوان یک اجتماع اخلاقی منشأ ارزش‌های اجتماعی است.

نظام خانواده، یک نهاد اساسی و محوری در جامعه است و به عنوان هسته‌ی اولیه برای سایر نهادهای اجتماعی به شمار می‌رود. این نظام کوچکترین واحد اجتماعی است که اساس و زیرساخت واحدهای بزرگ اجتماعی بشری به شمار می‌رود. افرادی که در این واحد کوچک اجتماعی رشد می‌یابند و تربیت می‌شوند به میزان رشد و شکوفایی‌شان در واحدهای اجتماعی بزرگ انسانی سهم دارند. افرادی که روزی به عنوان فرمانروای مقتدر و سیاست مدار سترگ و مدیر نیرومند، و مبتکر توانا در جامعه ظهور می‌کنند و مسئولیت‌های سنگین و خطیری را به عهده می‌گیرند، نظام خانواده و کانون گرم پدر و مادر، تربیت گاه نخستین آنها است. (پرتوی، امیری، ۱۳۹۶) خانواده شالوده استوار پیوند اجتماعی، روابط خویشاوندی وکانونی در جهت بروز و ظهور عواطف انسانی و مکانی برای پرورش اجتماعی است. که به عنوان نخستین نهاد زندگی اجتماعی نقش بسزایی در رشد اجتماعی و روانی فرزند دارد. (کفاشی، مجید۱۳۸۸)

خانواده واحدی است که بر اساس ازدواج پدید می‌آید و از آغاز پیدایی خود، همچون حریمی امن، زندگی انسان را در بر گرفته و موج تازه‌ای در درون شبکه ی خویشاوندی ایجاد می‌کند که شمار زیادتری از خویشاوندان را نیز به هم پیوند می‌دهد. انسان در خانواده، فرایند جامعه‌پذیری را می‌آموزد که مجموعه‌ای از بایدها و نبایده است و بالاخره نقش‌هایی را در روابطش با دیگران یاد می‌گیرد. (شکربیگی، عالیه ۱۳۹۱)

تعاریف بالا نشان‌دهنده اهمیت فوق العاده این بنیان کوچک اجتماعی و تاثیر آن در تمامی شئونات زندگی افراد به ویژه فرزندان است. امروزه شیوه‌های ضربه زدن به به فرهنگ و هویت ملی یک کشور تغییر یافته و دشمنان سعی می کنند از طریق جنگ نرم افرادی به فروپاشی بنیان خانواده و آرا و عقاید جوانان آن مرز و بوم نایل آیند. بررسی شبکه‌های اجتماعی در ایران نشان داده هرکدام از این شبکه‌ها یک عمر مفید در کشور داشته‌اند و بعد از گذر از آن کاربران تشخیص داده‌اند از آن به جای دیگری کوچ کنند و خانه دیگری برای فعالیت‌های مجازیشان بنا کنند. شبکه‌هایی که در حوادث و اتفاقات سیاسی کشور موثر بودند. مفهوم شبکه‌های اجتماعی در سال ۲۰۰۴ میلادی با حضور اولین شبکه اجتماعی به نام اورکات که

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

تحت مالکیت شرکت گوگل در میان کاربران ایرانی وارد شد و به سرعت مورد توجه قرار گرفت. اما اورکات درسال ۲۰۰۵ یک رقیب بسیار جدی به نام «یاهو ۳۶۰» پیدا کرد که گوی رقابت را از او دزدید که متعلق به شرکت یاهو بوداین شبکه اجتماعی در سال ۲۰۰۵ راه‌اندازی شد و حسابی میان جوان‌ها محبوب شد اما با پیدا شدن سروکله فیسبوک روز به روز کمرنگ و در نهایت منسوخ شد. فیسبوک محبوب‌ترین و قدرتمندترین شبکه اجتماعی شد مارکز زاکربرگ خالق فیسبوک ابتدا این شبکه را در ابتدای سال ۲۰۰۴ در دانشگاه هاروارد به وجود آورد تا دانشجویان در آن نام‌نویسی کنند. کم کم فیسبوک پارا فراتر گذاشت و از دانشگاه‌های دیگر نیز سردرآورد تا اینکه جهانی شد این شبکه اجتماعی نیز در سال ۱۳۸۸ در ایران فیلتر شد با اینکه این شبکه اجتماعی هنوزدر جهان فعال و پویاست. اما در دو سال اخیر افت چشمگیری در ایران داشته است. این افت با اوج گرفتن اینستاگرام نیز همراه شد و باعث کوچ کاربران از فیسبوک به اینستاگرام شد. بعد از ورود اسمارت فون و جا افتادن سیستم عامل های آندرویدی و لوس در تلفن های همراه شبکه اجتماعی اینستاگرام وارد تلفن های همراه شد. نخستین نسخه این شبکه اجتماعی محبوب در اکتبر ۲۰۱۰ مصادف با مهر ۸۹ ارائه شد. اینستاگرام همچنان میان ایرانی‌ها محبوب است و هر روزه افراد بیشتری در این شبکه حساب کاربری باز می‌کنند. وایبردر دسامبر ۲۰۱۰ عرضه شد و بعد از ویچت سر از تلفن‌های همراه هوشمند درآورد. وایبر به خاطر داشتن فضای زیبا و آسان برای پیام‌رسانی به سرعت محبوب شد. وایبر یک رقیب جدی به نام واتس آپ داشت که رقابت بین این دو را حسابی داغ کرد. اما در نهایت واتس آپ به صورت جهانی محبوب‌تر شد تا این نرم افزار در سایه قرار گیرد. عد از کوچ کردن کاربران ایرانی وایبر این نرم افزار بی سروصدا فیلتر شد. همزمان و حتی بعد از وایبر پیام رسان واتساپ به شدت میان ایرانیان محبوب شد. ین نرم‌افزار که در سال ۲۰۱۴ در همه جای جهان فراگیر شد. و میان ایرانیان رواج پیدا کرد. اما در نهایت ایرانیان ترجیح دادند از واتساپ هم کوچ کنند و خانه بهتری برای گفتگوهایشان پیدا کنند و به اپلیکیشن عجیب و غریبی به نام تلگرام کوچ کردند. واخر سال ۹۳ پیام رسان تلگرام شکل گرفت نرم افزاری که حتی دنیای خبر و رسانه را نیز تحت تاثیر خود قرار داد. پیام رسان‌های داخلی و خارجی زیادی نام شان بر سر زبان‌ها افتاد. اما در حال حاضر هیچکدام نتوانستند جای خالی غولی چون تلگرام را برای اعضایشان بگیرند. به همین دلیل هنوز اما و اگرها بر سر فیلتر موقتی و یا دائمی تلگرام وجود دارد. همچنین اولین شبکه اجتماعی مجازی ایرانی کلوپ است این شبکه به دلیل دارا بودن بسیاری از ویژگی‌ها و استانداردهای شبکه‌های اجتماعی جهانی همواره مورد اقبال کاربران ایرانی بوده ودر سال‌های اخیر نیز ازجمله پایگاه‌های اینترنتی برتر داخلی بوده است. (به نقل از سانجای و همکاران ۲۰۱۳ و به نقل از پورخاتون ۱۳۹۱و به نقل از همتی، عطیه۱۳۹۶)

فضای مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با اینکه عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته‌اند به خوبی در زندگی مردم جا باز کنند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

ارتباط برقرار می‌کنند. امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است. پست الکترونیک، پیام‌های کوتاه، چت روم ها، وب‌پایگاه‌ها و بازی‌ها، روش‌هایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی شده‌اند. روزانه نزدیک به چهارصد میلیون نفر در سراسر دنیا از اینترنت استفاده می‌کنند و یکی از کاربردهای اصلی اینترنت، برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران است. شاید عیب اصلی ارتباط‌های اینترنتی آن است که ارتباط در فضای مجازی، اساساً بر متن استوار است و بنابراین، از نشانه‌های بصری و شنیداری در تعامل‌های رو در رو بی‌بهره است. شبکه‌های اجتماعی نقش پررنگی در دنیای امروز دارند و نمی توان آن را نادیده گرفت. این سایت‌ها بر ابعاد مختلف زندگی فردی اجتماعی افراد و در سطوح کشورها وحتی بین‌المللی تاثیر گذارند و به همین دلیل در حال گسترش هستند و در آینده نقش به مراتب بیشتر ومهمتری را در زندگی بازی می‌کنند. (اسلامی، ۱۳۹۱) پدیده شبکه‌های اجتماعی یک شمشیر دو لبه است، یعنس هم فرصت است وهم تهدید وهم سازنده است و هم تخریب‌کننده، هم توسعه‌دهنده ذهن است وهم اسیرکننده آن. همچنین پیشرفت های جدید در حوزه فناوری مفاهیم جدیدی چون: دهکده جهانی، جامعه اطلاعاتی، جامعه مجازی و فرهنگ مجازی را پدید آورده است که پیامدهای عملی کردناین مفاهیم تاثیرات خوب و بد بسیاری را بر فرهنگ‌های مختلف دارد و آنها را پیش از گذشته در عرض تبادل، در هم آمیختگی و رویارویی با یکدیگر قرار می‌دهد. (به نقل از رضایی، ۱۳۹۲)

تلفن همراه سال ۱۳۷۲ و با ۲۰ سال تاخیر وارد ایران شد. تا سال ۱۹۹۱ تنها استفاده از تلفن همراه مکالمه صوتی بود و بس. تنها یک سال بعد در سال ۱۹۹۲ اولین پیامک فرستاده شد، که به تاریخ شمسی می‌شود سال ۱۳۷۳ و البته این در حالی است که اولین پیامک در ایران با هشت سال تاخیر یعنی سال ۱۳۸۱ ارسال شد. در سال های نخستین ورود تلفن همراه در به ایران، ابزار خاصی برای مدیران ارشد بنگاه‌های کسب و کار یا فناوری گران قیمت و خاص در طبقات بالا جامعه بود، اما اکنون تلفن همراه روز به روز رایج تر و همگانی‌تر می‌شود و هرچه بیشتر درمیان گروه‌های مختلف اجتماعی نفوذ کرده و جزئی از زندگی روزمره افراد تبدیل می شود. با نگاهیبه تغییر آگهی‌های تبلیغاتی این وسیله، می‌بینیم که اگر چه در ابتدا این وسیله اغلب در دست مرد میانسالی که به ظاهر شغل موفقی داشت، تصور می‌شد. اما امروز زنان یا جوانان در حال استفاده از آن، به تصویری معمولی تبدیل شده است. محتوای متون تبلیغاتی نیز بر این نکته تایید دارد که تلفن همراه تنها ابزاری برای تماس‌های کاری یا فنوری نیست، بلکه بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی آن تایید دارد.

نظام خانواده در چند دهه اخیر تغییرات عمده‌ای داشته است. در گذشته، هر فرد مسوولیت داشت که برای تولید یا تامین نیازهای روزانه خانواده شانه به شانه بقیه اعضا کار کند. همچنین آنها مسوول حفظ نظم، دفاع، آموزش‌وپرورش و توسعه اجتماعی اعضای جوانتر خانواده بودند. صنعتی شدن یک تغییر عمده بوجود آورده است؛ خانواده سنتی بزرگ به واحدهای کوچک تقسیم شده و خانواده از ویژگی‌های قدیمی خود فاصله گرفته است. پدر به میزان زیادی قدرت خود را از دست داده، کودکان آزادی بیشتری

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

کسب کردهاند و نقش مادر نیز تغییر کرده است. اینترنت، پخش ماهوارهای، بازیهای رایانهای و مانند آن، موجب جدایی اعضا و تضعیف روابط خانوادگی شده است. همچنین در دنیای ماشینی وشهری امروز که والدین فرصت چندانی برای صرف وقت با فرزندانشان ندارند و از طرف دیگر تک فرزندی بودن خانوادهها، والدین سادهترین راه را برای سرگرم نمودن فرزندانشان انتخاب مینمایند. بدین صورت که ابزارهایی همچون : تلفن همراه، لپتاب و. . . را در اختیار فرزندشان قرار میدهند تا او در اتاق خود به کار با آنها مشغول شود، حال آنکه فرزند تنها از نظر فیزیکی در محیط امن خانه به سر میبرد ولی در عمل از طریق این وسایل به ویژه موبایل به دنیایی به مراتب بزرگتر از محیط پیرامونش قدم مینهد وبا چیزهایی مواجهه می شود که بسیاری از پدران و مادران از وجود آنها آگاه نیستند و از طرفی فرهنگ فراغت جوانان در ایران به سرعت تحت تاثیر فرهنگ رسانه دیجیتال قرار گرفته است. تلفن همراه به شکلی جدیدی از رسانههای ارتباطی، مرزهای جدیدی را در شکلدهی به ارزشها و هویت جوانان ایجاد کرده و علاوه بر تسهیل و تسریع برقراری ارتباط، الگوهای ارتباطی جوانان را نیز دستخوش تغییرهایی ساخته است. (ذکایی و ولی زاده،۱۳۸۸).

باتوجه به تاثیری که شبکههای اجتماعی مخصوصا شبکههای موجود در موبایل در روابط درون گروهی اعضای خانواده، همینطور در روابط برون گروهی آن ها توانسته سرمایه اجتماعی خانوادهها را تحت تاثیر خود قرار دهد و با توجه به ریشههای سنتی، مذهبی و دینی که در خانوادههای ایرانی وجود دارد در واقع یک نوع تعارض و مشکلاتی را شاهد خواهیم بود از طرفی نوع اثری که شبکههای اجتماعی بر روی خانوادهها دارد از لحاظ سن، جنس، موقعیت شغلی و میزان تحصیل بسیار متفاوت بوده که باید مورد بررسی لازم قرار بگیرند. مطالب بیان شده در پایان بیان مسئله این پژوهش باید خاطر نشان میکند که در این تحقیق به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا بین نقش شبکههای اجتماعی و روابط اعضای خانوادههای شهر بندرعباس ارتباط وجود دارد؟

پیشینه تحقیق پیشینه داخلی:

(یاسمی نژاد، آزادی و امویی،۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که فضای مجازی میتواند امنیت اجتماعی را مورد تهدید قرار دهد، زیرا اینترنت با وجود این که میتواند به عنوان ابزاری قدرتمند در عرصه اطلاعرسانی به کار گرفته شود تا آن جا که گاهی از آن به عنوان انفجار اطلاعات هم نام برده میشود، ولی این فناوری مدرن با تمام فوایدی که دارد، تهدیدها و خطرهایی نیز برای جامعه و بشر داشته است. به طوری که امروزه، بخش عمدهای از جرایم مربوط به حوزهی کامپیوتر، اینترنت و فضای مجازی است که امنیت اجتماعی راهدف قرار دادهاند. (یاسمی نژاد، آزادی و امویی ۱۳۹۰) احمدزاده کرمانی و قاسمی (۱۳۹۲) در مطالعهشان با عنوان "بررسی نقش اینترنت بر ارزشهای خانواده" پس از بررسی ابعاد ارزش سنتی و عقلایی و نیز عوامل موثر بر ارزشهای جوانان، با استفاده از نظریات حوزه ارتباطات و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

نظریات حوزه ارزش به بررسی نقش اینترنت بر ارزش‌های خانواده از زوایای مختلف پرداختند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که استفاده از اینترنت دارای اثرات مثبت و فزاینده‌ای با گرایش بر ارزش‌های عقلایی و اثرکاهنده بر ارزش‌های سنتی دارد. (احمدزاده کرمانی و قاسمی، ۱۳۹۲)

یافته‌های نیازی و کارکنان نصرآبادی(۱۳۹۲)، در (پژوهشی تحت عنوان زندگی دوم و خانواده) حاکی از آن است که بین میزان اعتیاد به اینترنت و روابط خانوادگی کاربران همبستگی معکوسی وجود دارد و استفاده‌ی اعتیادگونه از اینترنت باعث افزایش انزواطلبی افراد از خانواده‌ها می‌شود. (نیازی و کارکنان نصر آبادی ۱۳۹۲).

یافته های عدلی پور و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان " شبکه‌ی اجتماعی فیس بوک و روابط خانوادگی کاربران جوان ایرانی" حاکی از آن است که بین استفاده از، «فیسبوک و روابط خانوادگی کاربران جوان ایرانی شبکه‌ی اجتماعی فیسبوک و کاهش فعالیت‌های روزانه در محیط خانواده، بی‌اعتمادی والدین نسبت به فرزندان، کاهش ارتباطات رو در رو با افراد خانواده، کناره‌گیری از افراد، خانواده و کاهش تعاملات با افراد خانواده رابطه‌ی معناداری وجود دارد. (عدلیپور و دیگران،۱۳۹۲)

پیشینه خارجی

یافته‌های مش (۲۰۰۶)، در پژوهش تحت عنوان "ارتباطات خانوادگی واینترنت"، حاکی از آن است که بین نوع استفاده از اینترنت و ارتباطات خانوادگی رابطه وجود دارد. بین استفاده ی بزرگسالان از اینترنت برای اهداف اجتماعی (بازی های آنلاین، ارتباط با دوستان، مشارکت در بحث‌های گروهی) با تعارضات و کشمکش‌های خانوادگی همبستگی مستقیمی دارد. اما بین استفاده از اینترنت برای یادگیری اهداف آموزشی همچون دانلود نرم افزار یا جستجوی اطلاعات با تعارضات و انسجام خانوادگی رابطه‌ای وجود ندارد. یافته‌های بالو (۲۰۱۱)، در پژوهشی تحت عنوان "ارزش‌های خانواده: تاثیر تجربی استفاده از اینترنت" حاکی از آن است که بین ارزش‌های خانوادگی و استفاده از اینترنت رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ارزش‌های خانوادگی مردان بیشتر تحت تأثیر اینترنت قرار دارند در حالی که ارزش‌های خانوادگی زنان بیشتر از تحصیلات تأثیر می‌پذیرد.

رای و جات (۲۰۱۰) در مقاله‌هایی با عنوان تاثیر رسانه‌های الکترونیکی بر کودکان بیان کردند شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای، گوشی تلفن همراه، رادیو و تلویزیون، و سینما در زندگی کودکان از نقش محوری برخوردار است. رسانه‌های ارتباطی جمعی در رفتار رفتاری و اجتماعی کودکان تاثیر بسزایی از خود برجای می‌گذارند. در رابطه با استفاده وسیع کودکان از رسانه‌های ارتباط جمعی، ما تصمیم گرفتیم که تاثیر رسانه‌های جمعی را بر روی سلامت کودکان (خشونت، مصرف دخانیات، مشروبات الکلی و رفتارهای پرخطر جنسی) مورد بررسی قرار دهیم. به طور همزمان، ممکن است رسانه‌های ارتباطی جمعی بر روی سلامت کودکان اثر مثبت برخود برجای گذارند. در نتیجه، ما باید راهکارهایی جهت بهینه‌سازی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

نقش رسانه در جامعه ارائه دهیم تا بتوانیم از رویکردهای مثبت بهره‌مند گردیم و اثرات منفی را کاهش دهیم. ما باید به نحوه کاهش اثرات منفی رسانه و تبدیل آن به اثرات مثبت آشنا شویم.

چارچوب نظری

سایت‌های شبکه‌های اجتماعی آن دسته وب‌سایت‌هایی هستند که طیف وسیعی از تعاملات اجتماعی با دوستان و اعضای خانواده را میسر می‌سازد. رسانه های اجتماعی می توانند در طول استخدام و فرایند بررسی کارکنان و به ویژه کارمندان کلیدی یا آنهایی که با کودکان سر وکار دارند، ابزاری قدرتمند به حساب می‌آیند. از طریق برنامه ریزی واجرای متفکرانه، امکان مهار قدرت سایت‌های رسانه های آنلاین ونفوذ آنها به طور قانونی به نفع سازمان مربوطه امکان پذیر می‌شود. (Wodarz. 2011)

این شاخص را الیسون وهمکاران (۲۰۰۷) به منظور سنجش شدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی، میزان استفاده، میزان دلبستگی و این که چقدر آن را به عنوان زندگی روزمره خود می‌دانند. همینطور از آبراهام مازلو براساس (نظریه انگیزه) در مورد استفاده از شبکه‌های اجتماعی استفاده شده است. همینطور از دیدگاه لرند (نظریه بیگانگی عاطفی) که فقر عاطفی افراد خانواده باعث استفاده بیش از شبکه‌های اجتماعی می‌شود.

از دیدگاه گیدنز (نظریه خشنودی) که بر اساس احساس خشنودی و رضایت فرد وتمایلات روانی افراد و چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرند.

به زعم نظری و نوابی نژاد (۱۳۸۴)، خانواده چیزی بیشتر از مجموعه افرادی است که در یک فضای فیزیکی و روانشناختی باهم مشارکت دارند.

فراست(۱۳۸۴)، خانواده به یک سیستم تلقی می‌شود که حداقل از یک زن و مرد تشکیل می‌شود. این دو نقش خود را به عنوان زن وشوهر در قبال یکدیگر ایفا می‌کنند. در صورتی که در خانواده فرزندانی هم وجود داشته باشند، این سیستم بزرگتر و پیچیده‌تر شده و نقش‌های دیگری همچون نقش والدین نیز به نقش‌های گذشته اضافه می شود.

در روابط خانواده در دو بعد روابط درون‌گروهی و برون‌گروهی افراد خانواده از سرمایه اجتماعی پیوندی در سه مولفه (اعتماد، انسجام و مشارکت) مورد استفاده قرار می گیرد.

در مورد کردار اجتماعی و روابط برون‌گروهی و استفاده از محتوا و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی از نظریه ساخت‌یابی گیدنز استفاده شده است.

در مورد روابط والدین با نوجوانان از نظریات میرزا بیگی، حسنعلی استفاده شده است.

فرضیه فرضیه اصلی

ـ بین شبکه های اجتماعی و روابط بین اعضای خانواده‌های ناحیه یک شهربندرعباس ارتباط وجود دارد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

فرضیات فرعی

ـ بین نحوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و روابط اعضای خانواده‌های ناحیه یک شهربندرعباس ارتباط وجود دارد.

ـ بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی وکیفیت روابط اعضای خانواده‌های ناحیه یک شهربندرعباس ارتباط وجود دارد.

ـ بین استفاده از محتوای شبکه‌های اجتماعی و روابط درون گروهی اعضای خانواده‌های ناحیه یک شهربندرعباس ارتباط وجود دارد.

ـ بین استفاده از محتوای شبکه‌های اجتماعی و روابط برون‌گروهی اعضای خانواده‌های ناحیه یک شهربندرعباس ارتباط وجود دارد.

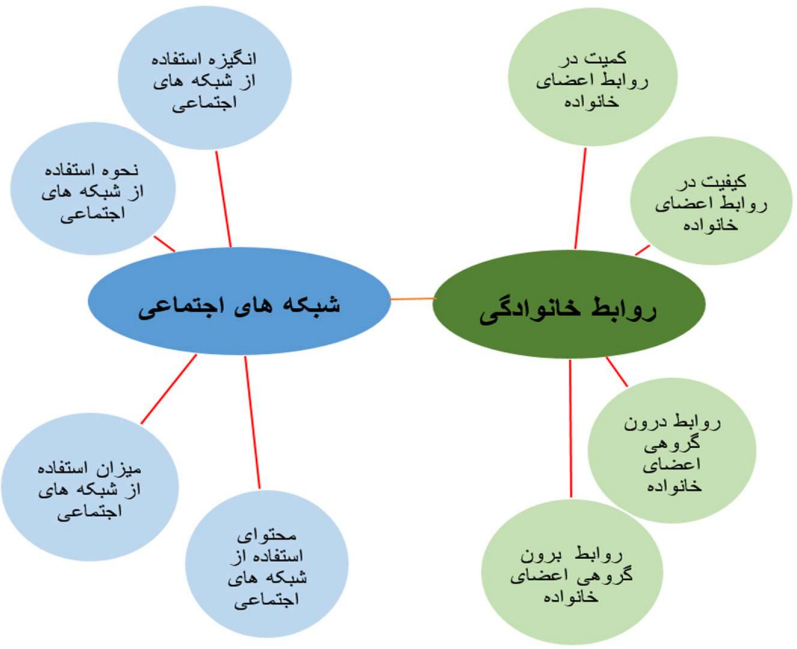
ـ بین انگیزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی وکیفیت روابط اعضای خانواده‌های ناحیه یک شهربندرعباس ارتباط وجود دارد.

ـ بین استفاده از محتوای شبکه‌های اجتماعی و میزان تحصیلات اعضای خانواده‌های ناحیه یک شهربندرعباس تفاوت وجود دارد.

ـ بین استفاده از محتوای شبکه‌های اجتماعی و میزان درآمد اعضای خانواده‌های ناحیه یک شهربندرعباس تفاوت وجود دارد.

مدل نظری پژوهش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]



روش تحلیل

در این پژوهش از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و روش احتمالی پیمایشی استفاده شده است. از اسناد و کتاب‌ها برای جمع‌آوری اطلاعاتی در خصوص چگونگی روابط خانواده‌ها وچگونگی به کارگیری استفاده ازشبکه‌های اجتماعی در خانواده‌ها استفاده نمودیم. و همچنین دلیل انتخاب روش احتمالی پیمایشی این است که پژوهش حاضر در مورد شاخص‌های روابط خانواده و استفاده از چگونگی (موضوع، نوع نرم‌افزار و. . .) شبکه‌های اجتماعی تنظیم شده است که بیشتر از شبکه‌های اجتماعی مختلفی که در موبایل مورد استفاده قرار می‌گیرد استفاده شده است. که برای رسیدن به پاسخ سوالات و آزمون فرضیه‌ها، پژوهشگر ناگزیر به استفاده از این روش است. بنابراین استفاده از روش پیمایشی از روش‌های اصلی تحقیق حاضر است. و این تحقیق برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ برای همسازی گزینه‌ها استفاده می‌شود.

جامعه آماری

ـ جامعه آماری تحقیق خانواده‌های شهر بندرعباس می‌باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

نمونه آماری

ـ نمونه آماری تحقیق خانواده‌های ناحیه‌ی یک شهر بندرعباس می باشد.

شیوه نمونه‌گیری

ـ اعضای نمونه از طریق تصادفی از طریق تصادفی بر اساس محله‌ها صورت می‌گیرد و در نهایت از روی نمونه‌گیری تصادفی ساده محله‌ها انتخاب می شوند.

واحد تحلیل

ـ واحد تحلیل در این تحقیق والدین و فرزندانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

حجم نمونه

با انتخاب چه تعداد نمونه در یک پژوهش می‌توان با اطمینان نتایج آن پژوهش را به جامعه بزرگتر تعمیم داد نوع مطالعه، جامعه آماری و ویژگی‌های آن و از همه مهمتر تجانس و همگنی پدیده پژوهش و نوع نمونه‌گیری و. . . بر انتخاب نمونه موثر است. جامعه آماری این پژوهش خانواده‌های شهر بندرعباس است که شهر بندرعباس دارای ۲ ناحیه است که به روش تصادفی ساده ناحیه ۱ انتخاب شده است. جمعیت شهر بندرعباس حدود ۵۸۸ هزارنفراست که جامعه آماری تحقیق می‌باشد و با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده است که ۱۹۲ نفر از این حجم را والدین ۱۹۲ نفر فرزندان در نظر گرفته شده است. این پژوهش دارای ۲ نوع پرسشنامه است ۲۸ سوال برای والدین و ۲۸ سوال برای فرزندان تنظیم شده است.

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
فرضیه اصلی	شبکه های اجتماعی	روابط خانواده‌ها	ضریب همبستگی	0. 001	تایید فرضیه
فرضیه فرعی اول	نحوه استفاده از شبکه های اجتماعی	روابط اعضای خانواده‌ها	همبستگی پیرسون	0. 096	رد فرضیه
فرضیه فرعی دوم	میزان استفاده از شبکه های اجتماعی	روابط خانواده‌ها	رگرسیون	0. 001	تایید فرضیه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

فرضیه فرعی سوم	استفاده از محتوای شبکه های اجتماعی	روابط درون گروهی خانواده‌ها	همبستگی پیرسون	ورزشی 0. 002 فرهنگی 0. 001 بهداشت وپزشکی 0. 001 تبادل عکس و فیلم 0. 014	تایید فرضیه
فرضیه فرعی چهارم	استفاده از محتوای شبکه های اجتماعی	روابط برون گروهی خانواده‌ها	همبستگی پیرسون	سیاسی 0. 001 اقتصادی 0. 001 بهداشتی وپزشکی 0. 012	تایید فرضیه
فرضیه فرعی پنجم	انگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی	روابط درون گروهی و برون گروهی خانواده‌ها	رگرسیون	0. 001	تایید فرضیه
فرضیه فرعی ششم	استفاده از محتوای شبکه‌های اجتماعی	میزان تحصیلات	تحلیل واریانس دو عاملی	0. 56	رد فرضیه
فرضیه فرعی هفتم	استفاده از محتوای شبکه های اجتماعی	میزان درآمد	تحلیل واریانس دو عامل	0. 84	رد فرضیه

اعتبار و روایی

اعتبار محتوایی ابزار سنجش با توجه به CVR بدست آمده برای شبکه‌های اجتماعی 80٪ و برای اعضای خانواده 79٪ است که نشان از همبستگی گویه‌های مقیاس است. همچنین از روش آلفای کرونباخ برای سنجش گویه‌ها برای نرمالبودن استفاده شده است. که شبکه های اجتماعی 89٪ و روابط خانواده‌ها 78٪ که هر دو در حد بالایی است.

یافته‌ها

روش‌های آماری

در فرایند تحقیق، پس از گردآوری داده‌ها گام بعدی شامل تجزیه‌وتحلیل داده‌ها است. پس از جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه از تحلیل رگرسیون چندگانه، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس نتایج که با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه‌وتحلیل قرار خواهد گرفت و بررسی فرضیه تفاوتی از

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

طریق آزمون رگرسیون ساده ، رگرسیون چند گانه، واریانس یک طرفه، T مستقل و تحلیل واریانس یک طرفه مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

جمع‌بندی و نتایج

امروزه فضای مجازیجایگاه ویژه‌ای در ساختار زندگی خانواده‌ها پیدا کرده است. حضور در این فضای سایبر و بطور کلی کامپیوتر شخصی، ارتباطات خانوادگی را دستخوش تغییر نموده است. استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی فعالیتی زمان بر است که مدت تعامل افراد خانواده با یکدیگر را کاهش می‌دهد. در این میان، نوجوانان و دانش‌آموزان بواسطه‌ی فراغتی که دارند، نسبت به بزرگسالان، مدت زمان بیشتری را به اینترنت اختصاص می‌دهند. از طرف دیگر، فضای مجازی، کشمکش‌های جدیدی را در خانواده ایجاد می‌کند که شامل زمان استفاده از فضای مجازی، نوع صفحاتی که توسط نوجوانان و دانش‌آموزان مورد استفاده قرار میگیرد و دستیابی نوجوان و والدین به اطلاعات خصوصی یکدیگر و غیره می‌باشد. چنان چه نوجوان در پیوندهای عاطفی و درک متقابل با سایر اعضای خانواده دچار مشکل باشد، احساس تنهایی، افسردگی و بیتفاوتیکرده و برایجبران به یک دوست، سرگرمیخاص و غیره روی می آورد. فضای مجازی مناسبترین محمل برای این مقصود است. شبکه‌های اجتماعی با توجه به ماهیت، ساختار و قالب‌های برنامه‌سازی خود به اشکال گوناگون بر هویت و ارزش‌های خانوادگی اثر می‌گذارند. هدف کلی این شبکه‌ها، ارتقای سطح دانش و آگاهی عمومی است. آنچه امروزه از شبکه های اجتماعی مورد انتظار است، توجه به تحولات ساختاری عمیقی است که در هویت و ارزش‌های خانوادگی روی داده است. امروزه، هویت و ارزش‌های خانوادگی نه تنها از نظر بلکه از نظر نقش اعضا متحول شده است. این تحولات اگر چه در مواردی، اندازه و کارکردهای آن، بعد زمینه لازم را برای شکوفایی و تحرک درونی هویت خانوادگی فراهم ساخته، خود موجب پدیدآمدن تهدیدهایی جدی شده که انسجام درونی خانوادگی را در معرض نابودی قرار داده است. شبکه‌های اجتماعی آسیب‌های مهم اجتماعی و نقش هر یک از آنها را در هویت خانوادگی در چهارچوب کلی‌تری مطرح می‌کند.

یکی از نیازهای بشر حس کنجکاوی و دانستن است، دانسته‌هایی که در دنیای واقعی شاید دسترسی به آنها مشکل خواهد بود اما دنیای مجازی توانسته این خواسته بشر را تا حدودی پوشش دهد اما با وارد شدن شبکه‌های اجتماعی و ارائه دانسته‌ها چارچوب زندگی فردی و اجتماعی افراد را تحت تاثیر خود قرار داده است. باتوجه به تفاوت‌هایی که در فرهنگ و سنت و آداب‌و رسوم هر کشور که ابعاد و مولفه های خانواده و جامعه کشور را شکل می‌دهد، وجود دارد بخصوص در جامعه کشور ایران که دارای سنتی ریشه دار و آداب‌ورسوم محکم و کاملی که ریشه در چندین سال‌های پیشین از این سال‌ها داشته با ورود شبکه‌های اجتماعی در واقع چارچوب فرهنگی و اجتماعی وخانواده را سخت تحت تاثیر خود قرار داده است. یکی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

از مهمترین مسائل هر خانواده و هر جامعه، هویت جامعه و فرد است که با ورود شبکه‌های مجازی ما شاهد بحران هویت واختلال در شکل گیری شخصیت افراد در تمامی سه عنصر هویت هستیم که عبارتند از :
۱- شخص ۲- فرهنگ ۳- جامعه؛
که هر یک در تکوین شخصیت فرد نقش مهمی را ایفا می‌کند. در واقع هویت شخص ویژگی‌های هر فرد را به ذات تشکیل می‌دهد و هویت اجتماعی در پیوند با گروه‌ها و اجتماعات مختلف گرفته و شکل‌گیری آن متاثر از همین گروه‌ها و اجتماعات است. و هویت فرهنگی برگرفته از باورهایی است که در عمق وجود فرد به واسطه تعامل او با محیط پیرامون و آموزه‌های آن از بدو تولد تا کهنسالی جای گرفته است.
با توجه به پژوهش چگونگی استفاده از شبکه های اجتماعی از لحاظ میزان استفاده و ساعات استفاده، محتوای مورد استفاده همه و همه در روابط درون‌گروهی و برون‌گروهی خانواده به خصوص از لحاظ کیفیت روابط خانواده بسیار مرتبط بوده است واین آسیب‌ها به گونه‌ای مختلف خود را نشان داده چنانچه عوامل فردی، اجتماعی، دینی و فرهنگی را دچار آسیب و سردرگمی کرده است به عنوان مثال: نقص حریم خصوصی، تبلیغات ضد دینی، والقای شبهات، حیا زدایی دختران و پسران، انزوا، بیماری افسردگی و بی‌تحرکی جوانان و حتی زوجین و عدم رضایت مخصوصا زنان در جامعه امروزی که در واقع نظریه گیدنز در مورد نیازهای روحی و روانی و چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی کاملا مصداق است همین طور عدم توجه کافی والدین به فرزندانشان و روی آوردن آنها به شبکه‌های اجتماعی که در واقع عدم مهارت و مدیریت کافی در تربیت بچه‌ها و یک نوع بی‌تفاوتی والد به فرزند را نمود می‌کند باعث گرایش فرزندان به استفاده از شبکه‌های اجتماعی است و در رابطه زوجین از درک متقابل گرفته تا مسائل زناشویی باید قبل از ازدواج و تمامی ابعاد ارتباط معقول در مقابل زوجین را یاد گرفته باشند حال این یادگیری می‌تواند از خانواده گرفته تا مشاوره‌های متخصص تا در خانواده این ارتباط کامل و بدون نقص باشد با یک بار فکری و فرهنگی بسیار ریشه‌دار تا شبکه های اجتماعی نتوانند اثر منفی خود را در رابطه زوجین به جای بگذارند هرچقدر روابط درون گروهی خانواده‌ها مستحکم‌تر باشد در واقع روابط برون‌گروهی خانواده را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های نو پدید در شبکه‌های اجتماعی راهکارهایی مطرح شده‌اند که در صورت اجرای به موقع و مناسب می‌توانند ثمر بخش واقع شوند.

الف) آموزش

۱- استفاده از ظرفیت‌هایی همچون رسانه‌های دیداری و شنیداری، روزنامه‌ها، مجلات، نشریات برای نهادینه شدن فرهنگ سایبری.
۲- برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی مرکز استان به منظور آشنا نمودن و اطلاع رسانی به والدین در مورد فناوری‌های جدید به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

۳- برگزاری کلاس‌های آموزشی تئوری عملی در مدارس جهت آگاهی دادن به نوجوانان و جوانان در مورد مزایا و معایب فناوری‌های جدید و نحوه ی استفاده‌ی صحیح از آنها.

۴- پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی درباره مزایا و معایب اینترنت از زبان ورزش کاران و هنرمندان محبوبی که عموما جوانان آنها را الگوی خود قرار می‌دهند.

۵- والدین باید با کودکان و نوجوانان خود درباره‌ی استفاده آنان از اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی و مسائل خاصی که کودکان امروز در فضای مجازی با آنها رو به رو هستند، به گفتگو بنشینند. همچنین والدین باید بکوشند از فناوری‌هایی که کودکان بکار می‌برند، آگاه شوند و شکاف مهارتی میان خود و کودکانشان را پر کنند.

ب) نظارت و پیگیری

۱- وضع قوانین سختگیرانه‌تر جهت برخورد با مجرمان جرایم اینترنتی و اجرایی نمودن این قوانین.

۲- آگاهی و هوشیاری بیشتر پلیس سایبری در مورد انواع جدید جرایم رایانه‌ای و اقدام در جهت نا کارآمد کردند سیسه‌های دشمنان در این زمینه .

۳- حضور پلیس سایبری واعضای محترم آن در مدارس و مراکز آموزشی، ارائه سخنرانی و آموزش به صورت چهره به چهره برای جلب اعتماد دانش‌آموزان و همکاری تعاملی آن ها یا پلیس سایبری به صورت همیار پلیس سایبر.

راهکار

۱- آگاهی خانواده‌ها از استفاده‌ی فرزندان خود از شبکه های اجتماعی مجازی مطابق یافته‌های پژوهش میزان آگاهی خانواده ها از این امر نقش بسزایی در جلوگیری از کاهش ارزش‌های خانوادگی آنها دارد.

۲- آشنایی و آموزش استفاده‌ی صحیح از شبکه های اجتماعی مجازی از طریق گنجاندن مطالب آموزشی در مورد رسانه‌های نوین در برنامه ی درسی دانش آموزان.

۳- مسئولان و برنامه‌ریزان کشور سعی در ارائه برنامه‌های منسجم برای معرفی خانواده ایرانی در فضای مجازی داشته باشند تا به نوعی بتوان خانواده ایرانی را به عنوان یکی از خانواده‌های اثرگذار در عرصه جهانی به کاربران خارجی معرفی نمود.

۴- ساخت و پخش فیلم‌ها و سریال‌هایی متناسب با موضوع تاثیر فضای مجازی بر روابط خانواده‌ها.

۵- فراهم نمودن مکان‌های تفریحی و ورزشی سالم و جذاب و کم‌هزینه برای خانواده‌ها جهت گذراندن اوقات فراغت در محلات شهر.

۶- هنجارسازی‌های مثبت و ترویج فرهنگ استفاده از اینترنت و فضای مجازی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

براساس پژوهش انجام شده وفرضیات تایید و رد شده نظریه پردازانی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است می توان نتیجه گرفت که :

۱- از دیدگاه مرتون بر اساس ساخت‌گرایی که او معتقد است تعامل بین افراد و احساس مسئولیت افراد و چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. در واقع این دیدگاه اشاره به روابط درون گروهی افراد و ارتباط افراد خانواده با یکدیگر دارد و هرچقدر میزان کیفیت در روابط خانواده پایین باشد جایگاه خود را به استفاده از شبکه‌های اجتماعی داده و تاثیر مخرب خود را افراد مخرب جامعه به جای می گذارد.

۲- دیدگاه رامرز که او معتقد است عواملی مثل درآمد، تحصیلات واستفاده از محتوای شبکه‌های اجتماعی تفاوت وجود دارد که در پژوهش انجام شده این فرضیه تایید نشده و رد شده است .

۳- دیدگاه سندربال نظریه بیگانگی عاطفی، او معتقد است بین فقر عاطفی افراد و استفاده از شبکه‌های اجتماعی ارتباط وجود دارد در واقع در شبکه‌های اجتماعی فرد یک انسان منفعل است و با دنیا وافراد مجازی در ارتباط است با این دنیای مجازی عاری از عاطفه و ارتباط موثر و متقابل افراد است از طرفی این بی‌تحرکی و انزوای فرد، شخص را نسبت به دنیای واقعی او هم بی‌عاطفه کرده و همانند یک انسان مسخ شده است.

۴- دیدگاه ابراهام مازلو براساس انگیزش و شخصیت که در واقع بین انگیزه افراد و استفاده از محتوای شبکه‌های اجتماعی ارتباط وجود دارد. در واقع روابط درون‌گروهی و برون‌گروهی افراد، هر چقدر افراد در دنیای واقعی از هر لحاظ مشکل و آسیب‌دیده باشند به همان اندازه از شبکه‌های اجتماعی محتوا استفاده شده است.

۵- دیدگاه گیدنز براساس ساخت یابی (کردار اجتماعی) او معتقد است بین کردار اجتماعی و استفاده از شبکه های اجتماعی ارتباط وجود دارد که این دیدگاه براساس روابط برون گروهی افراد تاکید شده در پژوهش انجام شده تایید شد هر جه افراد از شبکه های اجتماعی بیشتر استفاده کنند میل به تعامل اجتماعی در تمامی مولفه کمتر می‌شود و بیشتر میل به انزوا، عدم تعهد، بی‌مسئولیتی، و شکستن قوانین اجتماعی و هنجارهای اجتماعی دارند و در واقع چهار چوب اجتماعی و تربیت اجتماعی فرد دچار آسیب می‌شود.

فرست منابع و مآخذ

۱- احمدزاده کرمانی، روح‌الله و قاسمی، طیبه (۱۳۹۲). بررسی نقش اینترنت بر ارزش‌های خانواده. فصلنامه‌ی مطالعات رسانه‌ای، سال هشتم، شماره‌ی۲۳.

۲- اسلامی، مروارید (۱۳۹۱). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و تاثیرات آن ها بر ابعاد مختلف زندگی، نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های نو پدید.

۳- بهزادی، ایرج وموسوی، حکیمه (۱۳۹۶). تربیت فرزندان با تاکید برشبکه‌های فیس بوکی. دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی و علوم انسانی. دی ماه. تهران

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

۴- پارسونز، ت، (۱۳۶۳). ساختار اجتماعی خانواده، در مبانی و رشد جامعه‌شناسی، نوشته : جهی . اچ . آبراهام، ترجمه: حسن پویان، تهران :چاپخش

۵- پرتوی، رعنا و امیری، معصومه و پرتوی، فرحروز (۱۳۹۶). عوامل موثر در نقش زن برای تحکیم بنیان خانواده. دومین کنکره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه. فروردین ماه. تهران

۶- ذکایی، محمدسعید؛ و ولی‌زاده، وحید. (۱۳۸۸). فرهنگ جوانان و تلفن همراه. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شمارِه ۷، صص ۱۱۹- ۱۵۲.

۷- شریفی، اسماعیل و اکرم کاکاوند. (۱۳۸۸). «رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با هویت جوانان». دو فصلنامه تخصصی پژوهش جوانان. فرهنگ و جامعه. ۴، دانشگاه تربیت مدرس، ۲۵ ـ ۵۹.

۸- شکربیگی، عالیه (۱۳۹۱). رسانه، زنان و مناسبات خانواده، نشست انجمن جامعه شناسی ایران

۹- عدلی‌پور، صمد، علیزاده، محمد حسین، مطالعه موردی استفاده اعتیادی از شبکه اجتماعی فیسبوک در بین نوجوانان و جوانان شهر تبریز.

۱۰- فراست، زهرا (۱۳۸۴). مقایسه منبع کنترل و رضایت زناشویی در زنان خانه‌دار وشاغل در تهران، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

۱۱- قمرانی، امیر و سمانه طباطبائی (۱۳۸۵). «بررسی روابط عاشقانه زوجین ایرانی و رابطه آن با رضایت». تازه‌های پژوهش‌های مشاوره. شماره ۱۷. جلد ۵. ۹۵ ـ ۱۰۹.

۱۲-کفاشی، مجید (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی در نظریات جدید، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره سوم

۱۳-گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی: حسن چاوشیان، تهران، نشر نی، ص۶۸۳

۱۴-نظری، علی‌محمد، نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۴)، بررسی تاثیر بهبود بخشی ارتباط بر رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره شماره سیزدهم، جلد۴.

۱۵- نیازی، محسن، کارکنان نصرآبادی، محمد، (۱۳۹۲)، زندگی دوم و خانواده، مجموعه مقالات همایش تخصصی بررسی ابعاد

۱۶- یاسمی‌نژاد، عرفان؛ آزادی، اکرم؛ امویی، محمدرضا (۱۳۹۱). فضای مجازی، امنیت اجتماعی، راهبردها و استراتژی‌ها، همایش ملی صنایع فرهنگی نقش آن در توسعه ی پایدار.

17- Ballew, K. C. (2011). Family values: The empirical impact of internet use, M. A. Thesis, Baylor University, Departman of Sociology.

18- Ellison, N. B. , Steinfield, C. , & Lampe, C. (2007). "The benefits of Facebook "Friends:" social capital and college students' use of online social network sites" Journal of Computer-Mediated Communication, 12 (4), 1143-1168.

19- www.bartarinha.ir/fa/news/218710

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

داخلی سایر دولت ها نباشند، و نیز چنانچه دولت های تحت تأثیر رسانه‌های فراملّی مدعی نقض استثنائات و محدودیت‌های آزادی بیان از سوی رسانه‌های فراملّی نبوده و بر این اعتقاد باشند که ورود رسانه‌های فراملّی مخل به نظم عمومی و ارزش های ملی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی آنان نمی باشد، از منظر حقوق بین الملل هیچگونه خدشه ای به اقدامات و نحوه عملکرد آن ها وارد نخواهد بود؛ اما چنانچه دولتی در صدد مقابله با برخورداری شهروندان خود از حق آزادی بیان و اطلاعات باشد از نظر بین المللی مسئول خواهد بود و نیز هنگامیکه رسانه‌های فراملّی استثنائات و محدودیت‌های حاکم بر حق آزادی بیان و اطلاعات را نقض کنند و مخل نظم عمومی و امنیت ملی دولت ها گردند، از آنجا که نقض حقوق بنیادین دولت ها –و از جمله حق حاکمیت و حراست از باورها و ارزش های حاکم بر جامعه- که در اسناد و مقررات بین المللی مورد توجه و احترام ویژه واقع شده است، در هر زمانی، تحت هر شرایطی، در قالب هر عنوانی و با هر وسیله ای که باشد نقض اصول و قواعد مسلم حقوق بین الملل تلقی می‌شود، تحقق نظام مسئولیت بین المللی برای دولت های دارای رسانه‌های فراملّی و متعرض به حقوق سایر دولت ها را در پی خواهد داشت.

گفتار اول: رسانه‌های فراملّی و حقوق بین الملل

بند اول: ماهواره[7] و حقوق بین الملل

قبل از دستیابی بشر به فضای ماوراء جوی و اجرام سماوی، وضعیت حقوقی فعالیت های انسانی در فضا بیشتر امری فرضی و تخیلی قلمداد می شد تا واقعیت علمی. با آغاز فعالیت انسان در فضای فراجو و شروع رقابت مدعیان فناوری های نوین و پیشرفته فضایی، قانونمند کردن و تهیه و تنظیم یک رژیم حقوقی پذیرفته شده، ذهن جامعه جهانی را به خود مشغول کرد. نخستین مسأله حقوقی که پیش از پدیدار شدن اختلافات ناشی از تهاجم فرهنگی برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره ها که بین کشورهای با فرهنگ های متفاوت بروز می کند، موضوع مهم تر حاکمیت کشورها بر فضای بالای سرزمینشان است. قبل از این، اصل حاکمیت دولت ها بر قلمرو زمینی، دریایی و هوایی و بر فضای بالای کشورشان، استفاده کشورهای دیگر از حریم هوایی آن ها را بدون اجازه بر نمی تابد. ولی ارسال امواج الکترومغناطیسی حامل برنامه های مخابراتی و رادیویی و تلویزیونی و عبور ماهواره ها که با اعتراض مؤثر هیچ کشوری روبه رو نشد، این اصل حقوق بین الملل را نادیده گرفت. کشورها عبور و فعالیت های مختلف ماهواره ها را بر فراز جو خاکشان، نقض حاکمیت خود نمی پنداشتند و حقوق بین الملل نیز به نوبه خود به شکل دادن قاعده ای پرداخت که به موجب آن فضای فراجو از حیطه حریم فضایی کشورها خارج می شد و حاکمیت کشورها بر فضای بالای سرشان تنها تا جو زمین قابلیت اعمال می یافت.[8] مطابق قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به شماره ۱۱۴۸: «ارسال هر شیء به فضای ماوراء جو باید منحصرا با اهداف صلح جویانه و علمی باشد». به پیروی از این قطعنامه، سازمان ملل متحد و یونسکو در نظری مشابه، در مورد گرفتن رضایت قبلی از کشوری که امواج ماهواره ای به درون قلمرو آن وارد می‌شود، از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به بحث و مذاکره پرداختند. سازمان ملل متحد به این جهت که در مقوله ماهواره ها نیاز به تحقیق و فعالیت را تشخیص داد، بر

---

[1] **Satellite**

[7] حسینی، سید ابراهیم، "برنامه های ماهواره ای در ارتباط با اصل حاکمیت دولت ها و[8] اصل آزادی اطلاعات"، مجله معرفت، شماره ۳۶، مهر و آبان ۱۳۷۹، ص ۵۸

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

اساس قطعنامه شماره (XIII) ۱۳۴۸ کمیته ای در مورد استفاده صلح جویانه از فضای ماوراء جو به نام «کوپیوس»[۴] ایجاد کرد.[۵] نظر این گروه این بود که اگر برنامه ای به داخل مرزهای یک کشور ارسال می گردد، باید رضایت قبلی دولت ذی ربط را تحصیل کرد و این رضایت می تواند از طریق انعقاد معاهده دوجانبه صورت پذیرد. مباحثات در ارتباط با پخش برنامه های ماهواره ای بسیار با بحث آزادی گردش اطلاعات و همچنین ارتباطات جهانی جدید مرتبط شده بود. این کمیته ۲ اصل اساسی را مورد تأیید رسمی قرار می دهد:

۱- فضای فراجو باید برای اهداف صلح آمیز به کار گرفته شود؛ و

۲- فضای فراجو میراث عمومی تمام بشریت است.[۲۱]

لازم به اشاره است که پیش نویس کنوانسیونی بین المللی نیز توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق به سال ۱۹۷۳ تقدیم کوپیوس گردید که در آن بر مسأله محتوای پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای و تحصیل رضایت صریح دولت گیرنده تأکید شده بود. یکی از نکات مهم طرح شوروی، نابودی و خنثی کردن ابزارهای پخش مستقیم ماهواره ای و حتی نابود کردن ماهواره فرستنده، در داخل یا خارج قلمرو کشور گیرنده بود.[۲۲] نتیجه تمام مباحثات کوپیوس به معاهده الزام آوری ختم نشد، ولی این تبادل نظرها زمینه ای شد تا مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه معروف (۳۷/۹۲)[۲۳] را به تصویب برساند که به نام قطعنامه «اصول حاکم بر استفاده دولت ها از ماهواره ها به منظور پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی» مشهور گشت.[۲۴] اصل صریحی که دولت ها را به کسب اجازه قبلی برای ارسال امواج ماهواره ای ملزم می کرد، متروک گشت. اما پاراگراف هشتم قطعنامه مزبور، دولت هایی را که در زمینه پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت داشتند را آگاه می نمود که برای فعالیت هایشان در مورد مذکور مسئولیت خواهند داشت. اصل رضایت قبلی جهت ارسال امواج ماهواره ای، اگرچه اصلی ناشناخته بود، ولی این اصل در پاراگراف ۱۳ قطعنامه ۳۷/۹۲ اشاره شده است: «دولت هایی که قصد ارسال و پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی را دارند، ملزم هستند که بدون تأخیر، دولت یا دولت هایی را که دریافت کننده برنامه های مذکور هستند، آگاه نمایند».[۲۵]

بند دوم: مقررات حقوقی ماهواره ها

---

[1] COPUOS

[2] در حال حاضر ۷۰ کشور عضو کوپیوس می باشند. کشور جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۵۹ عضو کمیته مذبور گردید

[2] ها"، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۶، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۵۶. بردبار، محمد حسن، "اصول حقوقی حاکم بر ماهواره

[2] علت مخالفت شوروی با پخش آزاد برنامه های ماهواره ای، نظام کمونیستی حاکم در این کشور بود که از ورود اندیشه های غربی و نظام سرمایه داری به داخل کشور به شدت واهمه داشت

[2] مورخ ۱۹۸۲

[2] **Oborne, Michael, Space 2030 TACKING SOCEITY'S CHALLENGES, ORGANIZATION FOR ECONOMIC CO-OPERATION AND DEVELOPMENT © OECD,February, 2005, p.174.**

[2] **GA/A/RES/37/22, Principles Governing the Use by States of Artificial Earth Satellites for International Direct Television Broadcasting, 10. December. 1982, Para. 13**

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

اولین ماهواره (قمر مصنوعی) در ۴ اکتبر ۱۹۷۵ م. به مدار کره زمین پرتاب شد و از آن زمان به بعد ماهواره های متعددی از فضای کشورها عبور کرده است. در طول سالیان دراز هنوز هیچ دولتی به این کار اعتراض نکرده است. رفتار دولت های پرتاب کننده ماهواره ها به دلیل عدم اعتراض دول دیگر موجب به وجود آمدن قاعده جدیدی در حقوق بین الملل شده است که بر اساس آن می توان گفت: «دولت ها حق دارند ماهواره های خود را به فضای قلمرو دولت های دیگر بفرستند و بدین روی، قواعد حقوقی فضا با قواعد حریم هوایی دولت ها فرق دارد». با وجود این، چنین نبوده است که فضای ماورای جو فاقد هرگونه قاعده و مقرراتی باشد. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۲ در قطعنامه شماره ۲۹۱۶ (XXVII) خود، بر لزوم تدوین اصول حاکم بر نحوه استفاده کشورها از ماهواره های زمینی برای پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی تأکید نمود. همچنین در قطعنامه های بعدی، از جمله در قطعنامه شماره ۳۶/۳۵ خود[۶] مقرر کرد تا در سی و هفتمین اجلاس سازمان ملل متحد، توافقی در زمینه پیش نویس اصول حاکم بر چگونگی استفاده کشورها از ماهواره های زمینی برای پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی در سطح بین المللی به عمل آید. این تلاش ها منجر به تدوین اصولی شد که در ذیل به آن ها اشاره می‌شود:

ـ بر اساس مواد ۱ و ۲ و ۳، فضای باز برای بهره برداری و استفاده کلیه دول آزاد است... اکتشاف و استفاده از فضا باید با توجه به منافع همه دولت ها صورت گیرد... و کار آن ها مطابق با قواعد حقوق بین الملل باشد؛

ـ فعالیت ها در زمینه پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی در سطح بین المللی با استفاده از ماهواره، باید به روشنی انجام گیرد که با حق حاکمیت کشورها، از جمله اصل عدم مداخله و نیز حق هر کس برای جست و جو، دریافت و رساندن اطلاعات و نظرات (چنان که در اسناد سازمان ملل محترم شمرده شده است) منافات نداشته باشد؛

ـ چنین فعالیت هایی باید مشوق نشر آزاد و مبادله دو طرفه اطلاعات و دانش در زمینه های فرهنگی و علمی باشد، به توسعه برنامه های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی و بویژه در کشورهای در حال توسعه کمک کند، کیفیت زندگی همه انسان ها را ترقی دهد و با احترام به تمامیت حقوق سیاسی و فرهنگی کشورها، برنامه‌های سرگرم کننده ای پخش کند؛

ـ این فعالیت ها باید مطابق روش سازگار با توسعه تفاهم دوجانبه و تقویت روابط دوستانه و همکاری صمیمانه بین همه کشورها و مردم، در راه حفظ صلح و امنیت بین المللی انجام شود؛

ـ فعالیت های پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی در سطح بین المللی با استفاده از ماهواره، باید مطابق با حقوق بین الملل از جمله منشور سازمان ملل متحد، پیمان اصول حاکم بر فعالیت های کشورها در اکتشاف و استفاده از فضای فراجو، از جمله ماه و سایر سیاره های خاکی[۷] و مقررات مربوط به کنوانسیون ارتباطات

---

6 به تاریخ ۱۸ نوامبر سال ۱۹۸۱

7 مصوب ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

بین المللی و مقررات رادیویی آن و اسناد بین المللی مربوط به ایجاد روابط دوستانه و همکاری در میان کشورها و حقوق بشر باشد.

تذکر: پخش «تلویزیون ماهواره» دارای همان ویژگی های تلویزیون است، با توانمندی بیشتر در میزان قلمرو حرکت گسترده تر پیام. از این رو آنتن های بشقابی برای دریافت برنامه های تلویزیونی ماهواره ای یک وسیله ارتباط جمعی جدید به حساب نمی آید، بلکه گسترش قابلیت هاست. بنابراین اگر بخواهیم به آثار مسأله آنتن های ماهواره ای از حیث محتوای برنامه ها در یک کشور بیندیشیم، قطعا باید ابتدا به تلویزیون در آن کشور و وضعیت و جایگاه این جعبه سحرآمیز در آن جامعه توجه کنیم.

بند سوم: اینترنت[1] و حقوق بین الملل

زمانیکه استفاده از اینترنت فراگیر شد، سوء استفاده و اعمال مجرمانه از آن هویدا گشت. کارهای غیر اخلاقی و اعمال نژاد پرستانه، گوشه ای از افعال مذمومی است که از طریق اینترنت انجام می‌شود. به اعتقاد بسیاری؛ اکنون اینترنت فرصتی استثنایی جهت سوء استفاده، فعالیت های جاسوسی، پولشویی، اذیت و آزار جنسی، کلاهبرداری، اخبار دروغ و.... است.[2]

درباره نظارت بر اینترنت مکررا اظهار نظر شده است که ماهیت اینترنت، ماهیت و هویتی جهانی است؛ به این سبب است که دانشمندان علم حقوق متقاعد گشته اند که اینترنت احتیاج به مقرراتی جهانی دارد. آنتونیو سراگو سرانو[3] بر این اعتقاد است که: «اگر فضای اینترنت بدون ساختار حقوقی باشد، عملا این فضا مستعد برای انجام جرایم مختلفی خواهد شد». وی برای قانونی کردن اینترنت پیشنهاد می کند که از قوانین ملی، حقوق عرفی و حقوق بین الملل که می تواند برای اینترنت مفید باشد استفاده کرد.[4] جوان کیوربالیجا[5] نیز بر این باور است که: «فضای اینترنتی هرج و مرج است و فعالیت های مجرمانه ای مانند هک کردن سایت ها، روز به روز شدت می یابد و همچنین برخورد بسیاری از دولت ها با اینترنت مناسب نیست و آن ها نمی توانند به خوبی اینترنت را کنترل کنند و فقدان قواعد بین المللی عامل الشمول یقینا حس می‌شود».[6] در همین راستا تلاش هایی در جامعه جهانی صورت گرفته است که از جمله می توان به کوشش شورای اروپا[7] جهت قانونمند کردن فعالیت ها در اینترنت اشاره کرد.[8] در حال حاضر تنها

---

[1] **Internet**
[2] **Selwyn, Neil, A Safe Heaven for Misbehaving?: An Investigation of Online Misbehavior Among University Students, Social Science Computer Review, 2008, p.448.**
[3] **Antonio Seragua Serrano**
[4] **Seragua – Serrano, Antonio, ((Internet Regulation and the role of International Law)), Max Planch Year book of United Nations Law, volume 10, 2006, p. 200.**
[5] **Jovan Kurbalija**
[6] **Kurbalija, Jovan, ((INTERNET GOVERNANCE AND INTERNATION LAW)), Reforming Internet Governance: Perspectives from WGIG, 2001, p. 107.**
[7] **European Council**
[8] **Sturges, Paul, ((The Council of Europe, Freedom of Expression and Public Access to networked Information)), IFLA Journal, 26, 2000, p.281.**

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

کنوانسیونی که مستقیما با اینترنت مرتبط است، کنوانسیون جرایم سایبری شورای اروپاست. شورای اروپا در خصوص این کنوانسیون اظهار می دارد که: «کنوانسیون جرایم سایبری، علی رغم اینکه چارچوب حقوقی به اینترنت می‌دهد اما برای قانونمند کردن اینترنت کافی نیست».[1] مقررات و قواعد دیگری همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز -با تفسیری موسع- مناسباتی با اینترنت پیدا می کند.

بند چهارم: حقوق رسانه‌ها به مثابه حقوق بشری

قبل از ظهور تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات، دولت های مبتنی بر حقوق، رفته رفته خود را ملزم کرده بودند تا به منظور هر چه شفاف تر کردن عملکردهای خویش، اطلاعات گوناگونی از جمله در زمینه امور اداری یا در زمینه هایی که به منافع عمومی مربوط می شوند را به مردم بدهند. بطور نمونه، دیوان اروپایی حقوق بشر[2] در سال ۱۹۷۸، در رأی بسیار معروفی درباره اطلاعات راجع به قضایایی که به منافع عمومی مربوط می شوند و دادگاه ها باید در مورد آن ها حکم صادر کنند نظر می دهد که: «وسایل ارتباط جمعی، نه تنها وظیفه دارند چنین اطلاعاتی را به مردم برسانند، بلکه مردم حق دریافت این گونه اطلاعات را دارا هستند».[3]

بنابراین حق مطلع شدن یا حق برخورداری از اطلاعات که عده ای از متخصصان حقوق از آن بعنوان حقوق جدید بشری نام برده اند، قبل از شکل گیری روند جامعه اطلاعاتی مطرح بوده است. حقوق رسانه‌ها نشأت گرفته از حقوق بشر است و در حقیقت رسانه‌ها برای اثبات مشروعیت فعالیت خود به حقوق بشر متوسل می شوند. همانطور که کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۹ حق رسانه‌ها را همان حقوق بشر قلمداد می کند. کمیته اظهار می کند که: «این حق رسانه‌ها است که بتوانند آزادی بیان داشته باشند و منشاء حق را ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می داند که اختصاص به آزادی بیان دارد».[4]

الف) شمول حقوق رسانه: حقوق رسانه‌ها شامل دو حقی می‌شود که جزء حقوق بنیادین بشر محسوب می شوند:

۱- حق آزادی بیان؛ ۲- حق دریافت اطلاعات و گردش آزاد اطلاعات.[5]

---

[1] **CE, Recommendation Rec, 16 of the committee of Ministers to member states on the right of reply in the new media environment (Adopted by the committee of Ministers on 15. December. 2004, at the 909th meeting of the Ministers Deputies), Para. 13**

[2] **ECHR**

[3] **ECHR, Frand GEERK v/s SWITZERLAND, APPLICTION/REQUETE no 7640/76, DECISION OF 7 MARCH 1978 on the admissibility of the application, no 7640/76**

[4] **HRC, Ninety–Seventh Session 12-30, October. 2009, CPR/C/MDA/CO/2/4 Novermber. 2009, Para. 26**

[5] **M. Graham, Lorie, A RIGHT TO MEDIA?, COLUMBIA HUMAN RIGHTS LAW REVIEW, 2010, p. 442.**

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

رسانه‌های فراملّی نیز طبیعتا به حق آزادی بیان و آزادی اطلاعات نیاز مبرم دارند و بدون در نظر گرفتن حقوق مذکور، فعالیت رسانه‌ها نمی تواند قانونمند باشد.[1]به عبارت دقیق تر استفاده رسانه مستلزم آزادی بیان و آزادی اطلاعات است که امری حیاتی برای رسانه‌های آزاد است. حق هر رسانه ای است که آزادی گردش اطلاعات و آزادی بیان داشته باشد، زیرا این امر می تواند کمک شایانی به دموکراسی کند.[2]آزادی بیان و اطلاعات در جوامع معاصر از اهمیت خاص روزافزون برخوردار شده است و به همین لحاظ متون حقوقی جدید بین المللی، بر این اهمیت تأکید دارند. بعنوان مثال: اعلامیه مربوط به آزادی بیان و اطلاعات، مصوب کمیته وزرای شورای اروپا در سال ۱۹۸۲، در این مورد مقرر می دارد: «آزادی بیان و اطلاعات، برای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر انسان ضروری است و شرط پیشرفت هماهنگ گروه‌های اجتماعی و فرهنگی، ملت ها و جامعه بین المللی، به شمار می رود».[3]

۱- مفهوم آزادی بیان

بیان در لغت به معنی فصاحت و زبان آوری است[4]و در مباحث حقوقی، آزادی بیان عبارت است از: «آزادی افراد یک کشور در اظهار اندیشه و نظر و خطابه، بدون ترس از دخالت برخی از سازمان های دولتی». این آزادی محدود است تا هر کس نتواند از آن سوء استفاده کند و به دیگران تهمت ناروا بزند.[5]به عبارت دیگر آزادی بیان و اندیشه حقی است که تکلیفی بر آن بار است و اعمال این حق باید به گونه‌ای باشد که موجب اضرار به غیر نشود. اما آنچه مهم است این است که ایجاد محدودیت‌ها باید بر اساس جامعه دموکراتیک و قانون باشد تا با اعمال بیش از حد محدودیت‌ها موجب تضییع این حق از حقوق ملت نشود.

۲- مفهوم حق آزادی بیان

حق آزادی بیان یکی از مهم ترین و بنیادی ترین حقوق بشر و از زمره حقوق مدنی و سیاسی و به اصطلاح نسل اول حقوق بشر است که در بسیاری از اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است.[6]آزادی بیان صرفا منحصر به آزادی سخن گفتن و سخنرانی نمی‌شود، بلکه به صور مختلف جلوه گر می‌شود. «بیان» عبارتست از بروز تبلور اندیشه ها، تفکرات و عقاید اشخاص به هر شکل ممکن و اینگونه تبلور مکنونات ذهنی انسان می تواند به شکل نوشتن، هنر، سخنرانی کردن و... تجلی یابد. بنابراین

---

[1] **Clinton, orla, number 2, ((The role of media in war and peace)), published by the life & peace Institute, Volume 8, 2003, p.6**

[2] **Okello – Orlale, Rosemary, ((The Role of Media in Promoting Access to Information and Serving as a Public Watchdog)), African Woman and Child Feature Sevice, 2008, p. 2**

[3] **CM, DECLARATION ON THE FREEDOM OF EXPRESSION AND INFORMATION (Adopted by the committee of Ministers on 29. April. 1982, at its 70th session), P. 444**

[4] دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، جلد ۳۲، ۱۳۷۳، ص ۴۴۶۴.

[5] جاسمی، محمد و بهرام، فرهنگ علوم سیاسی، جلد اول، انتشارات گوتنبرگ، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۵۳.

[6] قراچورلو، رزا، "حق آزادی بیان در نظام بین‌المللی و در قانون اساسی ج.ا.ا"، مجله کانون وکلا، شماره ۲۵و۲۶، تیر ۱۳۸۴، ص ۴۴.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

حق آزادی بیان فقط در معنای خاص آن یعنی سخن گفتن و آزادی کلام به کار نمی رود، بلکه مصادیق گوناگونی از جمله حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به تکنولوژی های جدید اطلاع رسانی از جمله اینترنت و دیگر شبکه های خبری، حق دسترسی به ماهواره، حق آزادی بیان در قالب آثار ادبی و هنری (نقاشی، فیلم، سینما و تئاتر)، حق آزادی مطبوعات و حق تبلیغات تجاری را نیز شامل می گردد که در پرتو اسناد بین المللی و رویه بین المللی سعی شده است مصادیق مهم و اصلی آن آشکار گردد. در واقع آزادی بیان در مفهوم عام خود تحت عبارت (Freedom of Expression) به کار می رود.[1]

۳- مفهوم حق آزادی بیان و عقیده در اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوقی بشر مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات فردی آزاد باشد».[2]

٤- حق دسترسی به اطلاعات

دسترسی به اطلاعات اعم است از «جستجو»، «دریافت» و «رساندن اطلاعات» که هم در اسناد و هم در رویه بین المللی بر آن تأکید و بعنوان جزء لاینکف آزادی بیان پذیرفته شده است. این حق مشتمل بر دسترسی به انواع اطلاعات، نظیر اطلاعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، محیط زیستی و حتی اطلاعات مربوط به سیستم نظامی می باشد.[3]اساسا باید ذکر کرد که دسترسی به اطلاعات حق مطلقی نیست و نمی توان چنین تصور کرد که حق مزبور مخصوص شهروندان و اتباع یک کشور یا عموم افراد (تبعه و غیرتبعه) است. حق مذکور بستگی به این دارد که در زمره حقوق بشر محسوب شود، یا در زمره حقوق شهروندی. کشورهایی که حق دسترسی به اطلاعات را در زمره حقوق بشر می دانند، بدون هیچگونه تبعیضی (بر اساس تابعیت یا محل اقامت و یا محل سکونت) حق دسترسی همگانی به اطلاعات را شناسایی کرده اند. ولی کشورهایی که این حق را خاص شهروندان می دانند، برای اتباع خارجی چنین حقی قائل نیستند و تنها به اتباع خود حق دسترسی به اطلاعات را می دهند. با این حال، اتباع خارجی برای دفاع از حقوق خود، با مراجعه به محاکم یا مراجع اداری کشوری که در آنجا حضور دارند، می توانند از این حق برخوردار شوند.[4]

---

[1] رضایی نژاد، ایرج، "آزادی بیان در نظام بین‌المللی حقوق بشر"، مجله کانون وکلا، شماره ۸، آذر و دی ۱۳۸۰، ص ۴۶؛ و نیز، قراچورلو، رزا، پیشین، ص ۴۸.

[2] مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

[3] رضایی نژاد، ایرج، پیشین، ص ۲۶

[4] انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، مؤسسه انتشارات دادگستر، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷، صص ۸۳-۸۴.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

ب) حقوق بین الملل و حق آزادی بیان و اطلاعات

۱- مبانی آزادی اطلاعات در حقوق بین الملل

در اسناد معتبر بین المللی نیز همین وضع برقرار است. برای مثال ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه[1] می گوید: «آزادی تبلیغ افکار و عقاید، یکی از گرانبهاترین حقوق بشری است. هر عضو جامعه مجاز است که آزادانه هرچه بخواهد بگوید و بنویسد و طبع کند، مگر اینکه از این آزادی سوء استفاده کند، که در این صورت به نحوی که قانون معین کرده است مسئول خواهد بود». گذشته از این اعلامیه که پیش از تأسیس سازمان ملل متحد به این اصل تصریح کرده و از نظر تاریخی بسیار مهم و مؤثر بوده است، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در نخستین اجلاس عمومی خود در سال ۱۹۴۶، یعنی دو سال قبل از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، در قطعنامه شماره ۵۹ اعلام کرد که: «آزادی اطلاعات یک حق بشری می باشد و سنگ محک همه آزادی هایی است که جوامع بشری آن ها را مقدس می شمارند؛ آزادی اطلاعات مستلزم حق جمع آوری، انتقال و انتشار اخبار در هر کجا و همه مکان ها، و بدون قید و بند می باشد. همچنین آزادی اطلاعات عامل اساسی هر تلاش جدی جهت ارتقاء صلح و پیشرفت جهان است؛ آزادی اطلاعات بعنوان رکنی ضروری نیازمند رضایت و ظرفیت، جهت بکار بستن امتیازات و مزایای آن بدون سوء استفاده می باشد. آزادی اطلاعات بعنوان دانشی بنیادین نیازمند تعهد اخلاقی به منظور جستجوی حقایق بدون جهت گیری و انتشار دانش بدون نیت بدخواهانه می باشد؛ درک و همکاری در بین ملت ها بدون اخطار و صدای افکار عمومی جهان که بطور منظم و تماما وابسته به آزادی اطلاعات می باشد، غیر ممکن است».

۲- کنفرانسی جهانی برای آزادی اطلاعات

مجمع عمومی همچنین در قطعنامه شماره ۵۹ به سال ۱۹۴۶، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد را مأمور کرد تا به سرعت و قبل از پایان سال ۱۹۴۷، کنفرانسی جهانی در خصوص آزادی اطلاعات برپا کند. طبق بند «الف» قطعنامه مذکور: «هدف کنفرانس می بایستی که بیان واضح نگرش های کنفرانس، با تمرکز بر حقوق، تعهدات و اقداماتی باشد که لازم است در مفهوم کلی آزادی اطلاعات در نظر گرفته شود». همچنین به دستور بند «ب» این قطعنامه: «هیأت های نمایندگی در کنفرانس می بایست شامل افراد شاخص که در مطبوعات، رادیو، تصاویر متحرک و دیگر رسانه‌ها مشغول هستند و یا دارای تجربه می باشند، جهت انتشار اطلاعات باشد». این کنفرانس در سال ۱۹۴۸ در ژنو تشکیل شد و سه طرح مقاوله نامه تحت عناوین: (۱- مقاوله نامه جمع آوری و پخش بین المللی اخبار، ۲-مقاوله نامه حق بین المللی تصحیح و ۳-مقاوله نامه بین المللی کسب اطلاعات) تهیه و تقدیم داشت، که دو طرح اول در سال ۱۹۴۹ به تصویب مجمع عمومی رسید، و طرح سوم در سال ۱۹۶۲ به صورت اعلامیه توسط شورای اقتصادی و اجتماعی

---

[1] مصوب ۱۷۸۹

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

صادر و اعلام گردید. در هر صورت بر اثر درک اهمیت آزادی اطلاعات بعنوان «عامل اساسی هر تلاش جدی جهت ارتقای صلح و پیشرفت جهان» بود که این موضوع بعنوان یکی از مهم ترین نیازها و حقوق انسان ها، در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر[1] به شرح زیر به رسمیت شناخته شد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد».

۳- گردش آزاد اطلاعات و حق آزادی اطلاعات

«آزادی اطلاعات»[2] یکی از مباحث مهمی است که در عرصه مبانی نظری و فلسفه اطلاعات همواره حائز اهمیت بوده و در تعامل با مؤلفه های سیاسی و تأثیر ابعاد حقوقی، مورد توجه صاحب نظران مباحث رسانه و اطلاعات قرار داشته است. امکان دسترسی آزاد و بدون مانع اطلاعات، یکی از محورهای بحث اندیشمندان اطلاعات بوده است. این حوزه مطالعاتی با تکیه بر مبنای دموکراسی و آزادی های مدنی در جوامع غربی تقریبا از دهه ۱۹۷۰ و بویژه در اوایل دهه ۱۹۸۰ مورد توجه جدی واقع شد. مطرح شدن مباحث جدید آزادی اطلاعات بخصوص در عرصه رسانه‌های گروهی (فراملّی) و جریان آزاد اطلاعات به شکل یک برنامه جهانی، در سه دهه اخیر رشد بی سابقه ای داشته است. از آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات[3] به «اکسیژن» دموکراسی تعبیر شده است. در حقیقت این آزادی و حق، نه تنها ضامن تحقق دموکراسی بلکه پیش نیاز و شاخص آن به شمار می روند. این یک بحث تازه نیست و ریشه در تطور جامعه نوین دارد.[4] هر فرد انسانی حق دارد که بگوید و بشنود، بنویسد و بخواند و در یک کلام «اطلاعات» بگیرد و «اطلاعات» بدهد و یا به عبارت دیگر «ارتباط» برقرار کند. به بیان روشن تر، مقصود از آزادی اطلاعات آن است که: «هر انسان این اختیار را دارد که پیام های دارای مفهوم را انتقال دهد یا دریافت نماید. البته لزوما در چنین رابطه ای نباید هر پیام برای دو طرف رابطه دارای مفهوم باشد تا بتوان آن را مشمول مقررات حقوق بشر دانست، بلکه صرف حق انتقال پیام است که آن را در زمره حقوق بنیادین حمایت شده طبق این مقررات قرار می دهد». بحث آزادی اطلاعات ناظر بر یک رابطه دوسویه است؛ یعنی دریافت اطلاعات از یک طرف و انتقال اطلاعات از طرف دیگر، و این مهم با رسانه‌های نوین فراملّی محقق گشته است. تکنولوژی اطلاعات و ارتباطاتی جدید به واسطه اینترنت تبلور یافته اند و به طرز شگفت انگیزی محیط اطلاعاتی را تغییر داده اند. آن ها ابزارهای قدرتمندی جهت انتقال اطلاعات هستند و با وجود این رسانه‌ها، دسترسی تمام افراد به اطلاعات ممکن خواهد بود. رسانه‌های جدید فراملّی، استعداد شگرفی در انتشار

---

[1] مصوب دسامبر ۱۹۴۸

[2] **Freedom of Information**

[3] **Right to Access to Information**

[4] نمک دوست تهرانی، حسن، "آزادی اطلاعات و حق دسترسی، بنیان دموکراسی"، مجله مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره ۴۲، بهار ۱۳۸۳، ص ۶۴.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

اطلاعات دارند.[1] اکثر مردم نمی دانند که حق دسترسی به اطلاعات را دارند و از این حق بهره مند نمی‌شوند. رسانه‌های فراملّی می توانند اطلاعات را به مردم بدهند و به نوعی واسطه انتقال این حق به مردم شوند.[2]

٤- ضرورت های وجود حق آزادی بیان و اطلاعات

یکی از دلایل اصلی ضرورت وجود آزادی بیان، رابطه ای است که بین آزادی بیان و دموکراسی وجود دارد و حقیقتا اگر آزادی بیان نباشد، دموکراسی ناقص است. قوانین آزادی بیان و اطلاعات صرفا وسیله ای جهت تضمین حق آزادی بیان و اطلاعات نیست، بلکه حقوق مذکور همچنین ضمانت اجرایی برای آزادی رسانه‌هایی مانند ماهواره، اینترنت و.... می باشد که مردم بتوانند از آن ها استفاده کنند.[3] امروزه وجود رسانه‌های فراملّی نوین، دولت ها را واداشته است که به دقت مواظب فعالیت ها، اظهارات و خط مشی سیاسی خود باشند و می دانند هر عمل آن ها به دقت مورد بررسی قرار می گیرد و طبیعتا منعکس خواهد شد. دولت ها زمانیکه در اعمال خود ریا و فریبکاری می کنند، به سرعت اعتبار خود را در جوامع بین المللی از دست می دهند.[4] با توجه به مطالب مذکور می توان مهم ترین ضرورت های وجود حق آزادی بیان و اطلاعات را به شرح ذیل بیان کرد:

ـ شفافیت سازی حکومت

ـ دولت مبتنی بر حقوق

ـ آزادی اطلاعاتی و تحقق مفهوم شهروندی

ـ جامعه اطلاعاتی دموکراتیک، مبتنی بر آزادی بیان

٥- اهمیت و آثار اصل آزادی اطلاعات

گذشته از انگیزه های این نامگذاری، و با چشم پوشی از برخوردهای چندگانه ای که مجامع مدعی حمایت از آزادی مطبوعات تا کنون از خود نشان داده اند، بی‌تردید نقطه شروع همه مباحث ماهوی که پیرامون حقوق ارتباطات و رسانه‌ها طرح شده یا می‌شود، اصل آزادی اطلاعات است. اصل مذکور به این معنا است که: «قبول کنیم تمام فرایند برقراری ارتباط، از دسترسی به اطلاعات گرفته تا انتشار آن، قاعدتا مجاز و

---

[1] **Yushkiavitshus, Henrikas, ((Intellectual Freedom in Libraries in Eastern Europe)), IFLA Journal, 26, 2000, p. 289**

[2] **Carver, Richard, Freedom of information: TRAINING MANUAL FOR PUBLIC OFFICIALS, Lancaster House, ARTICLE 19 GLOBAL Campaign for Free Enpression, 2004, p. 26.**

[3] **Berger, Guy, Freedom of Expression, Access to Information and Empowerment of people,©UNESCO, 2009, p. 86.**

[4] **M. Lord, Kristin, The Perils and Promise of Global Transparency, state University of New York Press, 2006, p.106.**

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

بی‌نیاز از آن است که از سوی قانونگذار جواز انجام آن بطور خاص اعلام شود». این محدودیت‌ها و ممنوعیت ها هستند که باید اعلام شوند؛ نه برعکس.

٦- جایگاه اصل آزادی اطلاعات و برنامه های ماهواره ای

نوعی از آزادی که امروزه در اکثر نقاط زمین از حداکثر ترویج و تبلیغ برخوردار گشته، «آزادی بیان و تبلیغ» است. شاید بتوان گفت چشمگیرترین جمله ای که درباره این آزادی گفته شده همان جمله معروف نقل شده از ولتر[1] است که گفته: «من با این سخنی که تو می گویی مخالفم، ولی حاضرم بخاطر اینکه تو این سخن را آزادانه بیان کنی زندگی خود را از دست بدهم».

یکی از حقوقی که بر مبنای آزادی، در اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر شده همین حق است. اما آیا آزادی در کسب اطلاعات و افکار و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، مطلقا بدون هیچ محدودیتی به رشد و شکوفایی جوامع کمک خواهد کرد؟ و آیا نباید نسبت به آن هیچ ممنوعیتی اعمال داشت؟ یا اینکه آزادی مطلق در هیچ زمینه ای معقول نیست، بلکه از نظر حقوقی با توجه به اصل حاکمیت دولت ها که یکی از اصول اساسی منشور ملل متحد و نیز در روابط بین المللی است، ارسال اطلاعات به نحو اطلاق، چه بسا ممکن است منافی با حاکمیت بوده و باید در انتشار آن، محدودیت‌های جغرافیایی و رضایت دولت های گیرنده برنامه ها از قبل اخذ شده باشد؟

گفتار دوم: استثنائات و محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات

شاید در هیچ نظام حقوقی متمدنی نتوان از حق، بدون توجه به تکلیف سخن گفت. هر حقی تکلیفی به دنبال خود دارد و هر اختیاری در برگیرنده مسئولیت یا مسئولیت هایی است؛ بعنوان مثال می گوییم هر کس می تواند آنچه مایل است بگوید، مشروط بر آنکه سخنانش نظم عمومی یا امنیت را مختل نکند. به طریق اولی این ادعا برای رسانه‌های فراملّی نیز صدق می کند و آن ها هم نمی توانند به صورت مطلق برنامه های خود را ارائه بدهند. رسانه‌های فراملّی می توانند از حق آزادی بیان و اطلاعات برخوردار شوند، در نتیجه رسانه‌های مذکور تکلیف و مسئولیت هایی که از حق آزادی بیان و اطلاعات بر آن ها وارد می‌شود را نیز باید رعایت کنند، لذا محدودیت‌هایی بر حقوق رسانه‌های فراملّی (حق آزادی بیان و اطلاعات) وارد است.

کمیته وزرای شورای اروپا در اعلامیه سال ۲۰۰۴ اظهار می دارد: «که حق آزادی بیان وظایفی را نیز به رسانه‌ها تحمیل می کند که رسانه‌ها باید آن را رعایت کنند». شورای اروپا این وظایف را همان محدودیت‌های آزادی بیان می داند و از رسانه‌ها می خواهد که آن حقوق را نقض نکنند.[2] اسناد حقوق بشری، حق آزادی بیان و اطلاعات را ذکر کرده اند و این حقوق در نص صریح این اسناد آمده اند. اسناد

[1] **Wolter**

[2] **CM, Declaration on freedom of political debate in the media (Adopted by the committee of Ministers on 12. February. 2004, at the 872nd meeting of the Ministers'Deputies), Para. 2**

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

حقوق بشری اساسا حقی را بدون تکلیف و مسئولیت نمی دانند و این تکلیف و مسئولیت را برای حق آزادی بیان و اطلاعات نیز لحاظ کرده اند؛ این تکالیف و مسئولیت ها همان محدودیت‌های وارده بر آزادی بیان و اطلاعات است. شرایط مشروعیت محدودیت‌ها بسیار مسأله مهمی است. اگر بر حقی استثنائات و محدودیت‌هایی لحاظ می‌شود، باید آن محدودیت‌ها قانونی باشد و محدودیت‌هایی که خارج از قانون باشد به اصطلاح نامشروع قلمداد می‌شود.

بند اول: محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات در اسناد عام و منطقه ای حقوق بشر

اسناد حقوق بشری، هر کدام محدودیت‌هایی را برای آزادی بیان و اطلاعات لحاظ کرده اند و هیچکدام از آن ها حقوق مذکور را به صورت مطلق قلمداد نکرده اند. اولین موضوعی که در ارتباط با محدود ساختن حق آزادی بیان و اطلاعات جلوه گر می‌شود، تزاحم حقوق مذکور با دیگر حقوق بنیادین است.[1] با استناد به اسناد حقوق بشری و همچنین با رجوع به رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، می توان به ابهاماتی که در خصوص حق آزادی بیان و اطلاعات وجود دارد و پرسش هایی را ایجاد می کند که حقوق مذکور در چه مرتبه ای نسبت به حق های دیگر قرار دارد، مطالب زیر را ذکر کرد؛[2]

آزادی بیان و سایر آزادی های حقوق بشری، همه از ارزش حقوقی برخوردارند؛[3] بنابرین تا حد امکان باید نوعی همزیستی و تعادل میان تمام این حقوق برقرار گردد. به عبارت دیگر تا آنجاکه ممکن است، باید آزادی هایی را که می توانند با یکدیگر در تناقض باشند، به صورت موازی هم تأمین کرد و میان آن ها تعادل ایجاد نمود. اما اگر این تعادل محقق نگردید و بطور نمونه از طریق آزادی بیان، یکی از حقوق و ارزش های یاد شده نادیده گرفته شد، در آن هنگام می توان این آزادی را محدود کرد. هرچند در جامعه دموکراتیک، این امر به آسانی امکان پذیر نیست و منوط به فراهم بودن شرایط خاصی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۲ ماده ۲۹ خود، به مسأله تزاحم و تعارض حق ها با یکدیگر و محدود کردن آن ها پرداخته است. بند ۲ این ماده مقرر می دارد: «هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون، منحصرا به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی های دیگران، و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است». به عبارت دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، خود محدودیتی به حقوق بشر وارد نمی کند، بلکه آن را به قوانین داخلی وا می گذارد. این رویه در اسناد حقوق بشری، پس از اعلامیه مذکور به چشم نمی خورد. در واقع به نظر می رسد طراحان این اسناد برای جلوگیری از سوء

---

[1] **Callamard , Agnes, June., ((Freedom of speech and offence: why blasphemy laws are not the appropriate response, Equal voices)), the magazine of the European Monitoring Centre on Racism and Xenophobia, Issue 18, 2006, p.2.**

[2] **Sturges, Paul, ((The Council of Europe, Freedom of Expression and Public Access to networked Information)), IFLA Journal, 26, 2000, p. 7.**

[3] قابل ذکر است که حقوقی مانند حق حیات، ممنوعیت بردگی، ممنوعیت شکنجه و... (ذکر شده در بند ۲ ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی) جزء حقوق بنیادین و غیر قابل تعلیق بشری محسوب می شوند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

استفاده دولت ها، در صدد برآمدند تا خود نیز محدودیت‌های وارد بر آزادی ها را به صراحت احصاء نمایند. برای مثال: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند سوم ماده نوزدهم خود در میان محدودیت‌های آزادی بیان، چنین مقرر می کند:

الف- احترام حقوق یا حیثیت دیگران

ب- حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی

در ماده ۲۰ میثاق یاد شده نیز برخی محدودیت‌ها برای آزادی بیان پیش بینی شده اند. متن ماده اخیر به این قرار است:

ـ هرگونه تبلیغ برای جنگ، به موجب قانون ممنوع است

ـ هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی، که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است.

کنفرانس عمومی یونیسکو[1] در اجلاس بیستم خود در سال ۱۹۷۸ از «نقش رسانه‌های جمعی» برای مقابله با جنگ های تهاجمی، نژاد پرستی، آپارتاید و گونه های دیگر نقض حقوق بشر که بواسطه تبعیض و تعصب و جهالت بوجود آمده است، با روشنگری در زمینه تبیین اهداف، خواست ها، آرمان ها، فرهنگ ها و نیازهای همه مردم سخن گفت. اما صرف آگاهی نسبت به حقوق بشر برای تضمین عدم نقض آن کافی نمی‌باشد. مسئولیت دوم و عمده رسانه‌های جمعی باید این باشد که موارد نقض حقوق بشر را آشکار نموده و محکوم نمایند. افرادی که در رسانه‌های جمعی فعالیت می کنند باید این اشتیاق را داشته باشند که خودشان را در زمره نیروهایی که برای توسعه، حمایت و حفاظت از حقوق بشر مبارزه می کنند محسوب نمایند.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز تکالیف و مسئولیت هایی را بر آزادی بیان و اطلاعات لحاظ می کند.

- بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون، چنین مقرر می دارد:

«۲- به کار بستن این آزادی ها (آزادی بیان و اطلاعات) همراه تکلیف و مسئولیت هایی است. این تکالیف و مسئولیت ها ممکن است تابع برخی تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا ضمانت های اجرایی که در قانون پیش بینی شده است و در یک جامعه دموکراتیک برای اقدامات بایسته برای امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی، دفاع از نظم و پیشگیری از جنایت، پاسداری از سلامت یا اخلاق، پاسداری از آبرو و حیثیت یا حقوق دیگران، و نهایتا حفاظت از اطلاعات محرمانه به کار برود، باشد». محدودیت‌هایی که برای آزادی بیان در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ذکر شده است، به استثنائات و محدودیت‌های مندرج در بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بسیار مشابهت دارد.

- بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، چنین مقرر می دارد:

---

[1] **UNESCO**
سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

«برخوردار شدن از حق (آزادی بیان) بدون مداخله دیگران امری ضروری است، اما این حق بدون تکلیف و مسئولیت نمی باشد. البته اعمال محدودیت بر این حق باید ضروری باشد و به وسیله قانون صراحتا پیش بینی شده باشد. محدودیت‌هایی که وارد بر حق آزادی بیان است، از این قرار است:

الف- احترام به حقوق و حیثیت دیگران

ب- حمایت از امنیت ملی، حمایت از نظم عمومی، سلامت عمومی و اخلاق.

- همچنین بند پنجم ماده مذکور اشعار می دارد:

«هر نوع تبلیغ برای جنگ ممنوع است و همچنین هر نوع ترویج نفرت ملی، مذهبی و نژادی ممنوع است و تخطی از آن ها با کیفر توسط قانون باید پاسخ داده شود».

منشور آفریقایی حقوق بشر را جزء ضعیف ترین اسناد در ارتباط با محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات می دانند.

- بند ۲ ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر، آزادی بیان و اطلاعات را احصاء می کند و چنین مقرر کرده است: «هر فرد حق آزادی بیان و انتشار عقاید خود را در (چارچوب قانون) داراست». درج عبارت «در چارچوب قانون» راه هرگونه اقدام محدود کننده را باز گذارده است؛ در واقع شرطی ابتدایی و سنگین است که از همان آغاز، حقوق مذکور را محدود می نماید. به جهت این نوع نگارش، منشور آفریقایی حقوق بشر، از ضعیف ترین انواع اسناد مربوط به حقوق بشر، در ارتباط با حق آزادی بیان و اطلاعات، ارزیابی شده است. اینکه به چه دلیل، منشور آفریقا، با احتیاط کامل تنظیم شده است؟ برخی پاسخ ها به زمان و شرایط تدوین منشور دلالت دارد. بدین معنی که سابقه استعماری کشورهای آفریقایی، و نگرانی در خصوص بی ثباتی و از هم گسیختگی وحدت داخلی برای کشورهایی که تازه به استقلال رسیده اند و هنوز تا رسیدن به استقلال واقعی راه درازی در پیش دارند، تدوین کنندگان منشور آفریقا را به احتیاط بیشتر هدایت کرده است. از این رو به نظر می رسد که مشکلات اقتصادی، معیشتی، اجتماعی و فنی کشورهای آفریقایی باعث شده است که موضوع حقوق بشر و حق آزادی بیان و اطلاعات و عقیده، در درجه کم اهمیت تری قرار گیرد و از هر گونه اقدام و رفتاری که به تشدید مشکلات اقتصادی و قومی آن ها منجر شود، با احتیاط وافر اجتناب شود.[1]

اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز محدودیت‌هایی بر آزادی بیان و اطلاعات حمل می کند که اساسا تکالیف شرعی و مذهبی است.

-بند الف ماده ۲۲ اعلامیه مذکور، اذعان می دارد که:

«هر انسانی حق دارد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند...»[2]

---

[1] کولیور، ساندارا، حق آزادی و امنیت، مترجم: آقایی، علی اکبر، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۶۱.

[2] شایان ذکر است که به مشابهت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه اسلامی حقوق بشر در تبیین حق آزادی بیان و احصاء حق مزبور اشاره کرد. قانونگذار در اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آزادی بیان در مطبوعات پرداخته است و اشعار می دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می کند....»

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

همچنین بند ج و د ماده مزبور، عدم تبلیغات و ترویج نفرت را جزء محدودیت‌های آزادی بیان بر می شمارد؛

-بند ج این ماده مقرر می دارد که:

«تبلیغات یک ضرروت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن، و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء، یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش ها و یا متشتت شدن جامعه، یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است»

-بند د این ماده نیز چنین مقرر می دارد که:

«برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست».

بند ب ماده ۱۸۰ این اعلامیه حریم خصوصی و همچنین حقوق و حیثیت دیگران را جزء محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات قلمداد می کند.

-در بند ب ماده ۱۸ اعلامیه مذکور چنین آمده است:

«هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن، خانواده، مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد، و جاسوسی یا نظارت بر او، یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه در این شؤون حمایت شود».

بند دوم: مصادیق محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات و مستندات قانونی آن ها

الف) حریم خصوصی: حریم خصوصی جزء استثنائات مهم آزادی بیان و اطلاعات می باشد که اکثر اسناد حقوق بشری به آن اشاره کرده اند؛ که می توان به ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند اول ماده ۱۷ و بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند اول ماده ۸ و بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند دوم ماده۱۱ و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، و نهایتا به بند دوم ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر اشاره کرد.

ب) حقوق و حیثیت دیگران: حقوق و حیثیت دیگران استثنای مهم دیگری بر آزادی بیان و اطلاعات است؛ که در بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ذکر گردیده است.

ج) سلامت و بهداشت عمومی: اسناد متعددی به موضوع سلامت و بهداشت عمومی بعنوان استثنایی بر آزادی بیان و اطلاعات پرداخته اند؛ که می توان به بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نهایتا ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشاره کرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

د) اخلاق: اخلاق نیز یکی از مهم ترین استثنائات وارده بر آزادی بیان و اطلاعات است؛ که بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بدان اشاره کرده اند.

ه) نظم عمومی: در خصوص نظم عمومی نیز یقینا باید اذعان کرد که اسناد متعددی به آن اشاره کرده اند؛ که از جمله می توان به بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی اشاره کرد.

در مورد نظم عمومی دو دیدگاه متناقض وجود دارد: ۱-دیدگاه نوعی و ۲-دیدگاه ذهنی.

- دیدگاه نوعی معتقد است که: «عناصر نظم عمومی را باید در روابط عینی جست و جو کرد؛ به این معنا که مثلا اگر در نقطه ای بلوا و آشوبی رخ دهد و یا گروهی در خیابان تجمع بکنند و با حمله به مردم یا شکستن شیشه ها به ارعاب مردم بپردازند، نظم عمومی مختل خواهد شد»؛

- اما برخی با اتخاذ دیدگاه ذهنی معتقدند که: «نظم عمومی همان اصول کلی حیات اجتماعی است و بطور مشخص در قوانین و یا قواعد اخلاقی تجلی یافته است».

مقررات بین المللی حقوق بشر از دیدگاه نوعی پیروی می کنند.[1] طبق این مقررات، تعریف ملی از نظم عمومی تا جایی معتبر است که با تعریف مقررات بین المللی لازم الاجرای حقوق بشر در تعارض نباشد.[2]

و) عدم تبلیغ برای جنگ: عدم تبلیغ برای جنگ استثنای بسیار مهمی است که با کمال تعجب، اسناد کمتری نسبت به دیگر استثنائات بر آزادی بیان و اطلاعات، بدان اشاره کرده اند. بطور کلی می توان به ماده ۲۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند پنجم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و نهایتا بند سوم ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر اشاره کرد که به موضوع عدم تبلیغ برای جنگ پرداخته اند.

ز) عدم ترویج نفرت: عدم ترویج نفرت نیز مانند عدم تبلیغ برای جنگ، جزء استثنائاتی است که اسناد متعددی بدان اشاره نکرده اند. در رابطه با موضوع عدم ترویج نفرت می توان به ماده ۲۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند پنجم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و نهایتا بند چهارم ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر اشاره کرد.

---

[1] صادقی، محسن، "مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و جلوه های نوین آن"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۴، ص ۹۱.

[2] ماده ۴۶ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین چنین مقرر می کند: «بند ۱: هیچ کشوری نمی تواند با تکیه بر این واقعیت که رضایتش به التزام در قبال معاهده، در نتیجه نقض مقررات داخلی آن در خصوص صلاحیت انعقاد معاهدات بوده و رضایتش را معلول ساخته استناد کند، مگر آن که نقض آشکار بوده و به یک قاعده مهم بنیادین حقوق داخلی مربوط باشد...»

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

ح) امنیت ملی: امنیت ملی استثنای بسیار مهمی بر آزادی بیان و اطلاعات است که بر عکس عدم تبلیغ برای جنگ و عدم ترویج نفرت، اسناد بیشتری صراحتا بدان اشاره کرده اند؛ که می توان به بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشار کرد.

بند سوم: شرایط مشروعیت محدودیت در حقوق بین الملل

اعمال محدودیت بر آزادی بیان و اطلاعات به دلیل اهداف مشروعی مانند حفظ نظم عمومی و حمایت از حقوق افراد می باشد؛ زیرا چنانچه حقوق و آزادی های عمومی بدون حد و حصر باشند، به هرج و مرج در جامعه منجر شده و همچنین در نهایت به خود این حقوق و آزادی ها نیز لطمه وارد می‌شود. اما نباید فراموش نمود که اعمال این محدودیت‌ها می بایست به صورت استثنایی انجام گیرد. کمیته حقوق بشر در خصوص محدودیت‌های وارد بر آزادی بیان و اطلاعات صراحتا اعلام می دارد: «اگر دولتی محدودیتی را بر آزادی بیان تحمیل نماید، آن محدودیت نباید بعنوان حقی برای دولت محسوب بشود. به عبارت دیگر محدود کردن آزادی بیان حق دولت نیست و تحمیل کردن محدودیت بر آزادی مذکور، اساسا حق نیست بلکه استثنایی بر حقی بشری است».[3] ضوابط مشترکی در بسیاری از کنوانسیون ها و مقررات بین المللی حقوق بشری جهت ارزیابی مشروعیت محدودیت‌های آزادی اطلاعات پیش بینی شده است. به کمک این ضوابط، حقوقدانان، وکلا و مدافعان آزادی بیان و اطلاعات می توانند با محدودیت‌های نامشروعی که علیه آزادی مذکور وجود دارد مقابله کنند. اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، اصول هفت گانه ای را برای احراز مشروعیت محدودیت‌های قابل تحمیل بر آزادی بیان و اطلاعات پیش بینی کرده اند.[4] مسلما کشورهایی که در قبال این اسناد متعهد هستند باید در قوانین و دادگاه های خود این ضوابط هفت گانه را به کار بگیرند. با توجه به اینکه ضوابط مذکور در همه اسناد مهم حقوق بشر آمده است و به دلیل آن که همه کشورها به رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر متعهد شده اند، می توان محاکم همه کشورها را متعهد به اعمال این ضوابط هفت گانه دانست. به عبارت دیگر اگر یک دولت در موردی، آزادی بیان را به نحوی محدود کرده باشد، بعنوان مثال: قواعدی در مورد فعالیت رسانه‌های فراملّی وضع کرده باشد که با این شرایط هفت گانه منطبق نباشد مرتکب نقض مقررات بین المللی حقوق بشر گردیده است که مسئولیت بین المللی ناشی از این تخلف را نیز در پی خواهد داشت. بنابراین دولت ها باید به نحوی محدودیت‌ها را اعمال نمایند که این محدودیت‌ها منجر بدان نشود که اساس و موجودیت این حقوق نقض شود. به همین خاطر دولت ها موظفند شرایطی را مراعات نموده تا آنکه اساس این حقوق حفظ گردد. این شروط عبارت است از:

---

[3] **HRC,General Comment no.34, Article19: Freedoms of Opinion and expression, one Hundred and Second Session, Geneva 11, 29. July. 2011, Para. 21**

[4] انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، مؤسسه انتشارات دادگستر، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۵۵.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

۱-استثنایی بودن محدودیت‌ها

۲-لزوم تعیین واعلام محدودیت‌ها

۳-ضرورت مستدل بودن محدودیت‌ها

۴-وجوب مستند بودن محکومیت ها

۵-قانونی بودن محدودیت

۶-ضروری بودن محدودیت

۷-تطابق محدودیت با موارد احصاء شده در اسناد حقوق بشری

الف) استثنایی بودن محدودیت‌ها: آزادی هیچگاه بی‌اندازه و بدون حد و مرز نیست؛ همانگونه که به معنی فرار از پاسخگویی نیست. آزادی در همه جا و از جمله در عرصه مطبوعات و اطلاع رسانی دارای محدودیت بوده و نیز مسئولیت آفرین است. اما مهم این است که شک در جواز یا ممنوعیت به نفع آزادی تمام می‌شود. به عبارت دیگر دسترسی و انتشار اطلاعاتی که در مورد ممنوعیت آن ها شک و تردید داریم، آزاد است و تا چیزی رسما و صریحا ممنوع نشده باشد، مجاز محسوب می‌شود.

ب) لزوم تعیین و اعلام محدودیت‌ها: رسانه یا شخصی که به دنبال کسب اطلاعات و یا انتشار آن است، ملزم به مراجعه برای سؤال در مورد جواز یا عدم جواز نیست؛ و نیز لازم نیست در انتظار اظهار نظر مقامات و نهادها بماند. آن ها هستند که باید پیشگام در تعیین شفاف و اعلام صریح موارد ممنوع گردند. این گفته البته به معنای تجویز سهل‌انگاری در آشنایی با قوانین و مقررات شغلی نیست. در جامعه متمدن و معقول، هر کس مکلف است تا برای آشنایی با احکام و الزاماتی که غالبا با آن ها سرکار دارد تلاش نماید و به اصطلاح «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست». این نکته روشن بوده و مقصود آن است که در صورت عدم اعلام ممنوعیت ها از سوی مراجع قانونی، اشخاص ملزم به مراجعه و کسب تکلیف نیستند.

ج) ضرورت مستدل بودن محدودیت‌ها: چنانکه اشاره شد، وضع محدودیت و ممنوعیت برای آزادی اطلاعات مثل آزادی در هر زمینه دیگری، ممکن و بلکه لازم است؛ اما نیازمند ارائه دلیل و توجیهات قانع کننده از سوی نهادهای مربوط نیز هست. برای مثال: رعایت مقتضیات امنیت ملی یکی از موجه ترین مواردی است که می تواند دلیلی برای ممنوع یا محدود کردن دسترسی به اطلاعات یا انتشار آن باشد. اما نهادهایی که قانونا مجاز به تعیین و اعلام مصداق های این گونه موارد هستند، باید بتوانند ثابت کنند که مثلا انتشار فلان خبر واقعا موجب اخلال در امنیت ملی خواهد شد.

د) وجوب مستند بودن محکومیت ها: در صورت ورود اتهام مبنی بر نقض حدود آزادی مطبوعات و اطلاعات، این نهادهای قضایی و حاکمیتی هستند که باید دلیلی موجه برای ورود اتهام ارائه دهند؛ نه اینکه متهم ملزم به اثبات بی‌گناهی خود باشد. «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». این یک اصل شناخته شده در همه نظام های حقوقی است که در اصل سی و هفتم قانون اساسی کشور ما هم مورد قبول واقع شده است. بنابراین آثار مهم و تعیین

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

کننده اعتقاد به اصل آزادی اطلاعات در امور ماهوی اطلاع رسانی قابل انکار یا چشم پوشی نیست. حتی می توان گفت این اصل، نقطه آغاز مباحث شکلی در این حوزه نیز هست؛ زیرا گفتگو درباره فرایند تأسیس و اداره رسانه‌ها و برقراری ارتباط نیز، بدون پذیرش اصل آزادی بی‌نتیجه یا دست کم بسیار دشوار و کم بازده است. اگر اصل اولیه در تأسیس و اداره رسانه و برقراری ارتباط توده‌ای را آزادی بدانیم؛ آنگاه صحبت از محدودیت‌ها آسان است؛ برخلاف زمانی که چنین اقدامی را اصولا غیرمجاز دانسته و مثلا انتشار نشریه را «امتیاز»ی تلقی نماییم که به شهروندان می‌دهند؛ و نه «حق»ی که همگان طبق قاعده از آن برخوردارند و سلب یا منع آن نیازمند ارائه دلیل قانع کننده است. امتیاز، لطفی است که می توان کرد یا نکرد، دلیلی جز خواست صاحب اصلی آن ندارد، به هر شخصی خواست «اعطا» می کند و هر وقت خواست پس می گیرد. به همین جهت گفته شده که اگر «اصل آزادی اطلاعات» را نپذیریم، دیگر ادامه بحث نا ممکن یا حداقل دشوار و کم نتیجه خواهد شد و باز برای همین است که قانون اساسی همه کشورها به نوعی از این اصل یاد می کنند و حداقل تظاهر به وفاداری به آن می کنند.

ه) قانونی بودن محدودیت: شکی نیست که مقامات داخلی یک کشور در تحدید حقوق، از آزادی عمل برخوردار می باشند. و این آن ها هستند که تعیین می نمایند در چه ظرف زمانی یا مکانی می توان این محدودیت‌ها را بر آزادی ها و حقوق اشخاص اعمال نمود. اما اینکه محدودیت‌ها می بایستی که منطبق با قانون باشد به معنی آن است که مطابقت با قانون داخلی مد نظر می باشد. به عبارت دیگر این قانون داخلی است که به تعریف محدودیت‌ها و شرایط آن ها می پردازد.[5] در این راستا کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد صراحتا اعلام می دارد: «قانونی بودن محدودیت بسیار اهمیت دارد، تا آنجا که اگر محدودیت‌ها قانونی نباشند، مشروعیت ندارند و اساسا مشروعیت محدودیت، منوط به قانونی بودن آن است.[6] کمیته حقوق بشر همچنین در خصوص این شرط و در تشریح بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اظهار می دارد که: «قانونی بودن محدودیت، علت های مهم و غیرقابل انکاری دارد؛ یکی از آن علل این است که تشریح محدودیت توسط قانون فرد را قادر می سازد که آن محدودیت را با دقت بالا و صحیح اعمال کند. همچنین یک علت دیگر این است که عموم مردم از آن محدودیت مطلع شوند».[7]

بنابراین باید هر محدودیتی طبق قانون تعیین شده باشد، به این معنا که: اولا اعمال محدودیت باید طبق قانون داخلی آن کشور پیش بینی شده باشد؛ ثانیا نتایج تخطی از محدودیت قانونی برای عموم قابل پیش بینی باشد.

---

[5] کوچ نژاد، عباس، "محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی"، مجله حقوق اساسی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۷۴.

[6] کوچ نژاد، عباس، همان، ص ۱۷۴.

[7] **HRC, General Comment no.10: Freedom of expression (Art.19), (Nineteenth Session,1983), Office of united Nation High Commissioner for Human Rights Geneva, Switzerland, Para. 3**

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

و) ضروری بودن محدودیت: ضروری بودن محدودیت‌ها بدین معنی است که این محدودیت‌ها می بایست در پاسخ به نیازهای اساسی یک جامعه اتخاذ شوند و این محدودیت‌های ضروری باید از دو شرط برخوردار باشند:

اول: آنکه اقدامات اتخاذی باید مناسب با هدفی مشروع بوده؛ و

دوم: آنکه اقدامات اتخاذی باید با معیارهای دموکراتیک منطبق باشند.[۸]

در رابطه با هدف مشروع لازم به توضیح است که دولت ها نمی توانند به هر دلیلی به اقدامات محدود کننده دست بیازند و محدودیت باید در یک جامعه دموکراتیک از ضرورت برخوردار باشد، بدین معنا که محدودیت اعمال شده باید در پاسخ به یک نیاز جدی فعالیت اجتماعی باشد. کمیته حقوق بشر در این خصوص صراحتا اعلام می دارد که محدودیتی مشروع است که «ضروری» باشد.[۹] در خصوص ضروری بودن محدودیت باید به موضوع تناسب محدودیت با نیاز اجتماعی جامعه نیز اشاره کرد. به این معنا که محدودیت باید با نیاز اجتماعی سنخیت داشته باشد و از حد متناسب خارج نشود و هر دولت نیز باید دلایل عینی و کافی مبنی بر اصالت و جدیت موضوع ارائه کند. کمیته حقوق بشر در این خصوص اعام می کند که: «محدودیت باید با آزادی بیان و اطلاعات متناسب باشد. زمانیکه دولتی خواستار محدودیتی بر آزادی بیان و اطلاعات می‌شود باید استدلال دقیقی از اقتضای آن محدودیت داشته باشد و به صورت شفاف و غیر مبهم، تهدید و خطر فقدان محدودیت مربوط بر آزادی بیان و اطلاعات را تبیین کند و یک رابطه مستقیم و بی واسطه را بین آزادی بیان و تهدید نشان دهد».[۱۰]

ز) تطابق محدودیت با موارد احصاء شده در اسناد حقوق بشری: محدودیت‌های وارده بر حقوق و آزادی بیان و اطلاعات، می بایستی که در جهت منافع کشور یا منافع جامعه و یا به منظور حمایت از حقوق دیگران باشد که بر اساس یکی از موارد مندرج و احصاء شده در اسناد حقوق بشری مربوطه قابل توجیه باشد. در رابطه با این شرط، کمیته وزرای شورای اروپا اظهار می دارد که: «کنترلی که بر رسانه‌های فراملّی و بویژه اینترنت می‌شود باید با محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات مندرج در بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هماهنگی کامل داشته باشد و اگر دولتی بخواهد محدودیتی را بر رسانه‌های فراملّی اعمال نماید باید محدودیتش با بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون مزبور در تطابق کامل باشد».[۱۱] بعنوان مثال: اگر دولتی یک سایت اینترنتی را فیلتر می کند باید توجیه فیلتر کردن سایت مربوطه، نقض کردن یکی از موارد محدودیت بر آزادی بیان و اطلاعات در اسناد حقوق بشری باشد. در همین راستا کمیته

---

[8] کوچ نژاد، عباس، پیشین، ص ۱۷۶.

[9] **HRC,General Comment no.34, Article19: Freedoms of Opinion and expression, one Hundred and Second Session, Geneva 11, 29. July. 2011, Para. 33**

[10] **HRC, oP. cit., Para. 36**

[11] **CM, Recommendation CM/Rec (2008) 6 of the Committee of Ministers to member states on measures to promote the respect for freedom of expression and information with reqard to Internet filters, (Adobted by the Committee of Ministers on 26. March. 2008, at the 1022nd meeting of Ministers' Deputies), Para. 3**

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

حقوق بشر سازمان ملل متحد صراحتا اعلام می دارد که: «اعمال کردن محدودیت بر آزادی بیان و اطلاعات نباید از موضوع و اهداف میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تخطی کند و باید در تطابق کامل با میثاق و اهدافش باشد». بعنوان مثال نباید قوانینی وضع شود که مقررات عدم تبعیض نژادی میثاق را نقض کند، یا اینکه قوانین برای مجازات نقض کننده محدودیت آزادی بیان و اطلاعات، مجازات بدنی پیش بینی کنند که این نیز مغایر با اصول و اهداف میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است.[۲]بنابراین اگر قوانینی برای اعمال محدودیت بر آزادی بیان و اطلاعات وضع شود که در تطابق با موارد احصاء شده و مندرج در اسناد حقوق بشری نباشد، باید گفت که آن قانون مشروعیت ندارد و مانعی برای رعایت نکردن آن وجود نخواهد داشت.

نتیجه گیری

رسانه‌های فراملّی رسانه‌هایی هستند که از مرزهای سیاسی کشورها عبور می کنند و هیچ حد و مرزی برای آنها قابل تصور نیست. چهار گروه از رسانه‌ها (رادیو، کتاب، ماهوراه، اینترنت) شامل رسانه‌های فراملّی می شوند، که به دلیل اهمیت کمتر رادیو و نیز محدودیت‌های حاکم بر کتاب -بیشتر از لحاظ ترجمه و انتشار که در انحصار مراجع ذی صلاح داخلی دولت هاست- در این پژوهش فقط رسانه‌های نوین ماهواره و اینترنت مورد توجه قرار گرفتند؛ دو ابر رسانه ای که توانمندی های بسیار عظیمی دارند، و مردم در هر نقطه ای از جهان که باشند و با هر زبان و فرهنگی که داشته باشند، بدلیل سهولت قابلیت دسترسی و قدرت تأثیرگذاری فوق العادع زیاد این رسانه‌ها، شدیدا از آنها متأثر می شوند. رسانه‌ها از حق آزادی بیان و اطلاعات که جزء حقوق بنادین بشر محسوب می‌شود برخوردارند و در نتیجه رسانه‌های فراملّی نیز که زیرمجموعه رسانه‌ها قرار می گیرند از حقوق مذکور بی بهره نیستند.

حق آزادی بیان و اطلاعات در اسناد بین المللی حقوق بشری، چه به شکل عام و چه به شکل خاص مورد توجه قرار گرفته اند و در حقیقت آزادی بیان و اطلاعات از این اسناد استخراج می شوند و دارای پایگاه و اعتبار حقوقی هستند. علیرغم جایگاه والای حق آزادی بیان و اطلاعات در اسناد بین المللی و نقش آنها در شفاف سازی حکومت، تحقق مفهوم شهروندی و جامعه اطلاعاتی دموکراتیک، باید افزود که این حقوق، جزء حقوق مطلق به شمار نمی روند و در همین اسناد نیز برای آنها محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است. مسئولیت ها و محدودیت‌های حق آزادی بیان و اطلاعات در تمام اسناد حقوق بشری ذکر گردیده است اما مصادیق محدودیت‌ها در اسناد مذکور بعضا متفاوت است.

در خصوص مشروعیت اعمال محدودیت‌ها بر آزادی بیان و اطلاعات باید ذکر کرد که محدودیت‌هایی که بر آزادی بیان و اطلاعات لحاظ می‌شود باید به صورت استثنا باشد و اعمال محدودیت‌ها اساسا حق

[1] **Ibid, Para. 37**

[2]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر اگر یک دولت آزادی بیان را به نحوی محدود کرده باشد،که با این شرایط منطبق نباشد مرتکب نقض مقررات بین المللی حقوق بشر گردیده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

- انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، مؤسسه انتشارات دادگستر، تهران، چاپ اول، زمستان (۱۳۷۷).
- جاسمی، محمد و بهرام، فرهنگ علوم سیاسی، جلد اول، انتشارات گوتنبرگ، تهران، چاپ سوم، (۱۳۸۷).
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، جلد ۳۲، (۱۳۷۳).
- بردبار، محمد حسن، "اصول حقوقی حاکم بر ماهواره ها"، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۶، بهار (۱۳۸۱).
- حسینی، سید ابراهیم، "برنامه های ماهواره ای در ارتباط با اصل حاکمیت دولت ها و اصل آزادی اطلاعات"، مجله معرفت، شماره ۳۶، مهر و آبان (۱۳۷۹).
- رضایی نژاد، ایرج، "آزادی بیان در نظام بین‌المللی حقوق بشر"، مجله کانون وکلا، شماره ۸، آذر و دی (۱۳۸۰).
- صادقی، محسن، "مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و جلوه های نوین آن"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸، تابستان (۱۳۸۴).
- قراچورلو، رزا، "حق آزادی بیان در نظام بین‌المللی و در قانون اساسی ج.ا.ا"، مجله کانون وکلا، شماره ۲۵و۲۶، تیر (۱۳۸۴).
- کوچ نژاد، عباس، "محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی"، مجله حقوق اساسی، شماره ۳، زمستان (۱۳۸۳).
- کولیور، ساندارا، حق آزادی و امنیت، مترجم: آقایی، علی اکبر، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۱۰، زمستان (۱۳۷۹).
- نمک دوست تهرانی، حسن، "آزادی اطلاعات و حق دسترسی، بنیان دموکراسی"، مجله مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره ۴۲، بهار (۱۳۸۳).

-Berger, Guy, Freedom of Expression, Access to Information and Empowerment of people,©UNESCO, (2009).
-Callamard , Agnes, June., ((Freedom of speech and offence: why blasphemy laws are not the appropriate response, Equal voices)), the magazine of the European Monitoring Centre on Racism and Xenophobia, Issue 18, (2006).
-Carver, Richard, Freedom of information: TRAINING MANUAL FOR PUBLIC OFFICIALS, Lancaster House, ARTICLE 19 GLOBAL Campaign for Free Enpression, (2004).
-Clinton, orla, number 2, ((The role of media in war and peace)), published by the life & peace Institute, Volume 8, (2003).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

-Kurbalija, Jovan, ((INTERNET GOVERNANCE AND INTERNATION LAW)), Reforming Internet Governance: Perspectives from WGIG, (2001).
-M. Graham, Lorie, A RIGHT TO MEDIA?, COLUMBIA HUMAN RIGHTS LAW REVIEW, (2010).
-M. Lord, Kristin, The Perils and Promise of Global Transparency, state University of New York Press, (2006).
-Oborne, Michael, Space 2030 TACKING SOCEITY'S CHALLENGES, ORGANIZATION FOR ECONOMIC CO-OPERATION AND DEVELOPMENT © OECD,February, (2005).
-Okello – Orlale, Rosemary, ((The Role of Media in Promoting Access to Information and Serving as a Public Watchdog)), African Woman and Child Feature Sevice, (2008).
-Seragua – Serrano, Antonio, ((Internet Regulation and the role of International Law)), Max Planch Year book of United Nations Law, volume 10, (2006).
-Selwyn, Neil, A Safe Heaven for Misbehaving?: An Investigation of Online Misbehavior Among University Students, Social Science Computer Review, (2008).
-Sturges, Paul, ((The Council of Europe, Freedom of Expression and Public Access to networked Information)), IFLA Journal, 26, (2000).
-Yushkiavitshus, Henrikas, ((Intellectual Freedom in Libraries in Eastern Europe)), IFLA Journal, 26, (2000).
-CE, Recommendation Rec, 16 of the committee of Ministers to member states on the right of reply in the new media environment (Adopted by the committee of Ministers on 15. December. 2004, at the 909th meeting of the Ministers Deputies).
-CM, DECLARATION ON THE FREEDOM OF EXPRESSION AND INFORMATION (Adopted by the committee of Ministers on 29. April. 1982, at its 70th session).
-CM, Declaration on freedom of political debate in the media (Adopted by the committee of Ministers on 12. February. 2004, at the 872nd meeting of the Ministers'Deputies).
-CM, Declaration on freedom of political debate in the media (Adopted by the committee of Ministers on 12. February. 2004, at the 872nd meeting of the Ministers'Deputies).
-CM, Recommendation CM/Rec (2008) 6 of the Committee of Ministers to member states on measures to promote the respect for freedom of expression and information with reqard to Internet filters, (Adobted by the Committee of Ministers on 26. March. 2008, at the 1022nd meeting of Ministers' Deputies).
-ECHR, Frand GEERK v/s SWITZERLAND, APPLICTION/REQUETE no 7640/76, DECISION OF 7 MARCH 1978 on the admissibility of the application, no 7640/76.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

-GA/A/RES/37/22, Principles Governing the Use by States of Artificial Earth Satellites for International Direct Television Broadcasting, 10. December. 1982.
-HRC, Ninety–Seventh Session 12-30, October. 2009, CPR/C/MDA/CO/2/4 Novermber. 2009.
-HRC,General Comment no.34, Article19: Freedoms of Opinion and expression, one Hundred and Second Session, Geneva 11, 29. July. 2011.
-HRC, General Comment no.10: Freedom of expression (Art.19), (Nineteenth Session,1983), Office of united Nation High Commissioner for Human Rights Geneva, Switzerland.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

بررسی ترتیب رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان

مهدی زکوی (عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
m_zakavi2010@yahoo. com

چکیده

اصل بر این است که اطفال در صورت ارتکاب جرم فاقد مسئولیت کیفری بوده و در نتیجه از مجازات معاف می‌باشند، اما ویژگی‌های شخصیتی، آسیب پذیری و ضرورت پیش گیری از ارتکاب مجدد جرم از سوی آن‌ها، نظام عدالت کیفری کشورها را بر آن داشته که با هدف بازپروری و باز اجتماعی کردن اطفال معارض قانون، رفتار خلاف آنان را پیگیری کرده و بر اساس اصول علمی واکنش مناسبی در قبال آن‌ها اتخاذ نمایند. این واکنش، دادرسی ویژه اطفال می‌باشد که بر مبنای رفتارهای منصفانه و مداخله حداقل تنظیم گردیده است. فلسفه وضع دادگاه اطفال و نوجوانان، مبتنی بر اصلاح، تربیت و تهذیب می‌باشد. خصوصیات جسمی و روانی و روحیه خاص اطفال و نوجوانان از یک سو و اصل عدم مسئولیت اطفال بزهکار از سوی دیگر ایجاب می کند که قانونگذار با رعایت قاعده حمایت از اطفال معارض قانون، دادگاه اختصاصی جهت رسیدگی به کلیه جرائم آن‌ها تشکیل دهد تا واکنش‌های مناسب برای اصلاح و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط آنان اتخاذ نماید.

خوشبختانه رویکرد قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مثبت بوده و دادگاه آنان را جزء دادگاه‌های اختصاصی قرار داده و شیوه افتراقی را در رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان برگزیده است که ذیلاً مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی: ترتیب رسیدگی، دادگاه اختصاصی، اطفال، نوجوانان.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم مورد مطالعه در حقوق کیفری اطفال، مسأله آیین دادرسی و صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به جرائم این طیف از افراد می‌باشد. شاید بدواً این ذهنیت بوجود آمده باشد که چنانچه طفلی مرتکب جرم شود فاقد مسئولیت کیفری است و در نتیجه نمی‌توان وی را تعقیب کیفری نمود و به او تفهیم اتهام کرد و قرار جلب به دادرسی یا کیفر خواست یا حکم به مجازات وی صادر نمود. بر همین اساس ممکن است چنین به نظر برسد که سخن از مرجع کیفری صلاحیت دار برای رسیدگی به جرائم اطفال بیهوده است، بلکه دادسرا یا دادگاه وقتی به عدم بلوغ مرتکب پی می برد باید قرار موقوفی تعقیب صادر کند همچنان که اگر مرتکب، مجنون یا مجبور یا مضطر باشد، به همین صورت عمل می‌شود. اما در واقع چنین سخنی صحیح نمی‌باشد، چراکه اطفال گرچه فاقد مسئولیت کیفری هستند اما اینگونه نیست که

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

بطور کلی فاقد اراده و علم باشند به ویژه در حالتی که صغیر ممیز بوده و نزدیک به سن بلوغ هستند(زراعت، پیشین: ۹۴). با این وجود، طبع و روحیه خاص اطفال ایجاب می کند که در صورت ارتکاب جرم توسط آنها، علل بزهکاری و شخصیت آنها به خوبی شناخته شود تا روش‌ها و واکنش‌های مناسب جهت اصلاح آن ها و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم اتخاذ گردد. برخورد خشن با این دسته از بزهکاران و عدم توجه به تفاوت انگیزه ها و شخصیت آنان با بزرگسالان ممکن است تأثیر نامطلوبی بر روند اصلاح و باز اجتماعی شدن آنان گذاشته، روحیه انتقام جویی از جامعه را در نهاد آن ها بدهد. در مقابل، نشان دادن رفتاری سنجیده و معقول همراه با بردباری و مدارا در برابر آنان می‌تواند از رنگ سرکوب در واکنش جامعه کاسته، نقش آنان را در اصلاح و هدایت اطفال فزونی بخشد و از تبدیل این بزهکاران اتفاقی به بزهکاران حرفه ای جلوگیری نماید (خالقی، پیشین: ۷۴-۷۵).

از این رو اکثر استانداردهای بین المللی دولت ها را تشویق می کنند، آیین های دادرسی یا نهادهای مستقل یا تخصصی برای رسیدگی به پرونده هایی که در آنها اطفال متهم هستند یا مسئولیت آنها برای ارتکاب جرائم کیفری ثابت شده است، ایجاد کنند. البته در این بین، کنوانسیون آمریکایی دولت‌ها را ملزم می کند، دادگاه‌های خاصی جهت رسیدگی به پرونده‌های جوانان متهم به جرائم کیفری ایجاد کنند.

باید اذعان داشت که در سیستم قضایی گذشته ایران دادگاه اطفال نه به عنوان یک دادگاه اختصاصی بلکه به عنوان شعبه‌ای از دادگاه عمومی به امر رسیدگی به جرائم اطفال و افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال می‌پرداخت. ولی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نهایتاً با تأسی از اصول و استانداردهای بین المللی در باب ضرورت ایجاد دادگاه‌های خاص و با آیین دادرسی ویژه برای اطفال و نوجوانان، در ماده ۲۹۴ خود در کنار سایر دادگاه‌ها ولی مستقل از آن‌ها پیش‌بینی کرده است و آن را نه به عنوان شعبه ای از دادگاه‌های عمومی و کیفری بلکه دادگاهی اختصاصی در کنار این محاکم تلقی می کند که در ادامه به بحث و بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱- صلاحیت دادگاه اطفال

همانگونه که مطرح گردید دادگاه اطفال، دادگاه اختصاصی می‌باشد و صلاحیت آن نسبت به مراجع قضایی کیفری دیگر، صلاحیت ذاتی است. نظر به اینکه اطفال بزهکار به مراقبت و حمایت زیادی نیاز دارند. این دادگاه تابع مقررات شکلی و ماهوی خاصی است که متأثر از پیشرفت‌های علمی به ویژه در زمینه‌های روانشناسی و جامع شناسی می‌باشد. برای آن که با حدود صلاحیت دادگاه اطفال آشنا شویم، لازم است، ابتدا مفهوم لغوی و اصطلاحی«طفل» مشخص شود.

طفل در لغت به معنای خرد و کوچک و در مورد انسان به کم سالی و خردسالی تعبیر شده است. بنابراین صغیر نقطه مقابل کبیر و به معنای کودک است (معین، ۱۳۶۳، ج۲: ۲۱۴۸). در اصطلاح حقوقی صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگانی اجتماعی نرسیده باشد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

(صفایی، ۱۳۸۸: ۱۷۵). از نظر معاهده حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، منظور از طفل، فرد زیر ۱۸ سال است. مگر اینکه سن بلوغ طبق قانون قابل اجرای داخلی کمتر تشخیص داده شود (r the on convention rticleA ,child the of ights).

در قوانین داخلی، قانونگذار در تبصره یک ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر نموده است: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». مطابق تبصره یک ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی سن بلوغ در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است. با عنایت به مطالب فوق، جرائم در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان یا کیفری دو و همچنین جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان را به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) جرائم در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان یا کیفری دو

ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه مقرر می دارد: «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند».

بدین ترتیب، اصل بر این است که دادگاه اطفال و نوجوانان صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم ارتکابی افراد زیر هجده سال تمام شمسی را دارد ولی تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است مقنن چاره اندیشی کرده و در تبصره ماده ۲۹۸ همین قانون مقرر داشته: «در هر حوزه قضایی شهرستان، یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود.

بنابراین تا زمانی که در شهرستان دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو و همچنین در بخش، دادگاه بخش می‌توانند به جرائم اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز رسیدگی نمایند. در خصوص ترتیب رسیدگی در این دادگاه ماده ۴۱۲ قانون مزبور مقرر می دارد: «دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌کند.

تبصره ۱- هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هجده سال و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم یا وکیل او ابلاغ می‌شود.

تبصره ۲- در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت و همچنین در جرائم تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها غیر از حبس است، هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید». لازم به ذکر است که تبصره ۲ از آن جهت که برای

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

رسیدگی به برخی جرائم و اتخاذ تصمیم بدون تعیین وقت، «حضور یا موافقت شاکی» را صریحاً پیش‌بینی نکرده، برخلاف اصل ترافعی بودن دادرسی و و اجد اشکال است. در عین حال، شایسته است که قاضی به عبارت «موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد» در آن تبصره توجه نموده، در صورت وجود شاکی، عدم حضور یا عدم موافقت او با تشکیل جلسه فوری را مانع قبول درخواست متهم، والدین، سرپرست یا وکیل او برای رسیدگی بداند (خالقی ۱۳۸۹: ۳۳۲). در عین حال تحت هیچ شرایطی نمی‌توان طفل را به صورت انفرادی تحقیق یا محاکمه کرد و رسیدگی بایستی در حضور والدین و یا سرپرست قانونی او انجام شود اما سیاق عبارت قانونی حکایت از این دارد که در این مرحله، حضور وکیل الزامی نمی‌باشد.

ب)جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان

در این زمینه ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته: «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک[1] یا انقلاب[2] شوند، به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره مند می گردد.

تبصره ۱- در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نیست.

تبصره ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است».

با عنایت به ماده فوق نکات ذیل قابل توجه است:

نخست: جرائم اطفال و نوجوانان در هیچ صورتی در دادگاه انقلاب رسیدگی نخواهد شد. چنانچه این افراد مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب شوند، برابر ماده ۳۱۵ همین قانون به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.

دوم: تخصصی بودن شعب دادگاه‌های کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نمی‌باشد. یعنی دادگاه‌های کیفری یک رسیدگی کننده به جرائم اطفال و

---

[1] - ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک مقرر نموده:
«به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی شود:
الف-جرائم موجب مجازات سلب حیات؛
ب-جرائم موجب حبس ابد؛
پ-جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن؛
ت-جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر؛
ث-جرائم سیاسی و مطبوعاتی.

[2] -ماده ۳۰۳ آن قانون درخصوص جرائم در صلاحیت دادگاه انقلاب مقرر داشته:«به جرائم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی شود:
الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض، بَغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام؛
ب- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری؛
پ- تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روان گردان و پیش سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل؛
ت- سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

نوجوانان، دادگاه‌های تخصصی هستند نه اختصاصی؛ بر خلاف دادگاه‌های اطفال و نوجوانان که دادگاه‌های اختصاصی محسوب می‌شوند نه دادگاه تخصصی (مصدق، ۱۳۹۳: ۸۳).

سوم: در جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، یا جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می کند که برای او وکیل تعیین کند در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند.[۱۵]

۲- تشکیلات دادگاه اطفال

دادگاه اطفال در برخی جرائم از سیستم وحدت قاضی و در برخی جرائم دیگر از سیستم تعدد قاضی پیروی کرده است ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه مقرر نموده است: «دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و دو مشاور تشکیل می‌شود. نظر مشاوران، مشورتی است.

تبصره- در حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد، رسیدگی می‌شود».

همچنین ماده ۳۰۴ آن قانون نیز به بیان اشخاصی پرداخته است که به جرم آنان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود: «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود در هر صورت محکومان بالای سن هجده سالا تمام موضوع این ماده در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.

تبصره ۱- طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.

تبصره ۲- هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره مند می گردد. »

دادگاه‌های فوق به جرائم غیر مهم رسیدگی می کنند و از سیستم وحدت قاضی تبعیت می کنند ولی جرائم مهم که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شوند در ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری بدین نحو پیش‌بینی شده است: «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا

---

[1] - ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری. [5]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

انقلاب شوند به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره مند می گردد.

تبصره ۱- در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک، ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نیست.

تبصره ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است.

لازم به ذکر است که چنانچه جرم ارتکابی از سوی اطفال و نوجوانان از درجه خلاف باشد، شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد بلکه به این جرائم نیز باید در داداگاه اطفال رسیدگی شود.

۳- قضات و مشاوران دادگاه اطفال

برای دادرسی جرائم اطفال صرف تشکیل دادگاه اختصاصی کفایت نمی‌کند بلکه قضات این دادگاه نیز باید اشخاص خاصی باشند همچنان که قضات دادسرا، قضات عادی نیستند و از همین روی معمولاً شرایط مخصوصی را برای قضات این دادسرا در نظر می گیرند (زراعت، ۱۳۹۴، ج۳: ۹۷). نظر به اینکه قاضی شخصیت اصلی دادگاه اطفال است، ترغیب افراد آموزش دیده و خبره جهت پذیرش مسند قضاوت دادگاه اطفال یک هدف بسیار ارزشمند است. قاضی اطفال به منزله یک عنصر فعال دستگاه قضایی است و می‌تواند به تنهایی یا در رأس یک دادگاه تصمیمات خود را اتخاذ کند. در قطعنامه ای که از طرف کنگره قضات دادگاه کودکان در بروسکل و در سال ۱۹۵۸ میلادی منتشر شده در این باره آمده است:

«قاضی دادگاه کودکان باید از میان قضاتی انتخاب شود که علاوه بر معلومات قضایی حسن خلق و عطوفت خاص نسبت به کودکان داشته و دارای شم کافی برای درک حرفه خود و بهره گیری از اصول انسانی در جهت کشف حقایق مربوط به جرائم کودکان باشد و بتواند به آسانی خود را به کنه ضمیر کودکان بزهکار نزدیک نموده و مقاصد و نیات آنان را به خوبی درک نماید.

امروزه پرونده‌های نوجوانان پیچیده تر شده است و همراه با تغییرات و دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی رفتارهای خلاف کودکان و نوجوانان متنوع شده ایت و میزان فرار از خانه و مدرسه، استعمال مواد مخدر و روان گردان‌ها، روسپی گری، اشکال مختلف سرقت و زور گیری و جرائم خشونت آمیز نوجوانان افزایش یافته است و قضات دادگاه نوجوانان نقش قابل توجهی در ارائه راه حل برای مشکلات دادرسی نوجوانان ایفا می‌نمایند و موفقیت این دادگاه بستگی به دانش حقوقی، دید اجتماعی و شخصیت قاضی دارد. به عقیده یکی از قضات: «دادگاه نوجوانان فقط به لحاظ جنبه انسانی آن، مهمترین دادگاه در کشور است. » (Juvenile, 2004: 421-422).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

در اغلب کشورهای پیشرفته ترغیب افراد بسیار آموزش دیده و خبره جهت پذیرش مسند قضاوت دادگاه نوجوانان یک هدف ارزشمند است. زیرا کودکان پایه ی توسعه حقوق بشر در هر کشورند و کودکان آینده را می‌سازند و فرهنگ سازی می کنند. از این رو شایسته هر نوع توجه، حمایت، مراقبت و سرپرستی هستند. قضات اطفال باید از میان قضات مجرب و متخصص و آشنا به علوم مورد نیاز (بزهکاری اطفال، حقوق کودک، آیین دادرسی و. . .) انتخاب شوند و قادر باشند کودکان را درک کنند، از وضع اخلاقی و روحی آنان مطلع شوند و حوادث و سوانح اجتماعی که در روحیه‌ی اطفال مؤثر بوده و ضربه روحی که به او وارد نموده است مورد ارزیابی قرار دهند و با شناسایی شخصیت طفل روش های اصلاحی و تربیتی و یا درمانی مؤثر اتخاذ نمایند (معظمی، ۱۳۹۴: ۹۹).

بدین ترتیب، قاضی دادگاه اطفال بایستی از نظر سنی و روحی دارای ویژگی‌های خاص بوده و به مسائل اطفال علاقه‌مند باشد. در همین راستا، ماده ۴۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد شرایط قضات دادگاه اطفال و نحوه انتخاب ایشان مقرر نموده است: «قضات دادگاه و دادسرای اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند، محرز بداند، انتخاب می کند».

از ظاهر این ماده چنین استنباط می‌شود که قاضی دادگاه اطفال همچون گذشته به ابلاغ ویژه نیاز دارد؛ یعنی علاوه بر صلاحیت دادگاه، صلاحیت قاضی هم لازم است اما وقتی قاضی با عنوان «قاضی دادگاه اطفال» منصوب می گردد به صورت ضمنی، صلاحیت قاضی نیز ابلاغ می گردد پس نباید به ابلاغ جداگانه نیاز داشته باشد.

در مواردی که قاضی انتخابی معذور باشد می‌توان از قضات دیگر استفاده کرد و ماده ۴۱۱ آن قانون نیز این مجوز را داده است: «هرگاه قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به جهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه باز بماند، رئیس دادگستری می‌تواند شخصاً به جای او انجام وظیفه کند یا یکی از قضات واجد شرایط را به جای قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به طور موقت مأمور رسیدگی کند».

لازم به ذکر است که این قاضی به ابلاغ ریاست قوه قضاییه نیاز ندارد و حکم این ماده ناظر به مواردی است که مانع موقتی وجود داشته باشد مانند اینکه قاضی دادگاه اطفال دارای دارای جهات رد باشد، بنابراین فرض این ماده در مواردی است که قاضی اطفال نیز مشغول فعالیت است و قاضی دیگر به عنوان دادرس دادگاه اطفال مشغول به کار نمی‌شود. نتیجه اینکه چنانچه دادگاه اطفال فاقد دادرس باشد بایستی مطابق ماده ۴۰۹ آن قانون اقدام شود.

اما در خصوص مشاوران دادگاه اطفال باید اذعان داشت که به منظور شناخت بهتر شخصیت متهم و کمک به یافتن واکنش مناسب در برابر رفتار او، حضور مشاور در دادگاه پیش بینی شده است. گرچه مهمترین تصمیم گیرنده در دادگاه اطفال، قاضی دادگاه است ولی در تصمیم‌گیری‌های خود از نظر مشورتی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

مشاوران نیز استفاده می‌کند. ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد شرایط مشاوران دادگاه نیز مقرر کرده است:«مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روان شناسی، جرم شناسی، مدد کاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند. تبصره ۱- برای انتخاب مشاوران، رئیس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بداند به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می نماید. انتخاب مجدد آنان بلامانع است. تبصره ۲- در صورت مؤنث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد».

٤- تعیین وقت دادرسی در دادگاه اطفال

دادرسی جرائم اطفال و نوجوانان یک دادرسی افتراقی یعنی حاوی مقرراتی بعضاً متفاوت با دادرسی جرائم بزرگسالان است. این مقررات برای رسیدگی دادگاه اطفال و نوجوانان پیش بینی شده و به دادرسی دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان نیز تسری یافته است (خالقی، ۱۳۹۳: ۷۹).

تعیین وقت رسیدگی در مورد جرائمی که با کیفر خواست در دادگاه اطفال مطرح شود (جرائم افراد بالغ زیر ۱۸ سال) مانند دادگاه‌های عمومی است. اما در خصوص جرائمی که بدون کیفر خواست مطرح می‌شود پاره ای مقررات خاص وجود دارد که در ماده ۴۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری بدین نحو پیش بینی شده است: «دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌کند». از ظاهر این ماده چنین استنباط می‌شود که حضور دادستان در تمامی دعاوی لازم است؛ به جهت اینکه وقت دادرسی باید به وی ابلاغ شود در حالی که در دادرسی های عادی و در دادگاه کیفری دو دادستان در همه دعاوی حضور پیدا نمی‌کند بلکه دادگاه باید آن را تشخیص دهد. ممکن است گفته شود بیان ابلاغ به دادستان بدین معنا نیست که حضور دادستان در تمامی جلسات ضرورت دارد بلکه جلسات دادگاه اطفال از این جهت مانند دادگاه عمومی است، پس در مواردی که دادگاه تشخیص دهد وقت رسیدگی را به وی ابلاغ می‌کند (زراعت، پیشین: ۱۰۲). همچنین در تبصره ۱ ماده مزبور نیز آمده است:«هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هجده سال و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم یا وکیل او ابلاغ می‌شود». مفهوم مخالف این تبصره آن است که چنانچه متهم به سن هجده سال نرسیده باشد وقت رسیدگی به سرپرست وی ابالاغ می‌شود هرچند بالغ باشد.

به علاوه لزوم تعیین وقت رسیدگی به دعاوی مهم مربوط است و از ظاهر قانون چنین استنباط می‌شود که رسیدگی به این دعاوی بدون تعیین وقت رسیدگی امکان ندارد هر چند چنین امکانی در دادگاه‌های عمومی وجود دارد اما در دعاوی کم اهمیت امکان رسیدگی بدون تعیین وقت وجود دارد (همان: ۱۰۲-۱۰۳) و این حکم در تبصره دوم آن ماده نیز پیش بینی شده است، «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

هشت و همچنین در جرائم تعزیری که مجازات قانونی آن ها غیر از حبس است، هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید».

۵- سری و حضوری بودن دادرسی

یکی از اصول مهم تضمین کننده یک دادرسی منصفانه در امر کیفری، اصل علنی بودن دادرسی است که به دلیل اهمیت و جایگاه والای آن در اصل ۱۶۵ قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. با این حال در مورد جرائم اطفال و نوجوانان، به منظور جلوگیری از قرار گرفتن آن ها در کانون توجه عموم، اصل مزبورحتی نسبت به خود متهم اجرا نمی‌شود (خالقی، پیشین:۸۰). حفظ اسرار زندگی خصوصی و هویت طفل از حقوق مسلم او به شمار می رود، که باید در تمام مراحل دادرسی محترم شمرده شود و از انتشار جریان دادرسی طفل در رسانه‌های گروهی و ارتباطات جمعی ممانعت به عمل آید (مؤذن زادگان، شماره ۳۳، سال ۱۳۸۳: ۱۵۴).

علنی بودن فرایند دادرسی و افشای هویت و مشخصات طفل از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی با حضور افراد به شخصیت و حیثیت آنان لطمه جبران ناپذیری وارد کرده و موجب سلب اعتماد به نفس طفل می‌شود. طرح اتهام طفل در جامعه و برچسب زنی جرم به وی سبب خدشه دار شدن شخصیت طبیعی او می‌شود و موجب می‌شود خود او را در قالب مجرم تصور و مجسم کند و آن گاه در مسیر اصلاح و تربیت وی معظل های اساسی ایجاد شود (دانش، ۱۳۷۸: ۱۲۱). بنابراین غیر علنی بودن محاکمه طفل، یک حق قانونی است که طفل در حین محاکمه از آن برخوردار است. در کنوانسیون حقوق کودک ضمن تأکید بر سری بودن جلسات محاکمه طفل، مقرر شده که محرمانه بودن کامل موضوع در تمام طول مراحل دادرسی امری ضروری است.

از این رو ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری به صورت ضمنی مقرر کرده است:«در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان و وکیل مدافع شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است».

همچنین ممکن است حضور طفل نیز در دادگاه به مصلحت نباشد که این حکم در ماده ۴۱۴ قانون مزبور بدین شرح پیش بینی شده است: «هرگاه مصلحت طفل موضوع تبصره یک ماده ۳۰۴این قانون اقتضا کند ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می‌شود.»

بنابراین با عنایت به ماده اخیرالذکر باید اذعان داشت که دادرسی مربوط به جرائم ارتکابی از سوی افراد بالغ زیر هجده سال(نوجوان)از نظر حضوری یا غیابی بودن تابع مقررات دادرسی اشخاص بالغ است اما

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

دادرسی جرائم افراد صغیر در هر صورت حضوری محسوب می‌شود. همچنین اطلاق این ماده اعم از آن است که ولی یا سرپرست طفل یا وکیل آنان نیز در دادرسی حضور نداشته باشند و اگر این اشخاص حضور داشته باشند اصولاً سخن از غیابی بودن دادرسی مفهومی نخواهد داشت.

٦- دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم

دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم، یک دعوای حقوقی و خصوصی است که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه حقوقی قرار دارد اما رسیدگی به این دعوا به صورت استثنائی در صلاحیت دادگاه کیفری قرار گرفته است و بر همین اساس این صلاحیت بایستی به صورت خاص در قانون بیان شود. ماده ۴۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری این صلاحیت را برای دادگاه اطفال بدین شرح برقرار کرده است: «به دادخواست ضررو زیان ناشی از جرم که در دادگاه اطفال و نوجوانان مطرح می گردد، طبق مقررات قانونی رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌شود. هنگام رسیدگی به دعوای ضرر و زیان حضور طفل لازم نیست مگر در صورتی که توضیحات وی برای صدور رأی ضروری باشد».

به نظر می رسد با توجه به ملاک ماده ۴۱۴ همین قانون حکمی که صادر می‌شود حضوری است. لازم به ذکر است که مقررات مواد ۱۴ تا ۱۷ و همچنین ۱۹ و ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه لازم الارعایه می‌باشد.[۱۶]

---

[1] - ماده ۱۴ مقرر می دارد: «شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.
تبصره۱-زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.
تبصره ۲- منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیزپرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود».
ماده ۱۵ مقرر می دارد:«پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است».
ماده ۱۶ نیز مقرر می دارد:«هرگاه دعوای ضررو زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوا در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می‌تواند با استرداد دعوا، به دادگاه کیفری مراجعه کند. اما چنانچه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می‌تواند با استرداد دعوا، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند. چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد نیازی به پرداخت مجدد آن نیست».
ماده ۱۷ نیز مقرر می دارد:«دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، درخصوص ضرر وزیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آنکه رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد، که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر وزیان رسیدگی می نماید».
همچنین ماده ۱۹ نیز مقرر می دارد:«دادگاه در مواردی که به رد عین، مثل و یا قیمت مال صادر می کند، مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم علیه، حدود مسئولیت هر یک را مطابق مقررات مشخص کند.
تبصره- در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم، ملاک است.
-و ماده ۲۰ مقرر می دارد:«سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، درصورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید».

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]